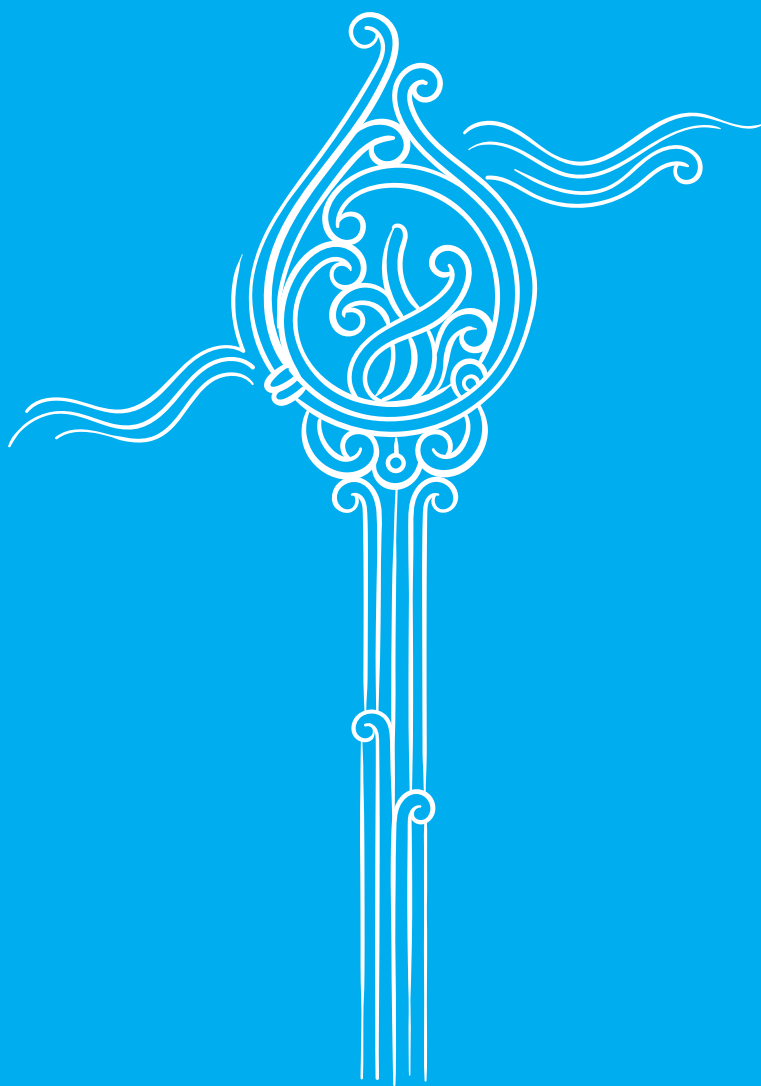


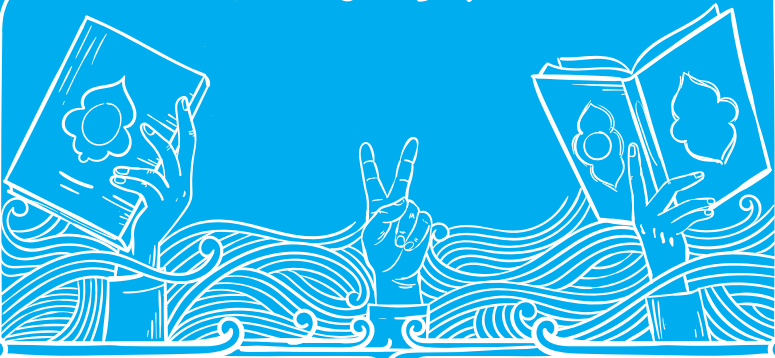




زندگی بائے کمرہا

سِرِّ نصرت

سے آیہ، سے صحفہ از نصرت الہی زندگی مردان میدان



سِرِّ نَصْرَت

آیه، ترجمه از نصرت الی زندگی مردان می‌رسان

نویسنده: سید محمد حسین راجی

طراح جلد: سید محمد موسوی

ویراستار: محمد کاظمی

صفحه‌آرا: علی عبادی فرد

ناشر: انتشارات تلاوت

چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه

سال چاپ: ۱۴۰۴

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد | قیمت: ۱۷۰,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۱۰۱-۲۴-۱

شماره مرکز پخش (فروشگاه بصائر)

۰۹۱۲۸۰۸۸۱۲۴ - ۰۲۱۶۶۹۵۶۰۹۵



آیه اول: جنگ است دیگر! ۱۱

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ﴿١٥﴾ بقره | جزء ۱ ﴿۱﴾

آیه دوم: یک سال است پدر را ندیده‌ام ۱۵

رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبِّثْ أَفْئَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥﴾ بقره | جزء ۲ ﴿۲﴾

آیه سوم: از قالی تا زیرانداز ۱۹

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا ﴿١٧٨﴾ بقره | جزء ۳ ﴿۳﴾

آیه چهارم: وقتی دل در گرو خدا داریم ۲۵

وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿٧٢﴾ آل عمران | جزء ۴ ﴿۴﴾

آیه پنجم: به صلاح کی؟! ۲۹

أَيُّتَتَّعُونَ عَنْهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴿٣٨﴾ نساء | جزء ۵ ﴿۵﴾

۳۵

آیه ششم: با آبرویت بازی نکن!

يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ۝ مائده | جزء ۶

۴۱

آیه هفتم: جفاى ناخواسته!

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ ۝ مائده | جزء ۷

۴۷

آیه هشتم: سالن بسکتبال و لبيعهد

وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ۝ اعراف | جزء ۸

۵۳

آیه نهم: انحراف موشک

وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى ۝ انفال | جزء ۹

۵۹

آیه دهم: يك «نه»ى بابرکت!

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ ۝ انفال | جزء ۱۰

۶۵

آیه یازدهم: اى عروس حجله‌ام، اى شهادت كجایی؟!

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ ۝ توبه | جزء ۱۱

۷۱

آیه دوازدهم: از اعتیاد تا شهادت

إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ ۝ هود | جزء ۱۲

۷۹

آیه سیزدهم: دستور خستگی

أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَظْمِينُ الْقُلُوبِ ۝ رعد | جزء ۱۳

۸۵

آیه چهاردهم: صبر حیرت‌آور

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ ۝ نحل | جزء ۱۴

۹۱

آیه پانزدهم: سیل زده عشق

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا ﴿٩١﴾ اسراء | جزء ۷

۹۷

آیه شانزدهم: نجوای هادی

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى ﴿٩٧﴾ طه | جزء ۱۱

۱۰۳

آیه هفدهم: جرأت ستیز

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١٠٣﴾ انبیاء | جزء ۷

۱۰۹

آیه هجدهم: بخشش سریع

وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ﴿١٠٩﴾ نور | جزء ۱۸

۱۱۳

آیه نوزدهم: جوجه کلاغ صدام!

فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ﴿١١٣﴾ فرقان | جزء ۱۹

۱۱۷

آیه بیستم: صبر عجیب اُسرأ

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿١١٧﴾ عنكبوت | جزء ۱۰

۱۲۳

آیه بیست و یکم: یک رمز ساده

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ﴿١٢٣﴾ عنكبوت | جزء ۱۱

۱۲۹

آیه بیست و دوم: امان از اعتماد!

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا ﴿١٢٩﴾ فاطر | جزء ۲۲

۱۳۷

آیه بیست و سوم: نیم قرن بحران آفرینی

وَأَنْ جُنْدَنَا لَهُمُ الْعَالَمُونَ ﴿١٣٧﴾ صافات | جزء ۲۳

آیه بیست و چهارم: از ارون تا آمرلی

۱۴۵

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا ﴿١٤٥﴾ فصلت | جزء ۱۱

آیه بیست و پنجم: عشق فرامذهبی

۱۵۱

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ﴿١٥١﴾ شوری | جزء ۱۵

آیه بیست و ششم: هزینہ سازش

۱۵۷

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ ﴿١٥٧﴾ محمد | جزء ۱۱

آیه بیست و هفتم: برای من ذره‌ای اهمیت نداشت

۱۶۱

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ﴿١٦١﴾ حدید | جزء ۱۷

آیه بیست و هشتم: دست الهی

۱۶۷

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ﴿١٦٧﴾ و ۳ طلاق | جزء ۱۵

آیه بیست و نهم: انیس خلوت‌ها

۱۷۳

فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ﴿١٧٣﴾ مزمل | جزء ۱۹

آیه سی‌ام: همراه همیشگی سختی‌ها

۱۷۹

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿١٧٩﴾ و ۱ شرح | جزء ۳

مقدمه

رمضان، تنها نام یک ماه در تقویم نیست؛ مدرسه‌ای است به وسعتِ تاریخ که درهای آن سالی یک بار به روی مشتاقان گشوده می‌شود. ماهی که در آن، آسمان به زمین نزدیک‌تر است و جان‌های خسته از غبارِ روزمژگی، در چشمه‌سار «ضیافت الله» شسته و پاکیزه می‌شوند. اما این ضیافت، نه با طعام و شراب، که با «امساک» و «پرهیز» برپا شده است. خداوند حکیم، رمضان را موسمِ تمرینِ اراده قرار داد تا انسان دریابد که برای پرواز، گاهی باید از دلبستگی‌های حقیر خاک بُرید.

در متنِ این ماهِ عظیم، «قرآن کریم» چون خورشیدی می‌درخشد؛ کتابی که «ربیع القلوب» یعنی بهار دل‌هاست. اما آیا قرآن تنها برای خواندن و ثواب بردن نازل شده است؟ هرگز. قرآن، نقشه‌راهِ زندگی و کتابِ «قیام» است. کلام خدا، نسخه‌ی شفابخشی است که نه تنها روح را آرام می‌کند، بلکه به بازوانِ مؤمن، قوت و به گام‌هایش استواری می‌بخشد.

در جهانِ پراشوبِ امروز، که امواجِ سهمگینِ فتنه‌ها و طوفان‌های ظلم و استکبار، کشتیِ انسانیت را تهدید می‌کنند، بیش از هر زمانِ دیگری نیازمندِ بازخوانیِ مفاهیمِ قرآنی هستیم. در میانِ این مفاهیم، گوهری نایاب و کلیدی وجود دارد به نام «مقاومت»

حقیقت آن است که رمضان، کارگاهِ عملیِ مقاومت است. انسانی که می‌آموزد در گرمایِ نیمروز، لب از آبِ گوارا فروبندد و بر خواهشِ نفسِ خود

مسلط گردد، در حال مقاوم ساختنِ شخصیت خویش است. کسی که در «جهادِ اکبر» و مبارزه با نفس پیروز شود، بی تردید در میادینِ سختِ زندگی و در رویارویی با دشمنانِ بیرونی، زانو نخواهد زد. این پیوندِ ناگسستنی میانِ «معنویت» و «استقامت»، همان پیامی است که این کتاب در پی انتقالِ آن است. اثر پیشِ رو، حاصلِ تلاشی است برای استخراجِ دُرهای نابِ استقامت از اقیانوسِ بی کرانِ وحی.

ما بر این باوریم که در هر آیه از کلام الله مجید، خداوند متعال رمزی برای گشودنِ قفل‌های زندگی و درسی برای ایستادن در برابر مشکلات قرار داده است. در این صفحات، آیاتی را مرور خواهیم کرد که به ما می‌گویند چگونه نترسیم، چگونه اندوهگین نشویم و چگونه با تکیه بر وعدهٔ تَخْلِفِ نَاطِقِیرِ ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾، افق‌های روشنِ پیروزی را ببینیم.

بر خود لازم می‌دانم از همه دوستان عزیزم در «اندیشکده راهبردی سعدا» و نیز «دارالقرآن کریم» کشور تشکر کنم و امیدوارم که این تلاش ناچیز، در پیشگاهِ قرآن کریم و محضرِ حضرت ولی عصر علیه السلام مقبول افتد و برای خوانندگانِ عزیز، توشه‌ای باشد جهتِ محکم‌تر کردنِ گام‌ها در صراطِ مستقیمِ بندگی و ایستادگی.

وَمَا التَّصَرُّ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

سید محمد حسین راجی

مدیر اندیشکده راهبردی سعدا

روز میلاد باسعادت حضرت زهرا علیها السلام

حرم مطهر امام رضا علیه السلام

۲۰ آذر ۱۴۰۴

آیه اول

جنگ است دیگر!

﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾

سوره بقره، آیه ۴۵

از صبر و نماز یاری بجوئید.



سُورَةُ الْبَقَرَةِ

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ
 هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٩﴾
 يٰبَنِي إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي
 أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ﴿٤٠﴾ وَءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا
 لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ ۖ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي
 ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ ﴿٤١﴾ وَلَا تَلْسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا
 الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْمُونَ ﴿٤٢﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ
 وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿٤٣﴾ * أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ
 وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾
 وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ
 ﴿٤٥﴾ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْقَوْنَ رَبَّهُمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿٤٦﴾
 يٰبَنِي إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ
 عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا
 وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

در پایداری ها و سختی ها همواره باید از دو وسیله صبر و نماز از خدای متعال یاری جست. در تاریخ معاصر ما انسان های بزرگ و اثرگذاری بوده اند که به سبب صبر و نماز توانستند قلّه های بلندی را فتح کنند. کسی که اهل صبر و نماز باشد، در زندگی و در مشکلات و گرفتاری ها آرامش دارد.

نمونه ای تأثیرگذار از عمل به این دستور الهی، رفتار امام خمینی علیه السلام در ایام اشغال خرمشهر توسط ارتش بعث بود.

جنگ است دیگر!

هنگامی که خبر سقوط خرمشهر را درست لحظه ای که ایشان آماده اقامه نماز و گفتن تکبیرة الاحرام بودند، به اطلاع امام رساندند، حضرت امام بدون هیچ تزلزل و جَزَع، تنها فرمودند: «جنگ است دیگر... الله اکبر».^۱

این واکنش نه تنها جلوه ای باشکوه از توکل و آرامش قلبی امام علیه السلام بود، بلکه نمونه ای عملی از استمداد حقیقی از نماز و صبر، در سخت ترین شرایط تاریخی کشور است. امام علیه السلام راه نجات ملت را نه در امید به اسباب ظاهری و دنیاپرستان، بلکه در اتکا به خداوند متعال و استعانت از نماز دانستند؛ همان گونه که آیه شریفه، ما را به آن دعوت می کند.

معادله پیچیده

دانشمند هسته ای، شهید «امیرحسین فقهی» که در حمله ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی به شهادت رسید، روایت می کند که در حل یک مسئله پیچیده علمی گیر کرده بودند. استادش، شهید «مجید شهریاری» کار را متوقف کرد و گفت: «بیا دو رکعت نماز بخوانیم و بعد کار را ادامه دهیم.» هر دو به نماز ایستادند. نمازشان که تمام شد، استاد به سمت تخته رفت و با اطمینانی کامل گفت: «حل شد!» سپس شروع به نوشتن کرد. این کار همیشگی استاد شهریاری بود.

هرگاه در مسئله‌ای علمی گیر می‌کرد، با دو رکعت نماز به راه حل می‌رسید.^۱
 آری، دانشمندان و بزرگان ما همیشه در سنگر علم و نبرد، به مدد نماز و
 معنویت توانسته‌اند قلّه‌های بلند و پرافتخاری را فتح کنند؛ چه در دوران معاصرو
 چه در تاریخ کهنمان ایران؛ نمونه‌هایی چون: ابن سینا، فارابی، ابوریحان بیرونی،
 جرجانی و....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه

۱. برگرفته از مصاحبه خبرگزاری تسنیم با شهید امیرحسین فقهی درباره شهید مجید شهریاری.
 رجوع شود به:

آیه دوم

یک سال است پدر را ندیده‌ام

﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا
وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

سوره بقره، آیه ۲۵۰

خدایا! از صبر و استقامت سرشارمان کن و قدم‌هایمان
را محکم کن و بر این جماعت بی‌دین پیروزمان فرما.



سُورَةُ الْبَقَرَةِ

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ
 بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ
 فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ
 إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا
 مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ
 قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّكَلَّفُوا اللَّهَ كَمَنْ فِئَةٍ
 قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ
 الصَّابِرِينَ ﴿٢٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا
 رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا
 عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ
 وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَءَاتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ
 وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ
 بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو
 فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٥١﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا
 عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

اگر بخواهیم به پای دین ایستادگی کنیم، باید سختی بکشیم. این طور نیست که ساده اتفاق بیفتد. کار اثرگذار، با مشقّت و زحمت رخ می‌دهد. ممکن است انسان در این مسیر ترور شود؛ ناملایمات زیادی ببیند؛ اما با تحمل همین سختی‌ها، حق یاری می‌شود.

خاطره بمب‌گذاری در نماز جمعه تهران

در زمان ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای، روزی ایشان در حال ایراد خطبه‌های نماز جمعه بودند که دشمنان، بمبی را در محل برگزاری نماز جمعه منفجر کردند. بلافاصله پس از انفجار، معظم‌له خطبه‌ها را ادامه دادند. طمأنینه و آرامش ایشان، نشان از آن داشت که این صحنه هیچ تأثیری در شکستن روحیه قوی آقا نداشته است. مردم نیز با متانت و صبر، فوراً نظم جلسه را برقرار کردند و خطبه‌های نماز جمعه ایشان هم چنان ادامه یافت. گویا هیچ حادثه‌ای رخ نداده بود؛ در صورتی که در آن لحظه، عده‌ای شهید و بدن‌هایشان قطعه‌قطعه شده بود و مردم نظاره‌گر پیکرهای تکه‌تکه شده آنها بودند. این واقعه، از صحنه‌های به یادماندنی و جاویدان انقلاب اسلامی است و زمانی که ایشان اقامه نماز جمعه را شروع کردند، در قنوت نماز با صلابت این آیه را خواندند: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبِّثْ أَفْئَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»^۱.
واقعه نماز جمعه، مصداق بارز «تَبِّثْ أَفْئَامَنَا» است. این یک سختی‌آنی، آشکار و هجومی بود. واکنش رهبر انقلاب، نمونه‌ای از ثبات قدم در برابر خطر فیزیکی و تلاش دشمن برای شکستن صفوف در ملاء عام است.

یک سال است پدر را ندیده‌ام

خانم زینب نصرالله، دختر علامه مجاهد سید حسن نصرالله^ع به تهران آمده بود. آن روزها حدود پنج ماه از آغاز عملیات تاریخی

طوفان الاقصی می‌گذشت. او دیداری غیررسمی هم با رئیس‌جمهور در منزل ایشان داشت. به واسطهٔ آشنایی و رفاقتش با دختران آیت‌الله رئیسی، آن‌ها هم در دیدار بودند. همان ابتدای کار حاج آقا جویای احوال آقا سید حسن شدند. زینب نصرالله پاسخ داد: «یک سال است که پدرم را ندیده‌ام!» و توضیحاتی درباره شرایط خاص مقاومت و مشغله‌های سید داد. بعد از بمباران وحشیانهٔ ضاحیه و شهادت سید عزیز، همین دخترشان مصاحبه‌ای کرد و گفت: «ما بعد از شهادت پدر، تازه فهمیدیم که منزلمان چقدر به دفتر کار ایشان نزدیک بوده و مدت‌های مدید از پدر بی‌خبر بودیم».^۱

خاطره دختر سید حسن نصرالله، مصداق «أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا» است. این یک سختی فرسایشی، طولانی‌مدت و عاطفی است. صبر بر فراق و تحمل شرایط دشوار امنیتی در خفا، جنبهٔ دیگری از پایداری در راه آرمان را به نمایش می‌گذارد. بنابراین، چه در مقابلهٔ مستقیم و چه در تحمل تبعات غیرمستقیم، هر دو واقعه شاهی بر این مدعا هستند که پیروزی و نصرت نهایی، از مسیر همین صبر و ثبات قدم عبور می‌کند.



محتوای خود را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه

آیه سوم

از قالی تا زیرانداز

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ
وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ
يَعِدُكُم مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا﴾

سوره بقره، آیه ۲۶۸

شیطان، شما را [هنگام انفاق] وعده فقر و تهی دستی
می‌دهد و به زشتی‌ها امر می‌کند؛ ولی خداوند وعده
آمرزش از جانب خودش و فزونی به شما می‌دهد.



سُورَةُ الْبَقَرَةِ

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ
وَتَثْبِيْتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ
فَعَاتَتْ أَكْطَافَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلَّ
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾ أَيُّودٌ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ
جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ
فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّتٌ
ضَعْفَاءٌ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ
يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٦٦﴾ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا
لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ
وَأَسْتَمِرَّ بِأَخْذِهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَعَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ
حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ
وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ
﴿٢٦٨﴾ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ
أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٦٩﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

آیه شریفه از راز کارآمدی یک جامعه مؤمن پرده برمی‌دارد: شیطان با ترساندن از فقر، انسان را از بخشش و انفاق باز می‌دارد و با ترویج زشتی‌ها، بنیان اخلاق و عدالت را متزلزل می‌کند؛ اما خداوند وعده مغفرت و فضل می‌دهد؛ جایی که بخشش و کمک‌رسانی نه تنها مانع فقر نمی‌شود، بلکه سرچشمه برکت و عزت است. اگر جامعه‌ای در مسیر اعتماد به وعده الهی و فرهنگ انفاق حرکت کند، مالی از دست نمی‌دهد؛ بلکه وحدت و استقلالش تقویت می‌گردد و در برابر وسوسه دشمنان و آفت‌های اخلاقی سرافراز می‌ماند. این پیام، دعوتی است برای انتخاب مسیر ایمان، شجاعت و سخاوت در هر میدان زندگی. داستان زیر، جلوه‌ای از ایمان و ساده‌زیستی رهبر انقلاب است؛ جایی که بخشش و دل‌کندن از مال دنیا، نه تنها خانه را ساده و سبک بار کرد، بلکه خاطره‌ای ماندگار از ایثار و همراهی خانوادگی پدید آورد.

از قالی تازیرانداز

مقام معظم رهبری در خاطرات خود می‌فرماید:

یک نمونه دیگر از زندگی و معیشت‌مان را در رابطه با فرش خانه نقل می‌کنم. خانه ما طبق معمول اغلب خانه‌های ایرانی، با قالی مفروش بود؛ اما دیدم این قالی‌ها هم جزو زوائد است و لذا آنها را فروختم. تنها دو قالی در اتاق مهمان‌های همسرم باقی گذاشتم. به خود گفتم: این دو قالی به جای قالی‌هایی باشد که در جهیزیه همسرم بوده است. وقتی تصمیم به فروش قالی‌ها گرفتم، موضوع را از خانواده همسرم پنهان کردم. برادرها و دایی‌های او تاجر فرش بودند و می‌دانستم که آنها نمی‌گذارند من این کار را بکنم. یکی از برادران را که اکنون هم در مشهد است (حاجی صفاریان) دعوت کردم و به او گفتم: این تعداد قالی را ببر و بفروش و برای ما به جای آن‌ها چند زیرانداز بخر. زیرانداز در ایران ارزان قیمت و کم حجم است. او گفت: به چشم و رفت و زیراندازها را آورد و سه اتاق را فرش کرد. تعداد زیادی از آن‌ها هم اضافی ماند.

به یکی از شاگردانم (شهید کامیاب) گفتم: در اتومبیل حاجی صفاریان بنشین و این زیراندازها را بین طلبه‌های ما تقسیم کن و به هر طلبه برحسب نیازش یکی دوزیرانداز بده. این کار را کرد و شاید هنوز هم این زیراندازها در خانه برخی از آن برادران موجود باشد. همسر من که دید این کار را کردم، تنها حرفی که زد، این بود: چرا دو قطعه قالی را در اتاق من باقی گذاشتی؟ گفتم: این دو قالی به جای آن قالی‌هایی است که جزو جهیزیه خود آورده‌اید. گفت: نه، آن‌ها را هم بفروش.

به حاجی صفاریان گفتم، آمد و این دو قالی را هم فروخت. بعد اتاق مهمان‌های همسر من را با دو قطعه موکت فرش کردیم که آن زمان در نظر ما بهتر از زیرانداز بود. سرانجام همسر من دو قطعه موکت را هم فروخت و تا به امروز در منزل ما فقط همان دو قطعه زیرانداز یادشده باقی است، به جز یک استثنا... چنان که گفتم، چیزهایی مربوط به خانه ماست که من دوست ندارم بیان کنم. و تکرار می‌کنم که این‌ها به برکت لطف خدای تعالی به ما و نیز به برکت وجود این همسر صالحه است. نوع نگاه ایشان به زخارف دنیوی و زوائد زندگی، مستلزم یک روح بزرگ است، و خدای متعال چنین روحی به این زن عنایت فرموده، و البته ما هم مشمول این عنایت هستیم.^۱

جلوه دیگری از نرسیدن از فقر و یکی از بهترین نمونه‌های بخشش واقعی را در زندگی شهید «طهرانی مقدم» می‌بینیم؛ کسی که هیچ وقت دست نیازمندی را خالی نمی‌گذاشت.

نماینده حاتم طایی در قرن ما

همسر شهید طهرانی مقدم تعریف می‌کند:

دره بخشیدن، به کم راضی نمی‌شد. ایشان، نمایندگی مجاز حاتم طائی توی قرن بیست و یکم بود. شب‌ها که خسته و دیر به خانه برمی‌گشت، همیشه یکی دو تا مشتری جلوی خانه‌اش ایستاده

۱. آذرشب، خون دلی که لعل شد، ص ۱۶۳.

بودن برای بیان مشکلاتشان و گرفتن کمک از شهید طهرانی مقدم. آن‌ها را که می‌توانست، خودش کمک می‌کرد و مواردی که خارج از توانش بودند را به افراد خیر معرفی می‌کرد. هیچ‌کس دست‌خالی از درِ خانه‌اش برنمی‌گشت. حتی اگر کسی نمی‌آمد و چیزی نمی‌گفت هم حاجی سرش درد می‌کرد برای کمک.^۱

والی کار خیر

«حاج عبدالله والی»، معروف به مدیر جهادی بود که سال‌ها در منطقه «بشاگرد» هرمزگان کار جهادی انجام داد. در آن منطقه بی‌آب و علف و فقیر که میان سیستان و کرمان قرار دارد (یعنی در میان محروم‌ترین مناطق)، ایشان کار جهادی انجام داد و بر اثر دوازده بار ابتلا به بیماری مالاریا (که به دلیل وضع نامناسب بهداشتی منطقه در آن جا شیوع داشت) سلامتی خود را نیز در این راه از دست داد و تا پایان عمر از عوارض ناشی از این بیماری رنج می‌برد. خاطرات ایشان در کتاب «تا خمینی شهر» گردآوری شده است.

حاج عبدالله والی با انتخاب راه خدمت بی‌منت و انفاق در یکی از محروم‌ترین مناطق کشور، معنای واقعی وعده الهی را به تصویر کشید؛ این که ترس از فقر، مانع کار خیر نمی‌شود و بخشش و ایثار سرچشمه برکت و عزت است. بر اساس آیه «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ... وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً وَفَضْلًا» زندگی چنین انسان‌هایی نشان می‌دهد که اعتماد به وعده خدا، نه تنها گشایش برای خودشان، بلکه امید و آبادانی برای جامعه به همراه دارد، و این همان راز پیروزی حقیقی و رهایی از وابستگی و ضعف است.^۲



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



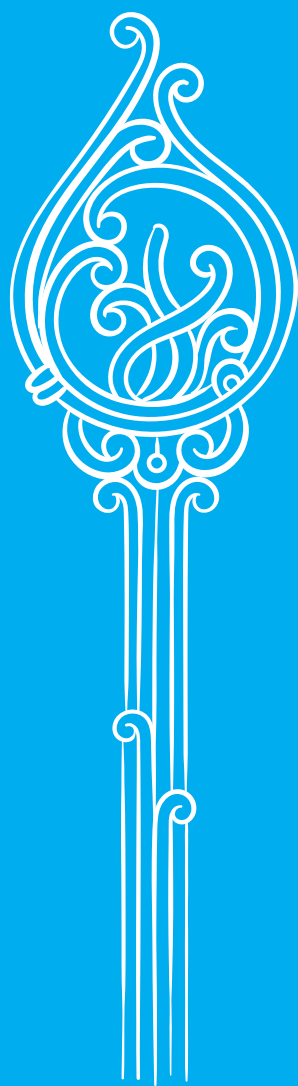
پادکست صوتی



تبیین آیه

۱. حدادی، مردی با آرزوهای دوربرد، ص ۶۵.

۲. رک: مؤسسه فرهنگی ایمان جهادی، تا خمینی شهر (روایتی مستند و جامع از زندگی حاج عبدالله والی).



آیه چهارم

وقتی دل در گرو خدا داریم

﴿وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾

سوره آل عمران، آیه ۱۷۳

«[مؤمنان حقیقی، وقتی به آنان می‌گویند از لشکران بوه
دشمن که آماده جنگ با شماست، بترسید] گفتند:
خدا برای ما کافی است و او بهترین حامی ماست.»



وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّتْيِ الْجَمْعَانِ فَيَا ذُنَّ اللَّهُ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ
 (١٦٦) وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَا تَبْعَنَّاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ
 أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ
 وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ (١٦٧) الَّذِينَ قَالُوا لِلْإِخْوَانِ وَقَعَدُوا
 لَوْ أَطَاعُونَا مَا قَاتَلُوا قُلَّ فَادْرَأْهُ وَعَنْ أَنْفُسِكُمْ الْمَوْتَ إِنْ
 كُنْتُمْ صَادِقِينَ (١٦٨) وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (١٦٩) فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ
 اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ
 مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (١٧٠) *يَسْتَبْشِرُونَ
 بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ
 الْمُؤْمِنِينَ (١٧١) الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ
 الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ (١٧٢)
 الَّذِينَ قَالُوا لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ
 فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (١٧٣)



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

در گذر تاریخ، هرگاه خواسته ایم حقیقتی والا را دریابیم، نیروی ایمان به قدرت پروردگار، چراغ راه ما بوده است. در میان ما همیشه انسان‌هایی یافت می‌شوند که تنها در پیشگاه خداوند سر تعظیم فرود می‌آورند و فقط از او می‌ترسند. این بیم الهی، خصیصهٔ مجاهدانی است که با دستان خالی، اما دلی لبریز از ایمان، در برابر دشمن ایستادگی می‌کنند؛ چراکه نیروی واقعی‌شان از ایمان به خداوند سرچشمه می‌گیرد.

وقتی دل در گرو خدا داریم

پس از سقوط صدام و تسلط آمریکا بر عراق، شهید سید محمد باقر حکیم علیه السلام قصد بازگشت به نجف را داشت. رهبر انقلاب به ایشان فرمودند: «مبادا از آمریکا و از آن همه زور و قدرت و برج و بارویی که در عراق ساخته، بترسید. آمریکایی‌ها حقیرند و باید از عراق بیرون بروند». شهید حکیم از این اطمینان خاطر رهبری متعجب شد و گفت: آمریکا الآن در همسایگی شماست و مرتب برایتان شاخ و شانه می‌کشد؛ اما شما نه تنها آرام هستید، بلکه به ما هم توصیه می‌کنید از او نترسیم! آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ فرمودند: «می‌دانی این حالت برای چیست؟ ما هم آمریکا را می‌شناسیم و چنگ و دندان‌ش را می‌بینیم و از وحشی‌گری‌هایش خبر داریم؛ اما ما روی خدا حساب باز کرده‌ایم و دل در گرو او داریم».^۱

کفایت الهی در جنگ تحمیلی ۸ ساله

در روزهای آغازین جنگ تحمیلی، وقتی همه فرماندهان و مسئولان کشور جمع بودند و فهرست قطعات و مشخصات هواپیماهای جنگی و ترابری مقابلشان بود، هراس از اتمام تجهیزات در دل‌ها افتاد. بر پایه همه محاسبات انسانی، تا چند روز آینده هیچ هواپیمای نظامی قابل پروازی باقی نمی‌ماند.

در این اوضاع، فرماندهان نظامی این نگرانی را نزد امام خمینی علیه السلام بردند و ایشان با آرامش فرمودند: «این حرف‌ها چیست؟! شما بگویید بروند بجنگند؛ خدا می‌رساند؛ درست می‌کند؛ هیچ‌طور نمی‌شود»^۱. هرچند مسئولان شاید از نظر منطقی قانع نبودند، اما ایمانشان به خدا و یقین در دل امام چنان بود که ترسشان ریخت و قوّت گرفتند. همان رزمندگان، با دست‌های خالی و توکل به خداوند، به میدان رفتند. هواپیماهایی که قرار بود چند روز بعد از کار بیفتند، سال‌ها پس از جنگ هم در حال خدمت بودند و حتی در سایه همان تحریم‌ها، مهندسان ایرانی خود قطعات مورد نیاز را ساختند و در نهایت از دل محدودیت‌ها، رویش و نوآوری سربرآورد.

این روایت شاهی است بر حقیقت آیه **«حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»**، که معنایش توکل تنها به خدا و ترس فقط از اوست؛ و آن‌که ایمان را بر خوف مقدم دارد، خداوند او را کفایت می‌کند و بهترین پشتیبان است. در این رخداد تاریخی، فرمان الهی و مضمون آیه عیناً تحقق یافت.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه

آیہ پنجم

به صلاح کی؟!

﴿أَيَّبْتُعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ
فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾

سورہ نساء، آیہ ۱۳۹

آیا عزّت و آبرو را نزد کفار بی دین می جویند؟!
در حالی که عزت و آبرو یک سره دست خداست.



سُورَةُ النَّبَاِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلّٰهِ وَلَوْ
 عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا
 فَاللّٰهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوْا
 أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٢٥﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ ءَ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ
 عَلَىٰ رَسُولِهِ ءَ وَالْكِتَابِ الَّذِي أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَمَن يَكْفُرْ
 بِاللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ ءَ وَكُتُبِهِ ءَ وَرُسُلِهِ ءَ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ
 ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٢٦﴾ إِنَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرْنَا ثُمَّ ءَامَنُوا ثُمَّ
 كَفَرْنَا ثُمَّ أَدَّأَوْا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ
 سَبِيلًا ﴿١٢٧﴾ بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٢٨﴾ الَّذِينَ
 يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيَبْتَغُونَ
 عِندَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا ﴿١٢٩﴾ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي
 الْكِتَابِ أَن إِذَا سَمِعْتُمُ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا
 تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخْرُجُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ءَ إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلْتُمْ
 إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ﴿١٣٠﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

هر کس که در این عالم برای خدا کار کند، خداوند او را عزیز دو عالم می‌گرداند؛ هر چند او نخواهد که دیده شود.

عزت واقعی در بندگی و خدمت، زمانی است که انسان، تنها برای رضای خدا و بی‌نیاز از دیده شدن تلاش کند. شهید «محسن حُجّجی» با اخلاص و فروتنی، سخت‌ترین راه‌ها را انتخاب کرد و از شهرت گریخت؛ اما خداوند او را عزیز دل‌ها قرار داد و نامش را جاودان کرد. این راز بندگی است: عزت را باید از خدا خواست، نه از نگاه مردم.

شرط و شروط عاشقی

شهید حُجّجی شب‌های محرم برای شرکت در مراسم، از نجف‌آباد به اصفهان می‌آمد. مسئول هیئت تعریف می‌کند:

«به شهید حججی گفتیم ما برای پذیرش خادم شرایطی داریم؛ اما وقتی به او نگاه کردم، دیدم چیزی کم ندارد و او را پذیرفتیم. محسن دو نکته را مطرح کرد و از ما خواست. گفت: یکی این که مرا پشت حسینیّه بگذارید تا آن جا خدمت کنم؛ نمی‌خواهم دیده شوم. مورد دوم هم هرچه کار سخت هست، به من بدهید»^۱.

حقیقتاً خجالت کشیدم!

خبری پخش شده بود که می‌خواهند فیلم حاج قاسم را بسازند. حتی اخبار سراسری شبکه یک هم اعلام کرد. همین که خبر به گوش حاجی رسید، در نامه‌ای به کارگردان فیلم نوشت:

«اولاً در جمهوری اسلامی ده‌ها شخصیت اثرگذار شهید وجود دارد که شناساندن شخصیت و عملکرد آن‌ها به عنوان الگوهای حقیقی تجربه شده، یک ضرورت است. بزرگواران مجاهد و متفکری هم چون شهیدان بهشتی، رجایی، باهنر و مطهری در صحنه جهاد،

1. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/03/28/2034001>

شهیدان همت، باکری، زین الدین، خرازی و... در رأس این‌ها شهید زنده‌ای همچون مقام معظم رهبری علیه السلام که بیش از شصت سال در حال مجاهدت می‌باشند. وقتی این خبر را شنیدم، حقیقتاً خجالت کشیدم. چه ضرورتی برای پرداختن به فردی که هنوز خوف از عاقبت خود دارد، می‌باشد؟! بنده نه تنها راضی به چنین اقداماتی نیستم، بلکه به شدت اعتراض دارم).

ایشان تا زنده بود، نگذاشت حرفی از خودش باشد؛ هیچ وقت!^۱ داستان‌های بزرگانی چون حاج قاسم سلیمانی نشان می‌دهد که عزت پایدار در پناه اخلاص، خدمت و بی‌اعتنایی به ستایش مردم است. در نهایت این خداوند است که بندگان مخلصش را عزیز می‌سازد و نام آن‌ها را جاودانه می‌کند، نه تبلیغ و توجه دنیا.

به صلاح کی؟!

بحث‌های عمومی جلسه آن روز هیئت دولت که تمام شد، آیت‌الله رئیسی رو به خبرنگارها گفت: آقایون عزیز! تشریف ببرید بیرون. دوربین‌ها رو هم خاموش کنید. بعد رو به اعضا گفت:

«می‌خوام چیزی به شما بگم که نیاز نیست جامعه ازش مطلع باشه. برخی از کارها و تصمیمات به موعداً انجام رسیده؛ یعنی مقدماتش مهیاست. آیین‌نامه و مقرراتش نوشته شده و به لحاظ فنی هم همه چیز آماده اجراست. الآن من شنیدم که بعضی تصمیمات رو به بهانه این که سال ۱۴۰۳ سال آخر دولت سیزدهمه، چون ممکنه موجب ناراحتی یک عده بشه، تردید دارید برای انجام. آقایون! هر تصمیمی که برای شما قطعی شد به صلاح مردمه، من ازتون می‌خوام که عملیش کنید و اصلاً به این توجه نکنید که رأی رئیسی می‌ریزه یا نمی‌ریزه. شما اگر تصمیم درست بگیرید، بنابر آیه معروف **﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾** خداست که آدم‌ها رو

۱. مهروان‌فر، برادر قاسم (متن نامه سردار قاسم سلیمانی به مستندساز سید سعید حسن‌پور)، ص ۱۵ و ۱۶.

بلند آوازه می‌کنه. حاج قاسم خودنمایی نکرد؛ نیومد برای جلب رضایت و خشنودی یه عده کاری انجام بده که محبوب بشه. او کارش رو درست و بر اساس وظیفه‌اش انجام داد و خداوند هم به وعده خودش عمل کرد و او رو عزتمند کرد»^۱.

این آیه یادآور می‌شود که عزت و بزرگی، تنها در مسیر بندگی خدا به دست می‌آید، نه با تکیه بر قدرت، موقعیت یا نگاه دیگران. کسانی چون شهید حججی و حاج قاسم، خدمت و وظیفه‌شان را بی‌ادعا، از سر اخلاص و برای رضای خدا انجام دادند و نه تنها از شهرت گریزان بودند، بلکه عزتشان را خدایی و جاودانه یافتند. انتخاب راه درست و عمل به وظیفه، حتی اگر کسی نبیند یا نشناسد، وعده عزت الهی را محقق می‌کند؛ عزتی که مستقل از قدرت‌های زمینی، از ایمان و اخلاص سرچشمه می‌گیرد و برای همیشه در دل‌ها و تاریخ باقی می‌ماند.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



آیه ششم

با آبرویت بازی نکن!

﴿يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا
يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾

سوره مائده، آیه ۵۴

همواره در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش
هیچ سرزنش کننده ای هراسی ندارند.



سُورَةُ الْمَائِدَةِ

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ
 أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
 الظَّالِمِينَ ﴿٥١﴾ فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسْرِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ
 نَحْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ
 فَيُضِيبَهُمْ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ نَدِمِينَ ﴿٥٢﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا
 أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ
 أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ ﴿٥٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ
 مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ
 عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا
 يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ
 عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ
 الصَّلَاةَ وَآتَوْنَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٥٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا
 الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّكُمْ مَوْمِنِينَ ﴿٥٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

جهاد تزلزل ناپذیر؛ مجاهدت بدون ترس از سرزنش‌ها و فشارهای روانی است. نترسیدن از سرزنش‌ها ویژگی افرادی است که در راه جهاد برای خدا نمی‌لرزند. این محبوبیت نزد خدا و نترسیدن از غیرخدا برگرفته از ایمان راسخی است که پیامبر خدا ﷺ در تفصیل این آیه اشاره دارند.

روایت شده که پیامبر خدا ﷺ در پاسخ به سؤال از آیه «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما که از دین خود برگردد، به‌زودی خدا مردمی را می‌آورد که آن‌ها را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند»؛ درحالی‌که بر شانهٔ سلمان می‌زد، فرمود: «آنان این مرد و هموطنان اویند... اگر دین به‌ثریا آویخته باشد، مردانی از اهل فارس به آن دست یابند»^۱.

اکنون خدا بر ما منت نهاده و به ما در دورانی اجازه حیات داده است که این یاران آخرالزمانی را با چشم خودمان می‌بینیم.

مجاهدانی که سرزنش دیگران در مسیر حق آنان خللی ایجاد نمی‌کند؛ مجاهدانی که برای غیر خدا گام بر نمی‌دارند و برایشان مهم نیست که آیندگان از آنان تعریف کنند یا نه، و برای آنان فقط و فقط رضایت خدا مهم است.

انتظاری که نمی‌رفت!

در تاریخ می‌بینیم که برخی تمام دغدغه‌شان این است که رضایت دیگران را کسب کنند. امام ﷺ در نامه‌ای به آیت‌الله منتظری می‌نویسند:

«من کار به تاریخ و آن چه اتفاق می‌افتد ندارم؛ من تنها باید به وظیفه شرعی خود عمل کنم». فرزند برومند امام، حاج احمدآقا در نامه‌ای به آیت‌الله منتظری این فراز نامه امام را به زیبایی توضیح می‌دهند:

«شما از خصوصیاتان این است که - به قول امام - می‌خواهید

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۲۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲: «رَوَى أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ سَأَلَ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ فَصَرَّبَ يَدَهُ عَلَى عَاتِقِ سَلْمَانَ فَقَالَ: هَذَا وَذَوُوهُ... لَوْ كَانَ الدِّينُ مُغْلَقًا بِالثَّرْيَا لَتَنَاوَلَهُ رَجُلٌ مِنْ أَبْنَاءِ فَارِسٍ».

تاریختان را خوب ترسیم کنید و کاری به تأیید نظام و اسلام - اگر تاریختان خدشه دار شود - ندارید. لذا امام مرتب می‌فرمایند: من به تاریخ کاری ندارم؛ من به وظیفه شرعی خود باید عمل کنم؛ ولی شما متوجه نمی‌شوید کجای کار شما خراب است که امام این‌گونه می‌فرمایند. اگر هدف این باشد که باید‌ها و نبایدها تنها بر کاغذ نوشته شود تا تاریخی زیبا و چهره‌ای دلربا برای انسان ترسیم کند، گفتن و نوشتن آسان است. من هم می‌نویسم: هر ایرانی باید داری یک منزل پانصد متری باشد؛ هر ایرانی باید یک ماشین سواری داشته باشد؛ هر ایرانی باید حقوقش دوبرابر خرجش باشد و... اصولاً این بحث را همیشه با شما داشته‌ایم که اگر آن چه جناب عالی یا حضرت امام یا مسئولین دیگر نظام می‌فرمایند، به صورت ارشاد باشد، یعنی خطوط کلی سیاست داخلی و خارجی را در تمام زمینه‌ها ترسیم کنند، هیچ مانعی ندارد؛ چراکه هادیان انقلاب باید راه صحیحی را نشان بدهند؛ اما فرق جناب عالی با بقیه این است که شما این مسائلی را که می‌گویید، کاری به توان اجرای آن ندارید و هر وقت مسئولین و غیرهم را می‌بینید، با پرخاش می‌گویید: چرا به گفته‌های من عمل نمی‌شود؟!^۱

امام حکیم ما به معنای واقعی به فکر رضایت خدا بود، نه رضایت سایرین و از ملامت‌ها ولو اطرافیان به هیچ وجه واهمه‌ای نداشت. شاهد دیگری که برای این صفت مؤمنین وجود دارد، ماجرای سلمان رشدی است.

خیلی‌ها آن زمان می‌گفتند که اعلام موضع علیه سلمان رشدی برای جمهوری اسلامی خوب نیست؛ روابط ما خدشه دار می‌شود؛ اما امام خمینی علیه السلام با قاطعیت فرمودند: به درک! به پیامبر ما توهین کردند، ما هیچ نگوئیم؟! اگر امام امور دنیایی را در نظر می‌گرفتند، ممکن

۱. بخشی از رنجامه مرحوم سید احمد خمینی خطاب به آیت‌الله منتظری:

بود از کنارش رد شوند؛ اما امام بر این عقیده بودند که اگر همه دنیا سرزنش کنند، نباید از عقیده دست کشید.^۱

بنیان مرصوص در دفاع از ارزش‌ها

حضرت امام خمینی علیه السلام در پیام مهم خود که به «منشور روحانیت» معروف شد، ماجرای سلمان رشدی را این گونه تحلیل می‌کند:

«ما کینهٔ دنیای غرب را با جهان اسلام و فقاقت از همین نکته‌ها به دست می‌آوریم. قضیه آنان قضیه دفاع از یک فرد نیست؛ قضیه حمایت از جریان ضداسلامی و ضدارزشی است که بنگاه‌های صهیونیستی و انگلیس و آمریکا به راه انداخته‌اند و با حماقت و عجله، خود را روبه‌روی همه جهان اسلام قرار داده‌اند».

ایشان در ادامه با انتقاد از برخی تحلیل‌های ساده‌انگارانه در جست‌وجوی روابط با دولت‌های استعمارگر تأکید می‌کنند:

روحانیون و مردم عزیز حزب‌الله و خانواده‌های محترم شهدا حواسشان را جمع کنند که با این تحلیل‌ها و افکار نادرست خون عزیزانشان پایمال نشود. ترس من این است که تحلیل‌گران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟! و نتیجه‌گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند، پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت‌کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم!^۲

گاهی سرزنش در مسیر، هم‌چون ماجرای سلمان رشدی، انسان را از مسلمات فکری باز می‌دارد. گاهی سرزنش، انسان را از پیمودن مسیر حقیقت منحرف می‌کند. این جاست که گوهر درونی به انسان جرأت بیشتر می‌دهد تا

1. <https://farsi.khamenei.ir/memory-content?id=31152>

۲. صحیفه امام خمینی، ج ۲۱، ص ۲۹۱.



ثبات قدم و راسخ بودن در اعتقاد را به همه نشان دهد.^۱
در دوران سختی که بسیاری، حتی انقلابیون برجسته، برای سوریه فاتحه
سقوط می خواندند و داعش نزدیک بود کاخ ریاست جمهوری را تصرف کند،
رسانه های بین المللی نیز به شدت علیه دولت سوریه و مدافعان آن تبلیغ
می کردند. در این شرایط، بسیاری از افراد بانفوذ و شناخته شده در ایران نیز
حاج قاسم را سرزنش می کردند.

با آبرویت بازی نکن!

سردار محمدرضا نقدی روایت می کند:

به حاج قاسم می گفتند: تو آدم خوش نامی هستی. می روی آن جا و
خودت را ضایع می کنی. در این میدان، نه فقط امید پیروزی وجود
ندارد، بلکه شکست حتمی است! در دنیا، چه اعلامیه هایی که علیه
حضور در سوریه امضا نشد! چه بیانیه هایی که صادر نشد!

اما حاجی مقابل همه این ها ایستاد و گفت: «من فقط می دونم
اسلام این رو از من می خواد. تکلیفه؛ باید برم».^۲

این روایت به خوبی نشان می دهد که حاج قاسم نه تنها از شکست و از دست
دادن آبرو نترسید، بلکه تنها به تکلیف الهی خود عمل کرد و خدا او را عزت داد.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه ها



پویاتمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه

1. <https://jahannews.com/vdcb9wbw8rhbgwp.uiur.html>

۲. طهماسبی و دیگران، سلیمانی عزیز، ج ۱، ص ۶۱.

آیه هفتم

جفای ناخواسته!

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ
بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ﴾

سوره مائده، آیه ۹۱

مسلماناً شیطان می خواهد بین شما
دشمنی و کینه سخت ایجاد کند.



سُورَةُ الْمَائِدَةِ

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ أَلْعَادَ وَهُوَ الْبَغْضَاءُ
فِي الْحَمَرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصَدِّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ
الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿٩١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا
الْبَلَّغُ الْمُبِينُ ﴿٩٢﴾ لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
ثُمَّ اتَّقَوْا ءَامَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ
الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَبْلُغَكُمْ اللَّهُ شَيْءًا
مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ وَأَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ
بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٤﴾ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَن قَتَلَهُ
مِنْكُمْ مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا
عَدْلٍ مِنْكُمْ هَذِي بَالِغُ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَرَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ
أَوْ عَدْلٌ ذَلِكِ صَبَإٌ لِّذَوْقٍ وَيَا أَلْمُومَةَ عَفَا اللَّهُ عَمَّا
سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ﴿٩٥﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

در طول تاریخ، تمام سعی شیطان این بوده که بین همه انسان‌ها تفرقه بیندازد؛ زیرا اتحاد و پیوستگی در مسیر حق، مانع تحقق اهداف عالی الهی است. دشمن همواره در پی ایجاد دوقطبی در جوامع است. دوقطبی دشمنی بین شیعه و سنی، دوقطبی با حجاب و بی حجاب، دوقطبی کره شمالی و جنوبی، دوقطبی چین و تایوان و... که همه با پیشرانه جنگ شناختی در شکل گرفته است.

مجله NATO Review در تقسیمی، حوزه‌های جنگ را بیان کرده است. ناتو در گذشته، تنها پنج حوزه جنگی را به رسمیت می‌شناخت: زمین، هوا، دریا، فضا، سایر (فضای مجازی). اما اخیراً یک حوزه جدید و پیشرفته را هم به این حوزه‌ها افزوده است: جنگ شناختی.^۱

جنگ شناختی (Cognitive Warfare):

در این نوع نبرد، ذهن انسان به میدان اصلی نبرد تبدیل می‌شود. هدف، نه فقط تأثیرگذاری بر عقاید، بلکه تغییر نحوه فکر کردن و حتی رفتار مردم است. ابزارهای جنگ شناختی شامل رسانه‌های اجتماعی، اطلاعات سایبری، فناوری‌های هوشمند و حتی الگوریتم‌های داده‌کاوی است.^۲

هدف نهایی این جنگ، فروپاشی انسجام و توانایی مقاومت مردم، بدون استفاده از نیروی کلاسیک است.

۱. برگرفته از مقاله «مقابله با جنگ شناختی: آگاهی و تاب‌آوری»:

<https://www.nato.int/docu/review/articles/2021/05/20/countering-cognitive-warfare-awareness-and-resilience/index.html>

۲. نقاط کلیدی درباره «جنگ شناختی» که وسیله استعمار جدید شده است:

برتری در این جنگ با کسی است که زودتر اقدام کند و ابزار و زمان و مکان تهاجم را انتخاب نماید. دشمن بدون به کارگیری زور یا اجبار فیزیکی، می‌تواند کل جامعه را در سلطه خود درآورد؛ یعنی بدون جنگ کلاسیک و سنتی، اراده جمعی و مقاومت جامعه را می‌شکند. شبکه‌های اجتماعی با ایجاد «حباب‌های راحتی» باعث حذف سریع اخبار، افراد و نظرات مخالف می‌شوند و جامعه را از هم دور و دوقطبی می‌کنند. کشف و القای روایت‌های متخاصم و دامن زدن به جدایی، تردید و تعارض (مثل رادیکالیزه کردن یا افراطی‌سازی گروه‌ها) از تکنیک‌های کلیدی استعمار شناختی است. برای موفقیت، الزاماً نیاز به اخبار جعلی نیست؛ حتی افشای اسناد واقعی یا هدایت هدفمند گفت‌وگو و احساسات، کافی است تا افکار عمومی را شکل دهد.

ناتو این مدل نبرد را به عنوان تهدیدی فوق‌العاده جدی شناسایی می‌کند. در نتیجه، «جنگ شناختی» نه تنها به عنوان آخرین و مدرن‌ترین ابزار استعمار و سلطه نرم، بلکه به عنوان تهدید شماره یک آینده توسط ناتو شناسایی شده که حوزه‌های پیشین جنگ (زمین، هوا، دریا، فضا و سایبر) را به سطح جدیدی از مداخله علیه جوامع انسانی رسانده است. ناتو در این گزارش یکی از مهم‌ترین ابزارها در جنگ شناختی را، ایجاد «دوقطبی» در کشورها و جوامع می‌داند.

نقشه شوم برای عراق

یکی از دوقطبی‌هایی که در عراق توسط آمریکا ایجاد شد، پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ و سقوط صدام حسین بود که موجب یک فرایند دوقطبی‌سازی و تقسیم فرقه‌ای و قومی پُرشتاب شد.

جانانان کوک در کتاب «اسرائیل و برخورد تمدن‌ها»^۱ می‌نویسد:

آنچه در گذشته جامعه‌ای با پیوندها و ازدواج‌های گسترده میان سنی و شیعه بود، اکنون به نقشه‌ای فرقه‌ای تبدیل شده که با دقت می‌توان مرزها را تا خانه و کوچه ترسیم کرد. موج مهاجرت و جابه‌جایی داخلی، مردم را وادار به انتخاب میان هویت‌های سنی، شیعه و گُرد کرده و حتی برخی را به ترک کامل کشور کشانده است.^۲

این فروپاشی اجتماعی نه تنها نتیجه تصادفی اشغال نبود، بلکه به نظر می‌رسد هدف گروهی از سیاست‌مداران آمریکایی بود که جنگ داخلی و تجزیه عراق را منطبق با منافع منطقه‌ای خود می‌دیدند. اکنون سؤال هر روز مردم این است: «سنی هستی یا شیعه؟» و بحران عراق به یک جنگ داخلی فرساینده تبدیل شده است؛ جنگی که آینده این کشور را در هاله‌ای از تاریکی و ابهام فرو برده است.

1. Israel and the Clash of Civilisations: Iraq, Iran and the Plan to Remake the Middle East).

2. <https://countercurrents.org/lendman080208B.htm>

در یک کلام: نقشه شوم شیطان بزرگ برای عراق، نقشه‌ای است که خطوط آن را هویت‌های جدا شده و حفره‌های نفرت و بی‌اعتمادی رقم زده است، نه تاریخ مشترک و حفظ انسجام ملی.

همان‌طور که در عنوان مقاله آمده است، آمریکا برای هر کدام از کشورهای منطقه: عراق، سوریه، لبنان، سودان، سومالی، لیبی و ایران، یعنی هفت کشوری که قرار بود بعد از ۱۱ سپتامبر به آن‌ها حمله و تجزیه شوند، یک نسخه مخصوص پیچیده بود. نسخه عراق بر محور تفرقه داخلی بین شیعه و سنی جریان دارد. تفرقه، عامل جدایی مردم از یکدیگر و سیطره دشمن بر ملت‌هاست. این مهم‌ترین دغدغه شهید رئیسی رحمته‌الله در آخرین جلسه هیئت دولت بود که دیگران را وصیت کرد:

حرفی نزنید که خلاف خواسته رهبری باشد و موجب تفرقه بین قوا و مردم شود.

جفای ناخواسته!

شخصی به آیت‌الله رئیسی پیشنهاد می‌دهد که در مقابل حرف‌های اختلاف افکن مسئولین دیگر در برابر مردم، ایشان نیز در رسانه‌ها جواب بدهد؛ اما شهید رئیسی قاطعانه این پیشنهاد را رد می‌کند. آن شخص با اصرار می‌گوید: حاج آقا! مسئولین دیگه گاهی مقابل مردم حرفایی می‌زنن که مصداق اختلاف افکنیه. شما هم جلوی رسانه‌ها جوابشون رو بدید. چرا هیچی نمی‌گید؟ ایشان پاسخ می‌دهند:

«من تاکنون موضوعی رو مطرح نکردم و نخواهم کرد که زمینه اختلاف قوا رو فراهم کنه. خیلی وقت‌ها تحت فشار روحی هستم و می‌گم آقا این‌که برای تو روشنه؛ یه جایی مطرحش کن. این‌طور وقت‌ها یاد مرحوم بهشتی می‌افتم. البته من شاگرد ایشونم. اون آقا بود؛ آیت‌الله بود؛ عالم و دانشمند بود. یادم هست توی مسجد الجواد ریختن دورش که بهشتی درباره تهمت‌ها حرف بزن. ایشون فرمودن: امام گفتن: سکوت، سکوت، سکوت، و تمام کرد جلسه رو. یاد او که

می‌افتم، با خودم می‌گم: فلانی، تو قراره که بگی من انقلابی‌ام. اگر تو هم به حرف و خواست آقا گوش ندی، پس فرق تو با بقیه چیه؟ مگر قضیه ادعا کردنه؟ اتفاقاً همین جاها جای امتحان و آزمون؛ لذا من اختلاف‌ها رو مطرح نمی‌کنم و بنا هم ندارم. اگر اختلافی پیش بیاد، در جلسات خصوصی ممکنه حرفی بزنم؛ اما مقابل مردم نه. مردم آستانه تحملشون این چیزها نیست. این جفا به مردمه»^۱.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه

آیه هشتم

سالن بسکتبال ولیعهد

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا
إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾

سوره اعراف، آیه ۳۱

بخورید و بنوشید، ولی اسراف نکنید،
که خدا اسرافکاران را دوست ندارد!



سُورَةُ الْأَنْعَامِ

يَبْنِيءَ آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا
وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٢١﴾ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ
الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كَذَلِكَ نَفْصِلُ الْأَيَّاتِ
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا
بَطْنٌ وَالْأَنَامَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ
بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا نَعْمُونَ ﴿٢٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ
أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ
﴿٢٤﴾ يَبْنِيءَ آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ
اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٥﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا
بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ ﴿٢٦﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ
بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءَهُمْ
رُسُلُنَا يَتَوَقَّعُهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
قَالُوا اضْلُوعًا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿٢٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

در دنیایی که مصرف و تجمل‌گرایی به یک ارزش تبدیل شده است، آیه «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» هم چون چراغی مسیر میانه‌روی را نشان می‌دهد. هر نعمتی که در اختیار ماست، آزمونی الهی است تا ببینیم چگونه از آن بهره می‌گیریم. آیا سپاس‌گزار و قانعیم یا زیاده‌خواه و غافل؟ انسان مؤمن در نگاه قرآن، کسی است که نعمت را می‌فهمد؛ از آن استفاده می‌کند؛ اما حریم حرمتش را می‌داند. گاهی اسراف فقط در زندگی شخصی رخ نمی‌دهد؛ بلکه در سطح تصمیمات کلان و اموال عمومی، آثار زیان‌بارتری دارد. نمونه‌هایی از تاریخ معاصر گواه آن است که چگونه غفلت از قناعت و رعایت حق بیت‌المال چه خسارت‌های سنگینی بر جامعه تحمیل می‌کند.

سالن بسکتبال ولیعهد

محمدرضا پهلوی فقط برای تغییر مبلمان و تزئینات کاخ فرح و نیز ساخت سالن بسکتبال برای پسرش، دستور اعطای مبلغ ۲۵ میلیون تومان را می‌دهد. این مبلغ در آن زمان به اندازه حقوق ماهیانه هشتاد هزار کارگر بوده که فقط برای یک مبلمان و زمین بسکتبال برای زن و فرزندش خرج می‌کند.^۱

فراتر از افسانه

در جهان امروز، پرتو چشم‌گیر تجمل‌گرایی خاندان سلطنتی سعودی نه تنها در کشتی‌های افسانه‌ای، بلکه در جلوه‌های حیرت‌انگیز دیگری از اسراف و بی‌پروایی نمود یافته است. کافی است به داستان شاهزاده‌ای اندیشید که تابلو ۴۵۰ میلیون دلاری داوینچی به نام «نجات‌بخش جهان»^۲ را تنها برای تزئین قصر خود می‌خرد؛ یا به قصری بنگرید که دیوارهایش با طلا پوشیده شده و آکواریوم‌های عظیم،

۱. سند دربار پادشاهی ۱۳۵۳/۱۲/۱۱.

2. <https://timesofindia.indiatimes.com/world/middle-east/what-do-gulf-royals-really-own-a-450m-da-vinci-gold-jets-super-yachts-islands-and-more/articleshow/122777516.cms>

فضای مدیتیشن را بدل به رؤیایی دور از دنیای عادی کرده‌اند.^۱
 ناوگان خودروهای روکش طلا،^۲ هواپیماهای اختصاصی با حمام‌های
 سلطنتی و سالن‌های کنسرت در دل آسمان، مهمانی‌هایی در جزایر خصوصی
 مالدیو با هزینه‌هایی فراتر از تصور،^۳ همه و همه نشان‌دهنده سبکی از زندگی
 است که مرزهای عیش و اسراف را جابه‌جا کرده و نگاه هر بیننده‌ای را مات و مبهوت
 می‌سازد. گاه یک تعطیلات خصوصی با صدها مهمان و هزینه‌های میلیون دلاری،
 گاه اجاره کامل جزیره‌ای در گوشه‌ای از جهان، صرفاً برای سرگرمی و آسایشی آنی.
 این ولخرجی‌های خیره‌کننده، چنان در رسانه‌های جهانی و محافل فارسی و
 عربی بازتاب یافته است که روایت این تجملات، چیزی فراتر از افسانه و اسطوره به
 نظر می‌رسد؛ گویی ثروت و قدرت، مرز واقعیت و خیال را درهم شکسته و حاکمان
 عصر جدید، تصویری نو از عیش و آرزوی انسانی ترسیم کرده‌اند.

در نقطه مقابل، الگوهای حقیقی اسلام و انقلاب که به جایی رسیده‌اند، حتی
 در کوچک‌ترین هزینه‌های عمومی، نهایت دقت را به خرج می‌دهند تا مبادا حقی از
 بیت‌المال تصبیع گردد. چنین رفتاری نشان‌دهنده عظمت روح و ایمان راسخ آنان
 به پرهیز از اسراف در همه شئون زندگی به خصوص هنگام مسئولیت‌پذیری است.

سخت‌گیری حاج قاسم در مصرف بیت‌المال

داشتیم می‌رفتیم برای یک مأموریتی؛ من دو دانه نارنگی خریدم؛ دو
 دانه سیب خریدم؛ دو دانه کیوی خریدم؛ دو دانه هم لیمو شیرین
 و گذاشتم توی ماشین. وقتی حاج قاسم دید، گفت: این‌ها چیه؟
 گفتم: برای سفر است دیگه. از هر کدام هم دو دانه بیشتر نخریدم.
 گفت: اشتباه کردی! این‌ها اسراف است. مگر پول خودت هست که
 برمی‌داری این‌ها را می‌خری؟! این‌ها پول بیت‌المال است. چه کسی
 به تو اجازه داده که این‌ها را می‌خری؟!^۴

1. <https://www.yjc.ir/00Wf4c>

2. <https://fararu.com/fa/news/623689>

3. <https://ytscribe.com/v/zuoATMLQ0RI>

۴. راوی: نصرالله جهانشاهی، منبع: صوت موجود در آرشیو مؤسسه فرهنگی حماسه؛ کتاب
 سلیمانی عزیز، ص ۱۰۸.

نمونهٔ دیگر سردار شهید محمد کاظمی، معروف به «حاج کاظم»، رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران است که توسط رژیم صهیونیستی به شهادت رسید، و با وجود جایگاه رفیع امنیتی و اطلاعاتی خود، نمونه بارز ساده‌زیستی در ایران بود. او با یک پراید مدل ۸۸ تردد می‌کرد. برنامه «بدون تعارف» با خانواده شهید حاج کاظم این سادگی را به تصویر کشید. تصاویر دوربین از خانه و آشپزخانه محقر او ماندگارترین تصویری است که از زندگی این فرمانده امنیتی در ذهن‌ها حک می‌شود: مردی که با وجود دسترسی به هر امکانی، زندگی ساده را انتخاب کرد.^۱



محتوای خود را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی

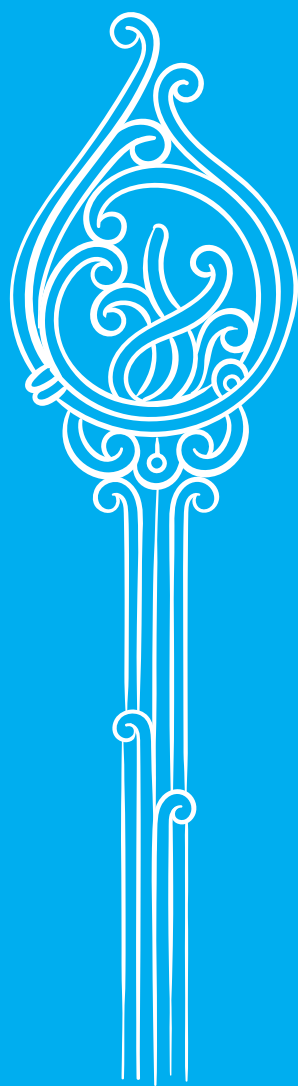


پادکست صوتی



تبیین آیه

1. <https://www.iribnews.ir/OONFxa>



آیه نهم

انحراف موشک

﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ﴾

سوره انفال، آیه ۱۷

[ای پیامبر!] هنگامی که به سوی دشمنان تیر پرتاب کردی، تو پرتاب نکردی؛ بلکه خدا پرتاب کرد.



سُورَةُ الْأَنْفَالِ

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ
وَلَٰكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا
إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٧﴾ ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ
الْكَافِرِينَ ﴿٨﴾ إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِنْ
تَنْهَوْا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَعُدُّوا نَعْدًا وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ
فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٩﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ
وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ ﴿١٠﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ
لَا يَسْمَعُونَ ﴿١١﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ
الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٢﴾ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ
وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿١٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ يُؤَيِّدُ
تُحْشَرُونَ ﴿١٤﴾ وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا
مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٥﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

شما فکر نمی‌کردید که پیروز بشوید، اما خدا شما را پیروز این میدان کرد؛ زیرا این خداست که مسبب الأسباب است. اوست که باعث پیروزی ما می‌شود؛ حتی اگر اطمینان به پیروزی نداشته باشیم. در جمله «بلاءاً حسناً» (امتحان الهی موفق) یک امتحان این است که در جریان امور دنیایی مغرور نشده و امتحان دیگر، اطمینان به پیروزی از جانب خداست.

انحراف موشک

در دوران دفاع مقدس، ایران برای مقابله با حملات موشکی دشمن، امکانات محدودی داشت. در ابتدا کشور لیبی تعدادی موشک در اختیار ایران قرار داد؛ اما این کمک با تحقیرهایی همراه بود و در نهایت نیز این همکاری قطع شد. پس از آن، متخصصان ایرانی خود دست به کار شدند. در یکی از آزمایش‌ها یا عملیات‌های اولیه، موشکی که با امکانات داخلی آماده شده بود، شلیک شد. نگرانی‌هایی در مورد خطای احتمالی و اصابت آن به مناطق مسکونی وجود داشت؛ به‌ویژه که امام خمینی علیه السلام نسبت به آسیب دیدن مردم بی‌گناه بسیار حساس بودند.

پس از شلیک، خبر رسید که موشک دچار انحراف شده و به یک مرکز مسافربری در عراق اصابت کرده است. نکته شگفت‌انگیز این بود که آن مرکز در آن لحظه خاص، تعطیل بوده و به عنوان محل تعویض شیفت دو گروه از افسران بعثی استفاده می‌شده و عملاً موشک به تجمع نیروهای دشمن اصابت کرده بود. این نمونه‌ای است که نشان می‌دهد اگر شما خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری خواهد کرد.^۱

نمونه دیگر، ماجرای است که حاج قاسم سلیمانی از سید حسن نصرالله نقل می‌کند که آیت‌الله ری‌شهری به شکل مفصل، آن را در کتاب «خاطره‌های آموزنده» آورده‌اند:

۱. حدادی، خط مقدم، ص ۳۴۶.



پایان جنگ با یک عنایت

در روزهای پایانی جنگ ۳۳ روزه، رژیم صهیونیستی با استفاده از هلی‌بُرُن‌های شبانه در پشت خطوط مقاومت، وضعیت دشواری را برای رزمندگان حزب الله ایجاد کرده بود.

در اوج فشار و خستگی، فرمانده عملیات جنوب پس از نماز به استراحت می‌پردازد و در عالم رؤیا یا مکاشفه، ابتدا به محضر حضرت زینب (ع) مشرف می‌شود. او از وضعیت سخت جبهه استغاثه می‌کند؛ اما حضرت زینب (ع) او را به سوی مادرشان حضرت فاطمه زهرا (ع) راهنمایی می‌کنند و می‌فرمایند: از من کاری ساخته نیست.

فرمانده نزد حضرت فاطمه (ع) می‌رود و با اصرار فراوان از ایشان طلب کمک و گشایش در جنگ می‌کند. حضرت فاطمه (ع) پس از شنیدن اصرار او و درخواست برای سرنگونی یک هلیکوپتر دشمن، می‌فرمایند: بسیار خب! و سپس دستمالی را از زیر چادر بیرون آورده، به سمت بالا پرتاب می‌کنند و می‌فرمایند: خواسته شما انجام شد. فرمانده بعد از بیدار شدن از خواب، فوراً ماجرا را برای دیگر فرماندهان تعریف می‌کند. درست در همان لحظه، تلفن به صدا درمی‌آید و خبر سرنگونی یک هلیکوپتر دشمن تأیید می‌شود. پس از این عنایت الهی، شکست و عقب‌نشینی در نیروهای صهیونیستی آغاز شد و جنگ به پایان رسید.^۱

نکته: آیت الله ری شهری نیز پس از جنگ، این ماجرا را مستقیماً از سید حسن نصرالله شنیده و نقل کرده بودند که ایشان فرمودند: «جنگ را حضرت فاطمه (ع) پایان دادند».

مأموران شنی

نمونه دیگر در انقلاب اسلامی طوفان شن در صحرای طبرستان است. آمریکا نقشه پیچیده‌ای داشت و وقتی همه ما خواب بودیم، شن‌ها مأمور خدا شدند و آن‌ها را از بین بردند.

۱. محمدی ری شهری، خاطره‌های آموزنده، ص ۱۵.

ارتش آمریکا عملیات «پنجه عقاب» را برای آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در تهران و خراب‌کاری در چند نقطه دیگر طراحی کرده بودند. عملیات در پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹ با استفاده از پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی، شامل هشت فروند بالگرد ۵۳-RH، شش فروند هواپیمای C-۱۳۰ و ۱۳۰ کماندوی ویژه و نیروی دلتا پس از ماه‌ها تمرین و برنامه‌ریزی دقیق نخبگان نظامی آمریکا آغاز شد. این عملیات محرمانه با مشارکت نیروهای ویژه ارتش آمریکا (دلتا فورس) و با برنامه‌ریزی دقیق، پس از ورود به خاک ایران و توقف در صحرای طبس، به دلیل یک طوفان شن ناگهانی با شکست کامل روبه‌رو شد.^۱ طوفان شن باعث نابودی تجهیزات نظامی و سرگردانی نیروهای مهاجم گردید و عملیات بدون شلیک گلوله‌ای ناکام ماند. شکست این عملیات با توجه به برنامه‌ریزی دقیق، تجهیزات پیشرفته و هماهنگی چندجانبه نظامی و نفوذ عوامل داخلی، هم‌بخت برانگیز و هم‌نشانه‌ای از امداد غیبی الهی بود و کسی تصور نمی‌کرد با یک «مشت شن»، چنین معجزه‌ای رقم بخورد.^۲

آیت‌الله جوادی آملی رحمته‌الله فرمودند:

شما همین جریان طبس را دیدید. دشمنان در آن محدوده زمین‌شناسی کردند؛ زمان‌شناسی کردند؛ دریاشناسی کردند؛ هواشناسی کردند؛ همه کارها را کردند و آن تعداد نیرو را در طبس پیاده کردند؛ ولی با یک مشت شن مسئله حل شد ... مگر جریان طبس مثل جریان جنگ احزاب معجزه نبود؟ اگر خدای ناکرده کسی بگوید این‌ها تصادف است، پس - معاذ الله - درباره جنگ احزاب هم باید بگوید تصادف است. منتها این‌ها عنایت الهی بود و معجزه قرآن و عترت. در

۱. مقاله علمی بررسی آب و هوا در عملیات «پنجه عقاب»

<https://www.airuniversity.af.edu/Portals/10/ASPJ/journals/Chronicles/benson.pdf>

۲. به نقل از کتاب تاریخ تحولات سیاسی جمهوری اسلامی ایران، جلد سوم.

<https://irdc.ir/fa/news/7703>

این انقلاب معجزات فراوان بود؛ با یک مشت شن مسئله طبس حل شد. نه امام خبر داشت، نه مسئولان می دانستند، نه مسئولین درجه سوم و چهارم اطلاعی داشتند؛ درحالی که همه در منزل خوابیده بودند، شن های صحرای طبس که مأموران الهی بودند، مسئله را حل کردند!۱



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه ها



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه

آیه دهم

یک «نه»ی بابرکت!

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾

سوره انفال، آیه ۶۰

[برای مقابله با دشمن] هرچه می‌توانید
نیرو آماده کنید [تا دشمنان خدا و دشمنان
خودتان را به وحشت اندازید].



سُورَةُ الْأَنْبَاءِ

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ
يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٣﴾ كَذَّابٌ ءَالِ
فِرْعَوْنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ
بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا ءَالَ فِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَاذِبٍ لِّمِینَ ﴿٥٤﴾
إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا یُؤْمِنُونَ
﴿٥٥﴾ ٱلَّذِينَ عٰهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ یَقْضُونَ عَهْدَهُمْ فِی كُلِّ
مَرَّةٍ وَهُمْ لَا یَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾ فَاِمَّا تَنْقِفَنَّاهُمْ فِی الْحَرْبِ فَشَرَّدَ بِهِمْ
مَنْ حَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ یَدَّكُرُونَ ﴿٥٧﴾ وَمَا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ
خِیَانَةً فَاِیْنِذِرْ إِلَیْهِمْ عَلَىٰ سَوَآءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ ٱلْخَآئِنِینَ
﴿٥٨﴾ وَلَا یُحْسِبَنَّ ٱلَّذِینَ كَفَرُوا سَبْقُوا ۚ إِنَّهُمْ لَا یَعِیْزُونَ
﴿٥٩﴾ وَاعْدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ ٱلْخِیلِ
تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِینَ مِن دُونِهِمْ
لَا تَعْلَمُونَهُمُ ٱللَّهُ یَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِن شَیْءٍ فِی سَبِيلِ
ٱللَّهِ یُوقَ إِلَیْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظَآمُونَ ﴿٦٠﴾ وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلَامِ
فَاجْعَلْ لَّهُمْ وِتْرًا قَلِيلًا ۚ وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ إِنَّهُ هُوَ ٱلسَّمِیعُ ٱلْعَلِیمُ ﴿٦١﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

خدای متعال می‌فرماید: جبهه حق باید خودش را در همه زمینه‌ها قوی کند؛ چه مباحث علمی و چه نظامی. قوی شدن یک جامعه از درون یک انسان برمی‌آید. نخبگان، دانشجویان و... همه در قدرت یک ملت اثرگذارند. ما در هسته‌ای ضعیف بودیم، اما با اتکا به گوهر درونی جوانان این ملت توانستیم به قدرت تبدیل شویم.

ایران، کربلای من

شهید «سید امیرحسین فقهی» یکی از آن سردمداران قدرت درونی است که ایران را به قدرت مهمی در هسته‌ای رساند و بازدارندگی بالایی در مقابل دشمن ایجاد کرد. او ایران را به قدرت رساند؛ زیرا با اعتقاد پای ایران ایستاده بود و عاقبت در همین راه، توسط رژیم صهیونیستی در دفاع مقدس ۱۲ روزه به شهادت رسید.

خواهر ایشان می‌گوید: از او پرسیدم: داداش، آیا از این که مهاجرت نکردی و در ایران ماندی، پشیمان نیستی؟ پاسخی داد که هرگز فراموش نمی‌کنم؛ گفت: «خواهر عزیزم، این سؤال شما مثل این است که از سیدالشهدا علیه السلام پرسیم آیا از رفتن به کربلا پشیمان نشدی؟!». شهید فقهی فقط به دنبال این بود که وظیفه‌اش را در قبال مردم انجام دهد. نگاه نمی‌کرد که کجا منفعت یا رفاه بیشتری دارد.^۱

همه قدرت‌ها از اراده‌های پولادین برمی‌آید. خیلی اوقات راه‌های ساده‌تری هست، اما برای قوی شدن نباید به آن سمت برویم. اصل این است که باید در قدرتمند شدن، خودکفا باشیم، نه وابسته. ماجرای خرید موشک ارزان قیمت از شوروی و مخالفت قاطع مقام معظم رهبری نمونه‌ای از این حقیقت است:

۱. به روایت خواهر شهید، رجوع شود به:



یک «نه»ی بابرکت!

سردار شهید حاجی زاده تعریف می‌کند:

بعد از فروپاشی شوروی، موشک اسکاد با برد ۳۰۰ کیلومتر به قیمت هر فروند ده هزار دلار عرضه شده بود؛ درحالی‌که قبلاً همان موشک را از کره به قیمت ۲/۵ میلیون دلار می‌خریدند! همه فرماندهان و کارشناسان نظامی موافق خرید این موشک ارزان بودند؛ اما تنها فرد مخالف، مقام معظم رهبری بود. ایشان تأکید کردند که اگر این موشک وارد شود، پروژه تولید داخلی رها می‌شود. با وجود مقاومت‌ها، پس از چندین بار تکرار موضوع، ایشان قاطعانه دستور دادند روی ساخت داخلی تمرکز شود؛ حتی اگر گران‌تر باشد. در نتیجه، ایران به سمت تولید داخلی رفت و اکنون در حوزه‌های مختلف مانند موشک، رادار، پهپاد و... کاملاً خودکفا شده و محصولات ایرانی با دانش فنی داخلی ساخته می‌شوند.^۱

گاهی راه، ساده نیست و برای حل مشکل با دست‌اندازی و غرض‌ورزی، اجازه رسیدن به تکنولوژی و فناوری مورد نیاز را به ما نمی‌دهند. تصویربرداری هسته‌ای یکی از هزاران نمونه است:

تصویربرداری هسته‌ای

حدود سال ۹۳ یا ۹۴ که حسابی بحث تحریم‌ها بر سر زبان‌ها افتاده بود، رئیس و تیم آزمایشگاه پیش‌بالینی دانشگاه تهران به این نتیجه می‌رسند که کشور به دستگاه تصویربرداری هسته‌ای نیاز دارد. این دستگاه «اسپکت» نام دارد و کار آن، تزریق رادیواکتیو داخل بدن است و دستگاه با فرایندی می‌تواند به واسطه انعکاس انرژی ایزوتوپ‌ها درون بدن، تصویربرداری کند.

اعتبار را برای این دستگاه را تمام و کمال تهیه کردند تا این دستگاه

۱. مصاحبه سردار شهید حاجی زاده در برنامه «صف اول» شبکه خبر، لینک مصاحبه:



را از شرکتی خارجی تهیه کنند. دکتر ((محمدرضا آی)) رئیس آزمایشگاه پیش‌بالینی با شرکت خارجی ارتباط می‌گیرند. ابتدا گفتند ما این محصول را به شما می‌فروشیم، ولی وقتی می‌خواستند مبلغ آن را پرداخت کنند، گفتند به خاطر تحریم‌ها به شما نمی‌دهیم.

دکتر ((آی)) و تیمشان گفتند: اشکالی ندارد؛ تحریم کردند که کردند؛ خودمان می‌سازیم. همان اعتباری که بنا بود با آن خرید کنند و به جیب خارجی‌ها برود، شد هزینه تیم‌های مهندسی و انواع رشته‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی تهران که پای کار ساختن این دستگاه آمدند. دوسه سال بیشتر طول نکشید تا این دستگاهی که در حوزه تخصصی پیش‌بالینی به آن نیاز داشتیم، ساخته شد. نکته جالب توجه این بود که وقتی این دستگاه به همّت دانشمندان کشورمان ساخته شد و خبر این دستاورد بزرگ به گوش شرکت خارجی سازنده این دستگاه رسید، با لحن عجیبی گفتند: دستگاهی را که می‌خواستید، الآن ما به شما می‌فروشیم. اما دکتر ((آی)) گفت: دستگاه ما از دستگاه شما پنج سال از لحاظ تکنولوژی جلوتر است و اگر خواستید، ما الآن نصف قیمت خودتان به خودتان می‌فروشیم!

وقتی ما با تلاش، همّت و اراده پولادین، خودمان را بسازیم، دشمن عقب‌نشینی می‌کند. به محض این‌که توانستیم به فناوری اسپکت برسیم، عقب‌نشینی می‌کنند و می‌گویند ما به شما می‌فروشیم! قوی شدن ما باعث عقب‌نشینی دشمن در همه عرصه‌ها می‌شود.

نمونه دیگر آن در هشت سال دفاع مقدس است که ما هیچ سلاحی نداشتیم و هر زمان می‌خواستند، به ما حمله می‌کردند؛ اما در این فرصت کوتاه چهل‌ساله به بازدارندگی رسیدیم، تا جایی که در جنگ ۱۲ روزه، دشمن به غلط کردن می‌افتد و تقاضای آتش بس می‌کند.

برخی گمان می‌کنند با همکاری با کشورهای معاند و امتیاز دادن به آن‌ها

۱. برگرفته از مستند ساخت دستگاه اسپکت قلبی ایرانی؛

<https://www.aparat.com/v/iyhj3>



می‌توانیم در آرامش و امنیت زندگی کنیم. این یک خطای راهبردی است. با اطاعت از دستورات دشمن، نه تنها عقب‌نشینی در کار نیست، بلکه دشمن جسورتر می‌شود. نمونه عینی این وضع در کشور عراق رخ داد.

عراق موشک «الصمود ۲» را در اسفند ۱۳۸۱ به خاطر فشارهای آمریکا کنار گذاشت؛ اما ۲۹ اسفند خود آمریکا به عراق حمله کرد.

این منطق عریان استکبار است. به محض این‌که حس‌کند ضعیف هستی، حمله می‌کند. پس باید قوی شد و بازدارندگی ایجاد کرد.^۱



۱. سازمان ملل متحد، UNMOVIC، «مسائل حل نشده خلع سلاح: برنامه تسلیحات ممنوعه عراق»، سند کاری، ۶ مارس ۲۰۰۳، ص. ۱۵. این سند مرجع معتبر بین‌المللی برای تأیید این ادعاست که تسلیم موشک‌های الصمود و روند امحای آنها پیش از حمله نظامی آمریکا به عراق انجام شد.

آیه یازدهم

ای عروس حجله‌ام،
ای شهادت کجایی؟!

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ﴾

سوره توبه، آیه ۱۱۱

مسلماً خداوند از مؤمنان جان‌ها و
اموالشان را به بهای اینکه بهشت برای
آنان باشد خریداری کرده است.



سُورَةُ التَّوْبَةِ

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ
 الْمُؤْمِنِينَ وَإِصْرًا دَلَّيْنَاكَ حَارِبَ اللَّهِ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ
 وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ
 لَكَاذِبُونَ ﴿١٧﴾ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا الْمَسْجِدُ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ
 مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ
 يَتَّخِذُوا لِلَّهِ الْحُبَّ الْمَطْهَرِينَ ﴿١٨﴾ أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ
 عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ
 عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
 الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾ لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً
 فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ
 ﴿٢٠﴾ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ
 بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ
 وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ
 وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا
 بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٢١﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

تنها اشخاص زیرک در این عالم کسانی هستند که جانشان را با بهشت معامله می‌کنند. این، مرگ تاجرانه است. برای همین یکی از مهم‌ترین خواسته‌های انسان از خدا عاقبتی ختم به شهادت است. اگر خدا بالاترین نعمت را به بنده‌اش عنایت کند، آن بنده را با شهادت از این دنیا می‌برد.

رسول خدا ﷺ از جایی عبور می‌کردند. شخصی چنین دعایی کرد: «خداوندا، بهترین چیزی که از تو درخواست می‌شود، به من بده و برترین چیزی که به بندگان عطا می‌کنی، به من عطا فرما». پیغمبر ﷺ فرمودند: «اگر دعایت مستجاب شود، خون تو در راه خدا ریخته خواهد شد»^۱.

از این رو بزرگان همیشه در آرزوی شهادت بودند. زندگی حاج قاسم سلیمانی سراسر آکنده از مصادیق شهادت‌طلبی است. راه شهادت را با چشم دل می‌دیدند و حتی روز طلبیدن آن را می‌دانستند.

تمنای شهادت در کلام سردار دل‌ها

خاطره زینب محرابی، دختر شهید محرابی، از دیدارش با سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، گویای این اشتیاق وافر به شهادت در وجود آن شهید والامقام است: «شب عرفه، تماس گرفتند با من و گفتند که ما آمده‌ایم مشهد. من از ایشان درخواست کردم که تشریف بیاورند منزلمان. گفتند: بله، حتماً در برنامه‌های ما هست که فردا بیاییم خانه‌تان. صبح تشریف آوردند خانه‌مان و من از ایشان درخواست کردم که بیایند داخل اتاقم. ایشان سریع قبول کردند؛ مثل این که خودشان هم منتظر بودند داخل اتاقم بیایند و با همدیگر صحبت کنیم. موقعی که آمدند، عکس حاج عماد و شهید جهاد مغنیه را از روی دیوار برداشتم و به ایشان دادم و گفتم: می‌شه روی این برای من چیزی بنویسید؟ با یک حسرتی

۱. حاکم نیشابوری، مستدرک فی الصحیحین، ج ۱۱، ص ۱۳، ح ۲۱: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا تُسْأَلُ فَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا تُعْطِي إِنِ اسْتَجِيبَ لَكَ أَهْرَبُ قَدْ دَمَكُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».

گفتند: حاج عماد، شهید عماد مغنیه... من این حسرت رو واقعاً در صدایشان دیدم. قشنگ این حسرت در صدای ایشان بود و پشت آن عکس برای من نوشتند: "بسم الله الرحمن الرحيم؛ خداوند فاطمه و زینب مرا از الطاف خاصهات بهره‌مند فرما و از پیوستگی شهدا در دنیا و آخرت بهره‌مند گردان. دعايم كنيد. دوستان دارم دختران گلم. عمويتان قاسم."

این را نوشتند و بعد به کسانی که داخل اتاق بودند، گفتند: بروید بیرون. قبل از این که بنویسند، گفتند کسی داخل اتاق نمی‌خواهم بماند. آن جا گفتند که دو دقیقه قبل از شهادت حاج عماد، من کنار ایشان بودم. چقدر خوب شهادت رو گرفتند...

گفتند: زینب دعا کن که من هم مثل این‌ها به شهادت برسم و می‌دانم که شهادت من به زودی است. گفتند: من امروز به طمع شهادت به مشهود آمده‌ام. امروز روز عرفه است. هر کس که در تمام این سال‌های جنگ نتوانسته شهادت را بگیرد، امروز باید بگیرد. عین کلماتی که حاج قاسم گفتند رو من دارم برایتان می‌گویم. گفتند که امروز شهادت نامه امضا می‌شود. دعا کن که من هم در این لیست باشم.

لحظه‌ای که بلند شدند و داشتند می‌رفتند؛ برگشتند به من و فاطمه نگاه کردند و با حسرت و آهی گفتند که برای شهادت من دعا کنید! از قافله شهدا جا نمانم. من مدام در تعجب بودم که چرا ایشان این قدر تمنای شهادت دارند؛ ایشان که به چنین مقامی رسیده بودند و چنین جایگاهی دارند. به ایشان گفتم: حاج قاسم! رهبر به شما لقب شهید زنده داده‌اند. گفتند: همین طور که دارید می‌گویید، آن فقط یک لقب است و یک دلخوشی. من دلخوش هستم به این لقب شهادت، اما تا شهادتم را نگیرم، دست بردار نیستم.^۱

1. <https://www.aparat.com/v/tr6sN>

ای عروس حجله‌ام، ای شهادت کجایی؟!

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در نامه‌ای به دخترشان از شوق بی حد و مرز خود برای شهادت این گونه می‌نویسد:

«فاطمه عزیزم! این چند صفحه را برای تو می‌نویسم؛ چون می‌دانم مقدّسانه مرا دوست داری.

نمی‌دانم چرا این حرف‌ها را برایت می‌نویسم، اما احساس می‌کنم در این تنهایی و غربت و غم، نیاز دارم با کسی عقده دل باز کنم.

آه مرگ خونین من! عزیز زیبای من! عروس حجله من کجایی؟! چقدر مشتاق دیدارت هستم. آه وقتی بوسه انفجار تو همه وجود مرا در خود محو می‌کند، دود می‌کند و می‌سوزاند، چقدر این منظره را دوست دارم.

در راه عشق جان دادن چه زیباست! خدایا، سی سال برای این لحظه مبارزه کرده‌ام؛ با همه رقبای عشق در افتاده‌ام؛ ده‌ها زخم برداشته‌ام؛ این نوعروس حق من است...

پدر غریبت ۱۳۸۷/۱۰/۱۷»^۱.

دنبال قاتل خودش بود!

حاج قاسم کم محبوبیت که نداشت. خیلی‌ها می‌گفتند بیاید پای کار، حتما رأی می‌آورد. به زبان هم به حاجی گفته بودند محبوبیت شما اقتضا می‌کند کاندیدای ریاست جمهوری بشید. حاجی نه گذاشت و نه برداشت؛ جواب داد: «من نامزد گلوله‌ها و نامزد شهادت هستم. سال‌هاست توی جبهه‌ها دنبال قاتل خودم می‌گردم، اما پیدایش نمی‌کنم!»^۲.

۱. نامه حاج قاسم به دخترش فاطمه، به تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۷

<https://rahbordemoaser.ir/fa/news/72713/>

۲. طهماسبی و دیگران، سلیمانی عزیز، ص ۱۵۶.



البته برخی این شبهه را مطرح می‌کنند که چرا آرزوی شهادت می‌کنید؟ بمانید و خدمت کنید. درحالی‌که «شهادت، زود مُردن نیست؛ شهادت، خوب مُردن است»؛ یعنی می‌گوییم آن زمانی که قرار است مرگمان فرا برسد، با شهادت فرا برسد.

آرزوی آخر

یک روز به شهید حاجی زاده گفتم: همهٔ دوستانان مدام از آرزوی شهادت حرف می‌زنند؛ اما شما هیچ وقت چیزی نمی‌گویید. مگر شما علاقه‌ای ندارید؟

گفت: «اگر قرار باشد همه بروند، پس چه کسی بماند؟ چه کسی باید به این مردم خدمت کند؟ من دوست دارم تا وقتی جان در بدن دارم، کار کنم».

مکثی کرد و ادامه داد: «ولی اگر قرار باشد روزی بروم، دوست ندارم در رختخواب بمیرم. رفتنم باید با شهادت باشد».^۱



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



یو پی انمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه

۱. به روایت همسر شهید، در گفت‌وگو با خانواده شهید امیرعلی حاجی زاده در برنامه «بدون تعارف» شبکه ۲ سیما، ۱۴۰۴/۴/۳۱.

آیه دوازدهم

از اعتیاد تا شهادت

﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾

سوره هود، آیه ۱۱۴

به یقین کارهای خوب، بدی‌ها را از بین می‌برد.



فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ
 آبَاءَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمَوْفُوهُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ
 ﴿١٠٩﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
 سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ
 ﴿١١٠﴾ وَإِنَّ كَلَامَ الْيُوفِيِّينَ هُمْ رَبُّكَ أَعْمَلَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ
 خَبِيرٌ ﴿١١١﴾ فَاسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا
 إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾ وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
 فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ
 لَا تُنصَرُونَ ﴿١١٣﴾ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِّنَ
 اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي
 لِلذَّاكِرِينَ ﴿١١٤﴾ وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ
 ﴿١١٥﴾ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ
 عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ
 الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أَتَوْا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿١١٦﴾ وَمَا
 كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْطَحُونَ ﴿١١٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

انجام کارهای نیک و بنا کردن زندگی بر پایه اعمال صالح، نه تنها باعث پاک شدن گناهان و جلب بخشش خدا می شود، بلکه منشأ عزت و تحول انسان است؛ همان طور که افراد گناهکار مثل حُرّ با توبه و اعمال نیک به جمع خوبان پیوستند. آیه «الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» اصل طلایی سبک زندگی ایمانی است؛ یعنی همیشه راه جبران و پاک سازی باز است و خوبی ها، هم فرد و هم جامعه را از تاریکی گناه نجات می دهد.

داستان شهید «مهیار مهرام» نمونه ای واقعی و تکان دهنده از مفهوم عاقبت به خیری و تحول انسان است که چگونه یک انسان می تواند از اعماق تاریک گناه و اعتیاد، به اوج شهادت و سعادت برسد.

داستان عاقبت به خیری شهید مهیار مهرام: تحول از اعتیاد تا شهادت

مهیار مهرام، زندگی بسیار بی بندوباری داشت، به انگلستان رفت و همان جا هم با یک خانم انگلیسی ازدواج کرد. پس از مدتی به دلیل مصرف مواد مخدر بازداشت شد. پس از آزادی از زندان به ایران بازگشت. او با وجود نبوغ در زمینه علوم مخابرات، به دلیل اعتیاد نتوانست در صداوسیما استخدام شود و حتی به زندان افتاد. پس از آزادی از زندان، دوباره به اعتیاد روی آورد.

در این شرایط ناامیدکننده، یکی از دوستانش که در جبهه بود، به کمکش آمد. با او صحبت کرد و به او پیشنهاد رفتن به جبهه را داد. مهیار با این که در آن حال خماری نمی دانست چه می گوید، قبول کرد. خانواده اش نیز که از دست او خسته شده بودند، با رفتنش به جبهه موافقت کردند و حتی داروهای ترک اعتیاد را هم به دوستش دادند. در جبهه، مهیار که حتی نماز خواندن بلد نبود، مجبور شد مواد مخدر را ترک کند. دوستش به او گفت: این جا هر کاری من انجام می دهی، تو هم باید انجام بدهی. کم کم مهیار متحول شد. او در قسمت مخابرات جبهه، پیچیده ترین گداهای عملیاتی را به راحتی باز

می‌کرد. حتی در سرمای شدید کردستان، حاضر نشد سنگر مخابرات را ترک کند.

پس از پایان عملیات، مهران که به کلی تغییر کرده بود، دیگر نمی‌توانست زندگی سابق خود را تحمل کند. به دوستش گفت: اصلاً خانواده من جنگ را نمی‌فهمند و نمی‌توانم این زندگی را تحمل کنم و می‌خواهم به جبهه برگردم. پدرش هرچه تلاش کرد، نتوانست مانع او شود. مهیار به جبهه بازگشت تا این که به شهادت رسید. دوستش او را از روی زنجیر نقره‌ای گردنش شناسایی کرد. خانواده‌اش از حضور در تشییع جنازه‌اش امتناع کردند و تنها سیزده نفر در آن حضور داشتند. اما مراسم چهل‌م او باشکوه برگزار شد.^۱

تجربه زندگی شهید مهران نشان می‌دهد که هیچ نقطه‌ای از سقوط و گناه، مانع بازگشت و رسیدن به قله‌های سعادت نیست. اگر انسان تصمیم بگیرد و راه را عوض کند، خداوند درهای بخشش و عزت را به رویش باز می‌کند. این حقیقت، فقط مختص یک نفر یا یک زمان نیست.

داستان «کاظم عبدالامیر» هم نمونه‌ای روشن است که چگونه یک انسان، حتی اگر گذشته‌ای پر از اشتباه و ظلم داشته باشد، می‌تواند با توبه و تحول حقیقی، مسیرش را به سمت پاکی، خدمت و شهادت تغییر دهد.

زندانبانی که اسیر شد (ماجرای ارادت کاظم عبدالامیر به مرحوم ابوترابی)

در اردوگاه تکریت ۵، مسئول شکنجه اسرای ایرانی، جوانی بود به نام «کاظم عبدالامیر». یکی از برادران کاظم، اسیر رزمندگان ایرانی بود و برادر دیگرش در جنگ کشته شده بود و خودش هم بچه‌دار نمی‌شد. با این اوصاف، کینه خاصی به اسرای ایرانی داشت. انگار مقصر همه مشکلات خود را اسرای ایرانی می‌دانست. در این میان آقای ابوترابی را بیشتر اذیت می‌کرد. او می‌دانست که آقای ابوترابی فرمانده و روحانی انقلابی است؛ از این رو ضربات کابلی [ضربه با کابل برق] که نثار آن

مجاهد می‌کرد، شدت بیشتری نسبت به دیگر اسرا داشت؛ اما مرحوم ابوترابی هیچ‌گاه شکایت نکرد و همواره به او احترام می‌گذاشت.

یک روز کاظم با حالت دیگری وارد اردوگاه شد. بدون فوت وقت به سمت سید آزادگان آقای ابوترابی رفت و گفت: بیا این جا کارت دارم. ما تعجب کردیم. گفتیم لابد شکنجه جدید و... اما از آن روز رفتار کاظم با ما و خصوصاً آقای ابوترابی تغییر کرد. دیگر ما را کتک نمی‌زد. حتی به آقای ابوترابی احترام می‌گذاشت! برای همه ما این ماجرا عجیب بود. تا این که از خود آقای ابوترابی سؤال کردیم. ایشان هم ماجرای آن روز را نقل کرد و گفت: کاظم عبدالامیر در آن روز به من گفت: خانواده ما شیعه هستند و مادرم بارها سفارش سادات را به من کرده بود. بارها به من گفته بود مبادا ایرانی‌ها را اذیت کنی؛ اما مادرم دیشب خواب حضرت زینب علیها السلام را دیده و ایشان نسبت به کارهای من در اردوگاه به مادرم شکایت کرده بودند. صبح مادرم بسیار از دستم ناراحت بود و از من پرسید: آیا در اردوگاه، ایرانی‌ها را اذیت می‌کنی؟ حلالیت نمی‌کنم! حالا آمده‌ام که حلالیت بطلبم.

به‌مرور زمان محبت حاج‌آقا ابوترابی در دل او جا باز کرد. فهمیده بود که آقای ابوترابی روحانی و از سادات است؛ برای همین حتی مسائل شرعی خود و خانواده‌اش را از حاج‌آقا می‌پرسید.

بعد از آن روز رفتار کاظم با اسرای ایرانی به‌ویژه شهید ابوترابی بسیار خوب بود. تا این که روزی قرار شد آقای ابوترابی را به اردوگاه دیگری منتقل کنند. کاظم بسیار دلگیر و گریان بود. به هر نحوی بود، سوار ماشینی شد که آقای ابوترابی را به اردوگاه دیگری منتقل می‌کرد. کاظم می‌خواست در طول مسیر، تا اردوگاه بعدی نیز از حضور مرحوم ابوترابی بهره‌مند شود.

روزها گذشت تا این که اسرای ایرانی آزاد شدند. کاظم برای خدا حافظی با آنان به خصوص سید آزادگان تا مرز ایران آمد. او پس از مدتی نتوانست دوری حاج‌آقا ابوترابی را تحمل کند و به هر سختی‌ای

بود، راهی ایران شد و برای دیدن حاج آقا به تهران آمد. وقتی فهمید حاج آقا ابوترابی در مسیر مشهد و در یک سانه رانندگی مرحوم شده اند، به شدت متأثر شد. برای همین به مشهد و سرمزار آقای ابوترابی رفت و مدت ها آن جا بود.

کاظم از خدا می خواست تا از گناهانش نسبت به اسرای ایرانی بگذرد. او سراغ برخی دیگر از اسرای ایرانی رفت و از آن ها بابت شکنجه ها و ... حلالیت طلبید.

کاظم مدتی قبل در راه دفاع از حرم حضرت زینب علیها السلام در سوریه به شهادت رسید. او ثابت کرد که اگر از گذشته سیاه خود توبه کنیم، می توانیم مانند حُرّ به مقام شهادت نیز برسیم.^۱

توفیق شهادت، با تغییر نیت (شهید محمد دالوند)

در ابتدای جنگ ۱۲ روزه، یک خودروی نظامی سپاه هدف قرار گرفت و برای جابه جایی آن به جرّثقیل نیاز بود. در آن لحظه، سپاه جرّثقیلی دم دست نداشت و سریعاً با یک راننده جرّثقیل خصوصی تماس گرفتند. راننده با بی میلی آمد و مبلغ بالایی درخواست کرد، اما پس از گفت و گو پذیرفت مبلغ کمتری بگیرد. وسط کار تشنه شد و درخواست آب کرد. وقتی دید همه رزمندگان با امکانات محدود می جنگند، دگرگون شد و پس از پایان کار حاضر نشد پولی دریافت کند و رفت.

فردای آن روز خود راننده نزد بچه ها بازگشت و گفت که شب قبل ماجرا را برای مادرش تعریف کرده و مادرش گفته اگر به بچه های سپاه بدون پول کمک نکنند، شیرش را حلالش نمی کند! از آن روز با جان و دل، بدون چشم داشت مالی، هر زمان سپاه نیاز داشت، خدمت کرد. چند روز بعد، لانچر موشکی سپاه توسط پهپاد دشمن هدف قرار گرفت و دوباره نیاز به جرّثقیل شد. همان راننده فوری آمد؛ اما در جریان انجام عملیات، پهپادهای دشمن دوباره حمله کردند و این

راننده جان‌نثار در این حمله به شهادت رسید. شهید «محمد دالوند» شاید در زندگی خطاها و کاستی‌هایی داشت، اما خداوند گناهان افراد را تبدیل به خوبی‌ها می‌کند.^۱

قدرت تحول و پاکی در دست انسان است؛ یعنی حتی اگر تجربه‌های تلخ و لغزش‌های بزرگ در گذشته‌اش باشد، با تصمیم برای انجام کارهای خوب و عوض کردن مسیر زندگی، نه تنها گناهانش بخشیده می‌شود، بلکه گذشته تاریکش می‌تواند به نقطه آغاز افتخار، نیکی و حتی مقام والایی چون مقام شهادت تبدیل شود.

قرآن چشم انسان را به این امید می‌گشاید که لحظه انتخاب و تغییر، می‌تواند سرنوشت و گذشته انسان را دگرگون کند؛ درست مثل قهرمانان این داستان‌ها که نه تنها پاک شدند، بلکه به بالاترین جایگاه انسانی رسیدند.



محتوای خود را بساز



شهادت آیه‌ها



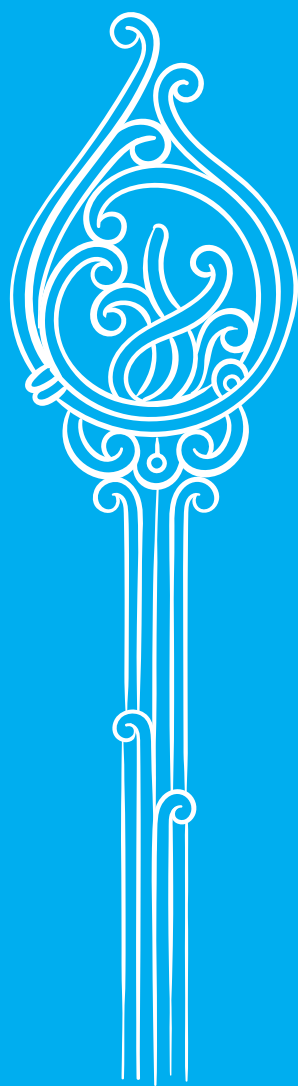
پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



آیه سیزدهم

دستور خستگی

﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾

سوره رعد، آیه ۲۸

آگاه باشید! دل‌ها فقط با یاد خدا آرام می‌گیرند.



سُورَةُ الرَّعْدِ

* أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّما أَنْزَلْ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ مَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ
أَوَّلُوا الْأَلْبَابِ ﴿١٩﴾ الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ
﴿٢٠﴾ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ
وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ﴿٢١﴾ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ
وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُءُونَ
بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٢﴾ جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا
وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّتهمُ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ
عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٤﴾
وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ
مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ
الْعَذَابُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٢٥﴾ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ
وَيَقْدِرُ وَفَرَحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا
مَتَعٌ ﴿٢٦﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ
إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ ﴿٢٧﴾ الَّذِينَ آمَنُوا
وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿٢٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد. این آرامش، صرفاً حس درونی یا امری تجملی نیست؛ بلکه سرمایه‌ای راهبردی برای مؤمن، که قدرت تفکر صحیح، تصمیم‌گیری درست و حرکت استوار برای حفظ استقلال و پرهیز از وادادگی را فراهم می‌سازد. ارتباط با سرچشمه‌ی پایان هستی، قلب را از اضطراب، دغدغه‌های بیهوده و حیرت‌زدگی‌های می‌بخشد.

ساخت بزرگان جبهه‌ی حق، همواره آراسته به آرامش بوده است؛ آرامشی که از ایمان راسخ و نجوای درونی با خدای متعال ریشه می‌گیرد. شهید مقاومت، علامه سید حسن نصرالله علیه السلام، یکی از برازندگان این مسیر است.

دستور خستگی

شهید سید حسن نصرالله احساس خستگی مفروض می‌کرد و می‌گفت: «باری که روی دوشم بود، بیشتر از توانم بود.» به ایران آمد و از حضرت آقا پرسید: من چه کار کنم؟ ایشان توصیه کردند: «زمانی که احساس خستگی کردی... وارد یک اتاق شو، پنج یا ده دقیقه با خدا صحبت کن؛ به زبان خودت حرف بزن؛ هرچه در دلت می‌گذرد بگو.» سید می‌گفت: «از آن زمان، در این دستورالعمل برکاتی یافتم... هر زمان که سختی‌ای برسد، وقتی به این روش پناه ببریم، به زودی درهای برکت باز می‌شود»^۱.

نشان آرامش

در مراسمی که پس از شهادت مظلومانه سید حسن نصرالله و عملیات «وعدۀ صادق (۲)» برگزار شد، رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام پس از نزدیک به پنج سال، بار دیگر برای اقامه نماز جمعه در مصلای تهران حضور یافتند. این نماز به سبب فضای خاص و تهدید رژیم صهیونیستی به حمله به ایران، «جمعه نصر» نام گرفت و برگ‌رزینی بر تاریخ انقلاب افزود.

۱. جابری، سید مقاومت، ص ۶۰.

آن چه «جمعه نصر» را از دیگر مراسم‌ها متمایز کرد، ابتکار و رفتار ویژه رهبر انقلاب بود. ایشان با وجود تهدید دائم رژیم صهیونیستی و برخلاف رویه گذشته که معمولاً پس از اقامه نماز جمعه، نماز عصر را به امام جماعت دیگری می‌سپردند و خود مصلاً را ترک می‌کردند، این بار شخصاً اقامه نماز عصر را نیز بر عهده گرفتند. پس از پایان نماز عصر، درحالی که انتظار می‌رفت رهبر معظم انقلاب محل را به لحاظ جنبه‌های امنیتی ترک کنند، با صبر و آرامشی کم‌نظیر، به انجام تعقیبات نماز پرداخته، با مردم احوال‌پرسی کردند و دقایقی در میان جمع باقی ماندند.

این رفتار، جلوه‌ای از اقتدار معنوی، امنیت آرامش‌بخش و همراهی صمیمانه با مردم بود و اثبات کرد که رهبر انقلاب در دشوارترین شرایط منطقه، با آرامشی مطلق، ایستادگی و حضور خود، پیام استقامت، اتحاد و امید را به جهان منتقل کردند.

خداباوری در مقالات علمی

خداباوری منشأ اصلی آرامش و امید پایدار در انسان است و نقش مهمی در کیفیت زندگی ایفا می‌کند. مطالعات علمی اخیر هم این حقیقت را تأیید می‌کند و ارتباط معنادار ایمان مذهبی با سلامت روان و افزایش طول عمر را اثبات کرده است.

بر اساس مطالعات معتبر در حوزه روان‌شناسی و علوم پزشکی، باور مذهبی و ایمان به خداوند نه تنها آرامش ذهنی و روانی را افزایش می‌دهد، بلکه تأثیر چشم‌گیری بر سلامت جسم و طول عمر انسان نیز دارد. به عنوان مثال: پژوهش‌های انجام شده در دو نمونه آماری وسیع (یک مورد در شهر دس موینس^۱ و دیگری در ۴۲ شهر بزرگ آمریکا) نشان داد که افرادی با وابستگی مذهبی که این وابستگی در آگهی‌های فوت آنان ذکر شده بود، به طور میانگین بین ۶ تا ۹ سال نسبت به افراد فاقد وابستگی مذهبی بیشتر عمر کرده‌اند.

1. Des Moines.

نکته مهم این تحقیقات، نقش مثبت مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و داوطلبانه مذهبی بر افزایش طول عمر بود؛ هرچند بخش اصلی این اثر، مستقیماً به گرایش مذهبی و باور عمیق آن‌ها برمی‌گردد.^۱ تحقیقات منتشرشده در مجله پزشکی Medical News Today نیز یافته‌های مشابهی دارد:

در مطالعه‌ای گسترده توسط دانشگاه ایالتی اوهایو، تحلیل ۱۵۰۰ آگهی ترحیم نشان داد که افراد مذهبی به‌طور میانگین تا ۴ سال بیشتر زندگی می‌کنند. طبق نتایج این تحقیق، تأثیر طول عمر، مستقل از فاکتورهایی مانند جنسیت و وضعیت تأهل ارزیابی شده است.^۲ بخش عمده‌ای از سلامت جسم و روان این افراد ناشی از باور مذهبی است؛ چراکه دعا، ذکر و تمرین‌های معنوی و سنت‌های اصیل دینی نقش مهمی در مدیریت استرس، حفاظت سلامت روان و کاهش رفتارهای پرخطر دارد. هم‌چنین پژوهش‌های جهانی در حوزه روان‌شناسی سلامت نشان می‌دهد که احساس معنا، امیدواری و پیوند معنوی که در قرآن چون آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» توصیه شده، ضامن دستیابی به رضایت ذهنی و مقاومت بیشتر در برابر مشکلات روانی و اجتماعی است.



محتوای خود را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



پادکست صوتی



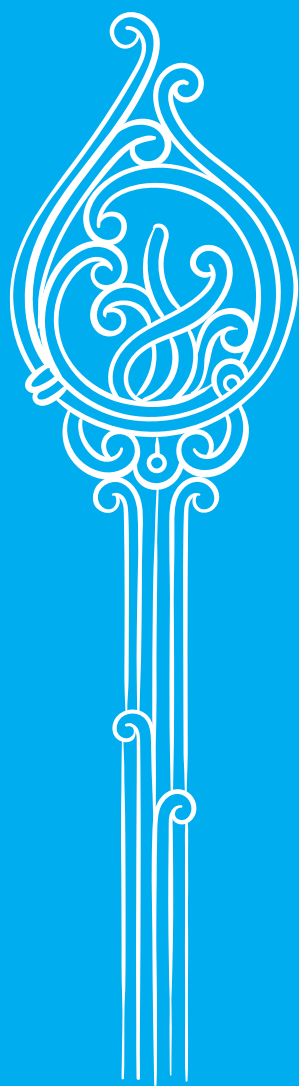
تبیین آیه

۱. مقاله «آیا دین باعث طول عمر می‌شود؟ وابستگی مذهبی در آگاهی درگذشت و ارتباط آن با طول عمر»:

<https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/1948550618779820?cookieSet=1>

۲. برگرفته از مقاله: «اعتقاد مذهبی ممکن است عمر را تا ۴ سال افزایش دهد»، نوشته آتا سندویو:

<https://www.myjoyonline.com/religious-belief-may-extend-life-by-4-years-study>



آیه چهاردهم

صبر حیرت آور

﴿وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾

سوره نحل، آیه ۱۲۷

صبوری کن! که صبر تو جز به یاری خداوند نیست.



سُورَةُ النِّجَارِ

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ
ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١٩﴾ إِنَّ
إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ
﴿١٢٠﴾ شَاكِرًا لِنِعْمَةِ أَجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
﴿١٢١﴾ وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ
﴿١٢٢﴾ ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعِ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ
مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٣﴾ إِنَّمَا جَعَلُ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَفَوْا
فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا
كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٢٤﴾ أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ
وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْ لَهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ
رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۖ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ
﴿١٢٥﴾ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ ۖ وَلَئِنْ
صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ﴿١٢٦﴾ وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ
إِلَّا بِاللَّهِ ۖ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ
﴿١٢٧﴾ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ ﴿١٢٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

این آیه به انسان‌های بزرگی اشاره دارد که در سختی‌ها به خاطر خدا صبر کردند. صبر باید فقط برای خدا باشد. یکی از نمونه‌های انسان‌هایی که سختی‌ها را فقط به خاطر خدا تحمل کردند، اُسرا بودند؛ چه در دوران قبل انقلاب در زندان‌های ساواک و چه در زندان‌های حزب بعث. این‌ها سخت‌ترین شکنجه‌ها را فقط برای رضای الهی تحمل می‌کردند.

دربارهٔ اسرای جنگ هشت ساله خاطرات بسیاری چاپ شده که نشان دهنده استقامت آن‌ها برای خداست. یکی از این کتاب‌ها، کتاب «من زنده‌ام» نوشته خانم «معصومه آباد» است که روایت‌هایی از سختی‌های دوران اسارت است.

برای سلامتی خمینی علیه السلام

یکی از داستان‌های این کتاب، ماجرای «عزیز چوپون» است، چوپانی که قصد داشت گوسفندهایی را از روستا برای رزمندگان در جبهه‌ها ببرد؛ اما در بین راه، به اسارت نیروهای بعثی درآمد.

در یکی از روزهای اسارت، نیروهای عراقی «عزیز چوپون» را از پا آویزان کردند و با شلاق به سرو صورتش کوبیدند. شکنجه‌ها تا جایی ادامه یافت که عزیز به لکنت زبان افتاد و دیگر قادر به حرف زدن نبود. خون از دهان و دل و روده‌اش بیرون می‌ریخت. سربازان بعثی گُلَت را روی شقیقه عزیز گذاشتند و با تهدید تیر خلاص، از او خواستند وصیت کند. با وجود تمام دردها و شکنجه‌ها، عزیز تنها خواسته‌اش این بود که از گوسفندهایی که آورده، یکی را برای سلامتی امام خمینی علیه السلام قربانی کنند. وقتی مترجم این وصیت را برای عراقی‌ها ترجمه کرد، عزیز را دوباره کتک زدند و به اتاقی انداختند؛ درحالی‌که دیگر قدرت تکلم نداشت و صورتش قابل شناسایی نبود. ضربه‌های مکرر به سر باعث شد که صبح همان روز، عزیز پس از چندبار تشنج، جان خود را از دست بدهد.^۱

۱. آباد، من زنده‌ام، ص ۱۵۳.

گاهی این صبر، در میدان نبرد و در شرایطی به مراتب هولناک تر خودش را نشان می‌دهد. جایی که مرگ، نه در یک سلول، که در میان شعله‌های آتش فرا می‌رسد.

صبر حیرت‌آور

در مرحله دوم عملیات بیت المقدس، «حاج حسین خرازی» ترک موتورم نشست و رفتیم برای سرکشی خط مقدم. بین راه به یک نفربر BMP برخوردیم که آتش گرفته بود و چند نفر هم داشتند رویش خاک و آب می‌ریختند. حاج حسین گفت: برو ببینیم چه خبره. رفتیم سمت نفربر... هُرم آتش اجازه نمی‌داد بیشتر از دو متر نزدیک نفربر شویم؛ اما متوجه شدیم یک رزمنده داخل نفربر دارد زنده زنده می‌سوزد. صحنه دلخراشی بود. با بقیه همراه شدیم و گونی سنگرها را برمی‌داشتیم و خاکش را روی نفربر می‌ریختیم. رزمنده داخل نفربر، با این که داشت می‌سوخت، داد و فریاد نمی‌کرد، اما بلند بلند می‌گفت:

«خدایا! الان پاهام داره می‌سوزه، می‌خوام اون ور ثابت قدمم کنی. خدایا! الان سینه‌ام سوخت؛ این سوزش به سوزش سینه حضرت زهرا علیها السلام نمی‌رسه. خدایا! الان دستام سوخت؛ می‌خوام تو اون دنیا دستام رو طرف تو دراز کنم؛ نمی‌خوام دستام گناهکار باشه. خدایا! صورتم داره می‌سوزه؛ این سوزش برای امام زمانه؛ برای ولایت؛ اولین بار حضرت زهرا همین طوری برای ولایت سوخت...».

باورش برای کسی که ندیده باشد، سخت است، اما این جمله‌ها را خیلی مرتب و سلیس فریاد می‌زد. آتش که به سرش رسید، گفت: «خدایا! دیگه طاقت ندارم؛ دیگه نمی‌تونم؛ دارم تموم می‌کنم؛ لا اله الا الله، لا اله الا الله! خدایا خودت شاهد باش و خودت شهادت بده که آخ نگفتم!».

به این جا که رسید، سرش با صدای تَقّی ازهم پاشید و تمام... با شهید شدن او، من یکی که دوست داشتم خاک گونی‌ها را روی

سرم بریزم... مخصوصاً با جملاتی که از زبانش شنیده بودم. بقیه هم چنین وضعی داشتند. یکی با کف دست به پیشانی اش می زد؛ دیگری پاهایش شل شد و زانو زده بود؛ یکی دیگر دست روی چشم هایش گذاشته و زار می زد. صحنه ای بود که وصف شدنی نیست. سوختن او همه ما را هم سوزاند.

اما سوزش حاج حسین خرزای با بقیه فرق می کرد. کمی آن طرف تر نشسته، زانوهایش را بغل کرده بود و های های گریه می کرد و می گفت: «خدایا! ما چه جوری جواب اینا رو بدیم؟!».

نزدیکش رفتم و دستم را گذاشتم روی شانه اش گفتم: حسین آقا، بریم؟ نگاهی به من کرد و گفت:

«ما فرمانده ایناییم؟! اینا کجان ما کجا! اون دنیا خدا ما رو نگه نمی داره بگه جواب اینا رو چی می دی؟».

دوباره گفتم: پاشید بریم. همین طور که نشسته بود گفت: «پاهام داره می لرزه؛ نای بلند شدن ندارم».

می خواست زمین را چنگ بزند. نمی دانست برای خودش گریه کند یا برای آن شهید... زیر بغلش را گرفتم و هرطوری بود، بلند شد و حرکت کردیم. پشت موتور که نشست، سرش را گذاشت روی شانه من و آن قدر گریه کرد که پیراهن و حتی زیرپوشم از اشک چشمانش خیس شد.^۱

و این شهدا برای خدا صبر کردند و خدا بهترین ها را نصیب آنان کرد.

دخترم؛ خیلی خسته ام

یک صبر هم این است که برخی افراد، تمام زندگی شان با سختی و رنج همراه بوده است. یکی از آن ها حاج قاسم سلیمانی است که خودش سختی کشید تا بقیه در آسایش باشند. او در نامه ای به دخترش می نویسد:

۱. مزدآبادی، زندگی با فرمانده، ص ۱۱.



((دخترم! خیلی خسته‌ام. سی سال است که نخواییده‌ام؛ اما دیگر نمی‌خواهم بخوابم. من در چشمان خود نمک می‌ریزم که پلک‌هایم جرأت برهم آمدن نداشته باشد، تا نکند در غفلت من، آن طفل بی‌پناه را سر ببرند. وقتی فکر می‌کنم آن دختر هراسان تویی، نرجس است، زینب است، و آن نوجوان و جوان در مسلخ خوابانده که در حال سر بریده شدن است، حسینم و رضایم است، از من چه توقعی دارید؟! نظاره‌گر باشم؟! بی‌خیال باشم؟! تاجر باشم؟! نه، من نمی‌توانم این‌گونه زندگی کنم)).^۱

حضرت آقا عظیم‌الله در این چهل سال چقدر صبر کردند. در دوران عمرشان، از ابتدا در شکنجه و تبعید و زندان و بد آب و هوای ترین مکان تبعید شدند. انقلاب که پیروز می‌شود، همان ابتدا رفقا و دوستانشان به شهادت می‌رسند؛ مثل شهید بهشتی، شهید هاشمی‌نژاد، شهید مطهری، شهید مفتّح، شهید باهنر، شهید رجایی، شهید چمران و...، اما ایشان باز در جنگ و بسیاری از زمان‌ها در خط مقدم سختی می‌کشد. ایشان ترور می‌شود و با مشکلات ترور دست و پنجه نرم می‌کند. بعد از آن، خیانت خواص و نزدیکان را تحمل می‌کند؛ خیانت افرادی مثل قائم مقام رهبری و بعد از آن، آماج بیشترین تهمت‌ها و توهین‌ها توسط ضدانقلاب و منافقین داخلی می‌شود. سپس شهادت بهترین فرماندهانش را می‌بیند؛ از حاج قاسم سلیمانی گرفته تا سردار باقری و سلامی و حاجی زاده... تحمل فراق رئیس جمهور... مگر انسان داغ چند نفر از نزدیکان و دوستانش را می‌تواند ببیند؟! جدا از این که ایشان داغ پدر و مادر را هم می‌بیند؛ داغ مرشد بزرگی که تمام وجودش عشق به او بود را می‌بیند؛ امام خمینی ع و در همه این‌ها آیه‌ای نهفته است، آیه صبر و تحمل همه این مشقّت‌ها برای خدا.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه

آیه پانزدهم

سیل زدهٔ عشق

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ
لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا﴾

سوره اسراء، آیه ۷

اگر خوبی کنید، به خودتان خوبی کرده‌اید،
و اگر هم بدی کنید، به خودتان بد کرده‌اید.



سُورَةُ الْاِسْرَاءِ

سُورَةُ الْاِسْرَاءِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى
 الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ وَمِنَ آيَاتِنَا أَنَّهُ
 هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١﴾ وَءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ
 هُدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ أَلَّا يَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلًا ﴿٢﴾
 ذُرِّيَّةً مِّن حَمَلِنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ﴿٣﴾
 وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ
 مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوكُمْ كَبِيرًا ﴿٤﴾ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَهُمَا
 بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ
 الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ﴿٥﴾ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ
 عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا
 ﴿٦﴾ إِن أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ وَإِن أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا
 جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسْتَوُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ
 كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتِيرًا ﴿٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

از مصادیق خوبی کردن این است که انسان با دیگران خوش اخلاق باشد. یکی از خوبی‌هایی که بلافاصله نتیجه‌اش به خود انسان برمی‌گردد، مردم‌دوستی و احسان به دیگران است. مردم وقتی ما را خیرخواه خودشان بدانند، حاضرند کنار ما باشند و آن‌ها هم ما را دوست خواهند داشت.

نمونه عینی آن، حاج قاسم سلیمانی است. این‌که مردم حاج قاسم را به شدت دوست داشتند، به این دلیل بود که حاج قاسم تمام وجودش از کودکی عشق به مردم و خدمت به آنان بود. او حتی نمی‌توانست غصه مردم را ببیند.

مردم‌دوستی

وقتی قرار شد «پایتخت ۵» ساخته شود، تیم را به دیدار حاج قاسم بردیم. حاجی خیلی کمک کرد تا بچه‌ها با فضای سوریه و مدافعان حرم آشنا شوند؛ حتی هماهنگ کرد که با یکی دو اسیر داعشی صحبت کنند. وقتی فیلم‌نامه نهایی شد، یک روز وعده صبحانه مهمان حاج قاسم بودیم. همین‌که فهمید قرار است در انتهای سریال، بابا پنجه‌علی شهید شود و پیکرش را در کربلا یا مشهد دفن کنند، با غیرت گفت: «مگر ما مرده باشیم که یکی از این خانواده به دست داعش شهید بشود!» او راضی نبود حتی در فیلم، ایران و ایرانی آسیب ببیند!

سیل زده عشق

کی فکرش را می‌کرد که مرد جنگ با داعش بیاید لابه‌لای مردم سیل زده روستاهای خوزستان؟! اصلاً کارش چیز دیگری بود و ربطی به این مسائل نداشت؛ ولی آمد و مردم تا فهمیدند حاج قاسم سلیمانی آمده، دورش جمع شدند. جمعیت را کنار زدم و خودم را رساندم به حاجی. با اکره قبول کرد شعری را که برایش گفته بودم، بخوانم. با لحنی حماسی شعر را خواندم. لبخند ملیحی بر صورتش نشست.



وقتی شعر تمام شد، صورتم را بوسید. می دانست عرب به شاعر صله می دهد. چیزی نداشت؛ ساعت مچی اش را باز کرد و هدیه داد به من. ساعت را قاب کرده ام و زده ام به دیوار خانه، درست کنار عکسش. مثل جانم از این ساعت مراقبت می کنم.^۱

شهید رئیسی نمونه بارز مردم دوستی و خدمت بی منت بود. او باور داشت که مسائل مردم را باید از دل زندگی واقعی آن ها شناخت، نه فقط از آمار و ارقام روی کاغذ. همین نگاه باعث شد رکورددار سفر به مناطق محروم و روستاها باشد و چه در دوره تولیت آستان قدس و چه در دوره ریاست جمهوری، همواره دغدغه اولش خدمت رسانی و رفع مشکلات مردم بود.

رهبر انقلاب نیز همواره نشان داده اند که مردم دوستی و حضور پررنگ در میان مردم، بخش جدانشدنی از سبک رهبری ایشان است؛ از حضور در مناطق زلزله زده کرمانشاه تا سفر چالوس در سال ۱۳۸۸؛ جایی که با وجود باران و هوای نامساعد، دیدار با مردم را لغو نکردند و مراسم را در ورزشگاه هفتم تیر برگزار کردند. این رفتارها نشانه پیوند عمیق با مردم و توجه به رنج ها و نیازهای واقعی جامعه است.

برای من ناگوار است!

صبح روز دیدار رهبر انقلاب با مردم چالوس، در استقبال از ایشان همه فریاد می زدند: «باران رحمت آمد؛ رهبر ما خوش آمد». در همین موقع باران شدیدی هم شروع به باریدن کرد و مردم با این که خیس شده بودند، در ورزشگاه جمع شده بودند. رهبر انقلاب که قبلاً به خاطر نگرانی از اذیت شدن مردم، دیدار را لغو کرده بودند، این بار هم احساس نگرانی داشتند و می فرمودند: «من این جا زیر سقف نشسته ام و شما در زیر باران نشسته اید. این برای من ناگوار است».^۲

۱. مهدی قربانی، سلیمانی عزیز، ج ۲، ص ۲۱۷.

۲. بیانات در دیدار مردم چالوس، ۱۳۸۸/۰۷/۱۶.

در مقابل این مردم‌داری و همدلی، محمدرضا پهلوی قرار داشت که نه تنها مسئولیت‌پذیر نبود، بلکه در زمان وقوع بحران‌های بزرگ ملی، به جای رسیدگی و کمک به مردم، ترجیح می‌داد خود را سرگرم خوش‌گذرانی‌های شخصی کند؛ رفتاری که نشانه بی‌اعتنایی و فاصله عمیق او از دردهای ملت ایران بود.

وحشتناک‌ترین کولاک تاریخ

یکی از دردآورترین بی‌خیالی‌ها و لذت‌جویی‌های او در وقت گرفتاری مردم، به کولاک سال ۱۳۵۰ برمی‌گردد. وحشتناک‌ترین کولاک تاریخ ایران، در بهمن ۱۳۵۰ (۱۹۷۱ میلادی) در ایران با بارش ۸ متر برف و یخبندان شدید اتفاق افتاد که حداقل ۴۰۰۰ نفر در درون خانه‌هایشان به صورت نشسته یخ زدند و جانشان را از دست دادند! اما در آن هنگام، اعلی‌حضرت، شه‌بانو، ولی‌عهد و سایر اعضای خاندان سلطنتی به سوئیس رفته بودند تا از اسکی لذت ببرند!

این جاست که اصل قرآنی «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسَنْتُمْ» آشکار می‌شود: هر کس نیکی کرد، محبت و احترام مردم را به دست آورد؛ مانند امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب، حاج قاسم سلیمانی، شهید رئیسی و دیگر شهدا که به سبب خدمت و اخلاصشان عزیز دل مردم شدند. در مقابل، شاه و خاندانش با بی‌توجهی به مردم، منفور گشتند و رفتنشان برای ملت، جشن‌رهایی بود.



محتوای خود را بساز



شهادت آیه‌ها



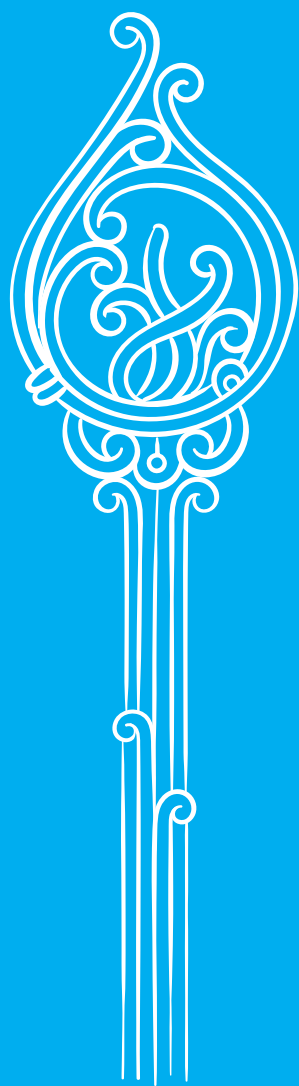
پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



آیه شانزدهم

نجوای هادی

﴿قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى﴾

سوره طه، آیه ۶۸

[به موسی] گفتیم: نترس! پیروز میدان فقط تویی.



سُورَةُ طه

قَالُوا يَمُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقَى وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ۖ قَالَ بَلْ
 أَلْقُوا فَإِذَا حِبالُهُمْ وَعَصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا
 تَسْعَى ۖ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةُ مُوسَى ۖ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ
 أَنْتَ الْأَعْلَى ۖ وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا
 كَيْدٌ سِحْرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ۖ فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سُبُجًا
 قَالُوا أَمْ نَآبِرُ رَبِّ هَؤُلَاءِ وَمُوسَى ۖ قَالَ أَمْ نَآبِرُ لَهُ وَقَبْلَ أَنْ آذَنَ
 لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَا يَقْطَعَنَّ أَيْدِيكُمْ
 وَأَرْجُلُكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَلَا تُصَلِّبْكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ
 آيُنَا أَشَدَّ عَذَابًا وَابْقَى ۖ قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ
 الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ
 الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۖ إِنَّمَا أَمْنَابِرُ بَنَّا لِيَعْفِرَ لَنَا خَطِيئَتَنَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا
 عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ۖ إِنَّهُ وَمَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا
 فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ۖ وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ
 عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى ۖ جَنَّاتُ عَدْنٍ
 تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى ۖ



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

قدرت دشمن گاهی به اندازه‌ای است که حتی شخصیتی چون پیامبر بزرگ خدا حضرت موسی علیه السلام نیز لحظه‌ای در دلش ترس ایجاد می‌شود. اما هنگامی که انسان به خدا توکل کند، تمام نقشه‌ها و دسیسه‌هایی که دشمن در سر دارد، در یک لحظه نقش بر آب می‌شود. همه موشک‌ها، پهپادها و رسانه‌هایشان ناگهان بی‌اثر و نابود می‌گردد. ایمان به خدا باید در ما ریشه‌دار باشد تا هراسی از قدرت دشمن به دل راه ندهیم.

پیروزی نهایی بی‌تردید از آن جبهه حق خواهد بود؛ البته این برتری مشروط به ایمان به وعده‌های الهی و حرکت مستمر در مسیر اوست.

محاصره حَقَانِیت

شهید «محمد حسین ساعدی» در یکی از عملیات‌های سال‌های اول جنگ، به همراه دو گردان نیرو به خط مقدم می‌روند و در آن جا به طور کامل محاصره می‌شوند؛ به گونه‌ای که مسیر پشت سر آن‌ها مسدود می‌گردد و هیچ راه گریزی باقی نمی‌ماند. در این وضعیت، نیروهای عراقی با استفاده از کامیون و بلندگو اعلام می‌کنند که راه شما بسته است و باید تسلیم شوید.

شهید ساعدی در آن لحظات حساس متوسل می‌شود و می‌گوید:
«ما بر حق هستیم و خدا خواسته که تا این جا بیاییم. امام زمان عجل الله تعالی فرجه دارند ما را یاری می‌کنند».

معاونان ایشان که هنوز در قید حیات هستند، تعریف می‌کنند که آن روز، در روشنایی کامل هوا، شهید ساعدی حمله‌ای را شروع کرد و چنان ماهرانه به دشمن هجوم برد که حتی خود ما نیز حیرت کردیم. در نتیجه این حمله:

– هیچ کس اسیر نشد؛

– مسیر عبور باز شد؛

– با تعدادی اسیر عراقی به سمت نیروهای خودی برگشتیم.^۱

۱. ر.ک: گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، مجنون در آتش (خاطرات و زندگی‌نامه شهید محمد حسین ساعدی)، ص ۱۳.

در عملیات فتح المبین، مأموریت به گردان تحت فرمان شهید «حاج محمد طاهری» محوّل شده بود تا نیمه شب از مواضع خود حرکت کرده و به سمت خطوط دشمن پیشروی کند. شرایط منطقه دشوار بود. دشمن هوشیار شده و با شلیک بی امان تیربارها و منوّر ها حرکت هر نیرویی را زیر نظر داشت. ادامه مسیر، به معنای تلفات سنگین بود.

حاج محمد که جان نیروها را امانتی در دست خود می دانست، لحظه ای درنگ کرد. در همان سکوت شب، دلش را به حضرت زهرا علیها السلام سپرد و از خدا مدد خواست تا راهی جز خون و آتش پیش پایشان بگذارد. سپس به راهنما گفت: فکری به ذهنت می رسد که بی آن که ما را ببینند، بتوانیم به مواضع دشمن نزدیک شویم؟ راهنما پاسخ داد: سمت چپ، چند تپه هست؛ اگر از میان آن ها برویم، می توانیم از پشت به دشمن برسیم».

حاج محمد با توکل و اطمینان قلبی، تصمیم گرفت همان مسیر را برود. پیش از حرکت، خودش برای شناسایی جلورفت و پس از بازگشت، نیروها را آرام و منظم به سمت تپه ها هدایت کرد. در تاریکی، جمع رزمندگان گام به گام پیش رفتند تا ناگهان، از پشت مواضع دشمن سردرآوردند. حمله آغاز شد و خطوط مقاومت دشمن، یکی یکی فرو ریخت.

آن عملیات با حداقل تلفات و با آزادسازی منطقه به پایان رسید. بعدها همزمانش می گفتند: آن شب هرچند خطر در کمین بود، اما در نگاه حاج محمد آرامشی آشکار دیده می شد؛ گویی باور داشت که وعده الهی در دل میدان زنده است: «فَلَنَّا لَا تَخْفَ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى»^۱.

نجوای هادی

در یکی از شب‌های عملیات فتح‌المبین، گروهی از رزمندگان مأمور شدند تا به مواضع توپخانه دشمن در تپه‌های «علی‌گره‌زد» نفوذ کنند. شهید «ابراهیم هادی» که مسئول اطلاعات عملیات گروه بود، آن‌ها را هدایت می‌کرد. شب، تاریک و سنگین بود و مسیر در میان تپه‌ها و بیابان گم می‌شد. رزمندگان پس از ساعت‌ها حرکت، دریافتند که جهت را از دست داده‌اند. هرچه به اطراف می‌رفتند، چیزی جز دشت نمی‌دیدند. در آن سکوت مرگبار، خدا را به حق حضرت زهرا علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام قسم می‌دادند در آن بیابان و در آن شرایط آن‌ها بودند و امام زمان عجل الله تعالی فرجه و فقط آقا را صدا می‌زدند. ابراهیم روی خاک نشست و به سجده رفت و با خدای خود نجوا کرد.

چند لحظه بعد، سر از سجده برداشت؛ نگاهی به اطراف انداخت و گفت: «به سمت چپ حرکت کنید؛ نسیم خنکی از آن سو می‌وزد.» رزمندگان بدون پرسش، همراه او راهی شدند. پس از اندکی پیشروی، خود را درست در پشت مواضع توپخانه دشمن یافتند. حمله از پشت صورت گرفت و دشمن که انتظار یورش از روبه‌رو را داشت، غافلگیر شد. در نبردی کوتاه و سنگین، مواضع دشمن فتح شد و توپخانه به دست رزمندگان اسلام افتاد.^۱

آن شب، ایمان و توکل ابراهیم راه را گشود؛ همان‌گونه که ایمان، همیشه تاریکی‌ها را روشن می‌کند.



محتوای خود را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی

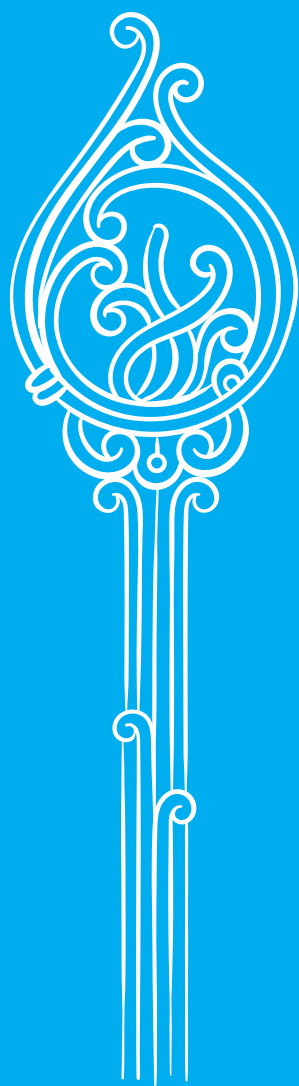


پادکست صوتی



تبیین آیه

۱. رک: گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، سلام بر ابراهیم (زندگی‌نامه و خاطرات پهلوان بی‌مزار شهید ابراهیم هادی)، ص ۱۵۲.



آیه هفدهم

جراتِ ستیز

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ
أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾

سوره انبیاء، آیه ۱۰۵

البته ما پس از تورات، در زبور نوشتیم که همه زمین را
بندگان شایسته ما [با همه امکاناتش] به ارث می برند.



سُورَةُ الْأَنْبِيَاءِ

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ
 خَلَدُونَ ﴿١٠٢﴾ لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ
 الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿١٠٣﴾
 يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا
 أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٠٤﴾ وَلَقَدْ
 كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا
 عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١٠٥﴾ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ
 عَابِدِينَ ﴿١٠٦﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ
 ﴿١٠٧﴾ قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَحْدٌ فَهَلْ
 أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٨﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ ءَاذَنْتُكُمْ عَلَى سَوَاءٍ
 وَإِنِ أَدْرَى أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدُ مَا تُوعَدُونَ ﴿١٠٩﴾ إِنَّهُ يَعْلَمُ
 الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿١١٠﴾ وَإِنِ أَدْرَى
 لَعَلَّهُ وَفِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١١١﴾ قُلْ رَبِّ أَحْكُمْ
 بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ﴿١١٢﴾

سُورَةُ الْحَجِّ



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

این آیه، یک وعده قطعی الهی مبنی بر پیروزی نهایی صالحان و برقراری حکومت جهانی آنان - که مصداق اتم آن، حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه است - می باشد. اما نکته کلیدی در کلمه «صالحون» نهفته است. بر اساس روایات، حکومت ایشان بر پایه ظلم ستیزی شکل می گیرد. پس منتظران واقعی و بندگان صالح، کسانی هستند که پیش از ظهور نیز اهل مبارزه با ظلم باشند.

یکی از مصادیق ظالم در این دوران، رژیم غاصب صهیونیستی و آمریکای جنایت کار هستند و جمهوری اسلامی به عنوان حکومتی که زمینه ساز ظهور است، به بهترین صورت در مقابل ظالمین عالم ایستاده است.

جرات ستیز

رهبر معظم انقلاب خاطره ای از دوران ریاست جمهوری خود نقل می کنند:

در اجلاس غیرمتعهدها، پس از نطق پُرشور ایشان، رؤسای جمهور بسیاری از کشورها، به خصوص کشورهای جهان سوم، ایشان را تأیید کردند. یکی از این رؤسای جمهور آفریقایی با بیان این که حرف های شما عیناً حرف های ماست، افزود: «فرق ما و شما این است که شما جرأت می کنید و این حرف ها را بر زبان می آورید، ولی ما از آمریکا می ترسیم!» اتفاقاً پس از مدتی، این بیم و ترس تحقق یافت و به دلیل مواضع ضد استکباری، علیه او کودتا کردند و او را به شهادت رساندند.^۱

این واقعه نشان می دهد که ترس از قدرت های ظالم، نه تنها مانع از آسیب نمی شود، بلکه خود می تواند عامل سرکوب باشد و شجاعت و اتکا به خدا، تنها راه مقاومت واقعی است.

آری، فقط منتظرین واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه هستند که این گونه در مقابل قدرت های بزرگ ظالم عالم ایستاده اند. ما باید خار چشم ظالمین عالم باشیم و چنان زندگی کنیم که ظالمین را به ستوه بیاوریم.

۱. بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان اردبیل، ۱۳۷۹/۵/۵

خطر دائمی

سال ۱۳۹۳ بود. یک شب، من و سید حسن نصرالله و حاج رمضان با هم جلسه داشتیم. پس از آن جلسه طولانی، مسئول دفتر سید وارد شد تا از ما سه نفر عکس یادگاری بگیرد. من به شوخی گفتم: «خواستید منتشر کنید، عکس من را قیچی کنید! من به درد قرار گرفتن در لیست ترور نمی خورم».

سید تا اسم ترور را شنید گفت: «تا همین لحظه که این جا پیش شما نشسته‌ام، اسرائیلی‌ها هفتاد و یک بار برای ترور حاج رمضان اقدام کرده‌اند».

عددش تکان دهنده بود. هفتاد و یک بار مرگ از کنار گوشش گذشته بود؛ اما خود او در برابر این خطر دائمی، باوری پولادین داشت. همیشه می گفت: «خطر معنا ندارد. وظیفه است؛ باید انجام شود. تکلیف است؛ باید انجام شود».^۱

انتقامم را گرفته‌ام

پس از شهادت حاج رمضان، همزمانش می گفتند:

«حاج رمضان همیشه می گفت: اگر صهیونیست‌ها مرا شهید کردند، نیازی نیست انتقام بگیرید؛ من خودم قبلاً انتقام خودم را از این‌ها گرفته‌ام!».^۲

انسان باید این گونه زندگی کند که دشمنان امام زمان عجل الله تعالی فرجه از دست او آسایش نداشته باشند.

وقتی صهیونیست‌ها خبر شهادت «یحیی سنوار» را شنیدند، آن روز را جشن گرفتند^۳ و حتی گفتند که بدن او را پس نخواهند داد و می خواهند او را آتش بزنند.

۱. به روایت حجت الاسلام رضاعلی کرمی، همزم شهید، برنامه خرمشهر، شبکه افق سیما، ۱۴۰۴/۴/۱۲.

2. <https://sarasari.khorasanonline.ir/Newspaper/item/124496>

۳. بر اساس گزارش تصویری منتشر شده توسط Economic Times در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۲۴.



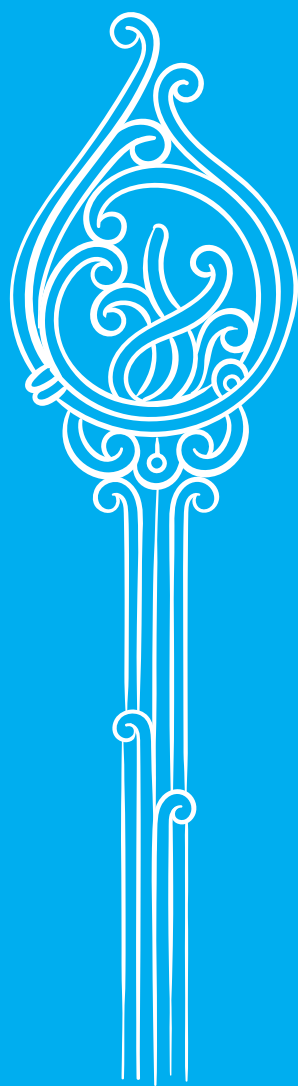
این گونه، انسان باید خشم دشمن را برانگیزد.^۱



پس از انتشار خبر گذشته شدن یحیی سنوار، رهبر حماس، در شهر «سیدروت» اسرائیل مردم با تقسیم شیرینی، پخش موسیقی و رقص با پرچم اسرائیل به شادی و جشن پرداختند:

<https://www.youtube.com/watch?v=v8-KKqvlt5A>

1. <https://www.i24news.tv/en/news/israel-at-war/artc-israel-refuses-to-return-yahya-sinwar-s-body-to-hamas-report>



آیه هجدهم

بخشش سریع

﴿وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ
أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾

سوره نور، آیه ۲۲

باید از خطایشان بگذرند و به رویشان نیاورند.
مگر دوست ندارید خدا هم از خطاهایتان درگذرد؟!



سُورَةُ الْبُورَةِ

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ
 خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا
 فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَمَا زَكَّى مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ
 اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢١﴾ وَلَا يَأْتِلُ أُولُو الْفَضْلِ
 مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ
 لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ
 الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ
 عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا
 كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ يَوْمَ يُؤْفِكُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ
 اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿٢٥﴾ الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ
 لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ
 أُولَٰئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٢٦﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا
 وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

این آیه دستور به درپیش گرفتن دو مرتبه ی عالی اخلاقی می دهد: عفو (بخشش) و صفح (چشم پوشی و نادیده گرفتن کامل خطا). مسیر دریافت مغفرت و بخشش الهی از بخشیدن دیگران می گذرد.

دلسوزی برای هدایت دشمنان!

آقای غلامعلی رجایی نقل می کند:

یک روز وقتی که شهید «حجت الاسلام والمسلمین سلیمی» از بیت امام علیه السلام برای تقویت روحیه رزمندگان به جبهه های جنوب آمده بود، صحبت از خصوصیات امام به میان آمد. ایشان گفت: چند روز پیش در محضر امام از جسارت ها و اهانت های «شیخ علی تهرانی» در رادیو بغداد مطالبی به عرض ایشان رساندیم که این فرد خیلی به شما جسارت می کند!

صحبت ما که تمام شد، امام رو به ما کرد و گفت: «اتفاقا چند روز قبل من به یاد او بودم و برایش دعا می کردم».

امام حتی نسبت به هدایت مخالفان و دشمنانشان این قدر احساس دلسوزی می کردند!^۱

عفو و گذشت در اوج قدرت

مقام معظم رهبری علیه السلام نیز از قلله های عفو و گذشت هستند. رهبری به هر بهانه ای کسانی را که توهینی به شخصیت ایشان کرده بودند و حتی فحش و ناسزا گفته بودند، عفو کردند. به عنوان نمونه، بعد از توهین های بسیار زشت آیت الله منتظری به ایشان، رهبری نه تنها گذشت کردند، بلکه کسانی که بنای مقابله با آیت الله منتظری داشتند را نیز منصرف کردند و حتی برای فوت ایشان پیام تسلیت داده و دستور دفن ایشان را در یکی از بهترین بخش های حرم حضرت معصومه علیها السلام صادر کردند. آیت الله آذری قمی نیز که توهین های شدیدی به مقام معظم رهبری



کرده بود، در اواخر عمر از رهبری عذرخواهی کرد و ایشان نیز عفو کردند. این روحیه عفو و گذشت، در همه اولیای الهی و شهدای گران قدر دیده می‌شود. یکی از کسانی که در دوران ما بیشترین توهین‌ها را تحمل کرد، اما با روحیه گذشت و بردباری و بزرگواری از کنار همه این‌ها گذشت، شهید آیت‌الله رئیسی بود.

بخشش سریع

در مناظرات تلویزیونی پیش از انتخابات، کاندیدایی نسبت بی‌پایه و توهین‌آمیز «شش کلاسه» به آقای رئیسی داد که لقلقه زبان‌ها شد و خیلی‌ها باورش کردند. مدت‌ها بعد از آن اتفاق، از حاج آقا پرسیدم: حلالش کردید؟ ایشان فرمودند: «من از همون جا که بیرون اومدم، براش از خداوند متعال طلب مغفرت و بخشش کردم».^۱



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه

آیه نوزدهم

جوجه کلاغِ صدام!

﴿فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ
بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾

سوره فرقان، آیه ۵۲

از کافران اطاعت مکن، و به وسیله قرآن
با آنان مبارزه و جهاد بزرگی بنما.



سُورَةُ الْفُرْقَانِ

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا
 كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٥﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ
 الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ وَسَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسُ عَلَيْهِ دَلِيلًا
 ﴿٤٥﴾ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ﴿٤٦﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
 اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿٤٧﴾ وَهُوَ
 الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ
 السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ﴿٤٨﴾ لِنُخْطِيَ بِهِ بَلَدَةً مَيِّتًا وَنُنْشِئَهُ
 مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَا سَيِّ كَثِيرًا ﴿٤٩﴾ وَلَقَدْ صَرَفْنَاهُ بَيْنَهُمْ
 لِيَذْكُرُوا قَائِلًا أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٥٠﴾ وَلَوْ شِئْنَا
 لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا ﴿٥١﴾ فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجِهْدُهُمْ
 بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ﴿٥٢﴾ وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا
 عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا
 وَحِجْرًا مَحْجُورًا ﴿٥٣﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ
 نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿٥٤﴾ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
 مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا ﴿٥٥﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

آیه کریمه در صدد معرفی نوعی از جهاد به نام «جهاد کبیر» است که به معنای عدم اطاعت از دشمن و ناامید کردن او در همه عرصه‌ها (سیاسی، فرهنگی، علمی) می‌باشد. این جهاد لزوماً جهاد نظامی نیست. همان طور که ما در زیارت‌نامه‌ها و برخی دعاها، ائمه هدی علیهم‌السلام را به عنوان مجاهد خطاب می‌کنیم، در حالی که همه آن‌ها در میدان مبارزه نظامی وارد نشدند، اشاره دارد که جهاد مبارزه‌ای دائمی است که همواره خشم دشمن را در پی دارد. معیار سنجش جهاد کبیر «خشم دشمن» است.

ما باید به صورتی زندگی کنیم که دشمنان خدا و امام عصر، از ما خشمگین باشد، نه آن‌که زندگی ما هیچ خطری برای دشمن نداشته باشد.

جوجه کلاغ صدام!

صدام برای تحقیر خلبانان ارتش ایران در تلویزیون عراق اعلام کرد: به هر جوجه کلاغ ایرانی که بتواند به ۵۰ مایلی نیروگاه بصره نزدیک شود، حقوق یک سال نیروی هوایی عراق را جایزه خواهد داد. تنها چند ساعت پس از مصاحبه صدام، شهید «عباس دوران»، شهید «علیرضا یاسینی» و سرهنگ «کیومرث حیدریان» نیروگاه بصره را بمباران کردند.

غروب همان روز، خبرنگار بی‌بی‌سی اعلام کرد: من امروز با رئیس‌جمهور عراق مصاحبه داشتم ... ولی هنوز مصاحبه او را تنظیم نکرده بودم که نیروی هوایی ایران، نیروگاه بصره را منهدم کرد! سپس این خبرنگار با لبخندی تمسخرآمیز گفت: البته هنوز فرصتی پیش نیامده که من از صدام بپرسم چگونه جایزه خلبانان ایرانی را تحویل خواهد داد!

مؤمن چنان زندگی می‌کند که دشمن خدا از او در خشم باشد؛ مانند ائمه معصومین علیهم‌السلام که تا بودند، دشمنان آنان نفس راحت نکشیدند. ما باید به خشم

آوردن دشمن را یکی از عبادات بدانیم؛ همان گونه که خداوند در سوره مبارکه توبه می‌فرماید: «...وَلَا يَطْغَوْنَ مَوْطِنًا يَعْظُمُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ...»؛ یعنی هر عملی که دشمن را به خشم بیاورد، برای شما عمل صالح نوشته می‌شود. پس یکی از اذکار و اعمال ما مقابله با دشمن است.

ذکر «مرگ بر آمریکا»

شخصی از دوستان شهید «حاج مهدی باکری» تعریف می‌کند:

قرار شد با آقامهدی برویم شناسایی برای پاک‌سازی منطقه. بعد از خواندن نماز ظهر به راه افتادیم. توی مسیر دیدم آقامهدی یک دور تسبیح «مرگ بر آمریکا» گفت. می‌گفت: «آقای مشکینی فرموده‌اند که ثواب گفتن مرگ بر آمریکا کمتر از نماز نیست».^۱

وقتی نتانیا هو مستقیماً از پیشرفت‌های علمی دانشمندانی چون «محسن فخری زاده»^۲ و «مجید شهریاری»^۳ ابراز نگرانی می‌کند، این دقیقاً به معنای موفقیت آن شهدا در «جهاد کبیر» است.

اما در نقطه مقابل، کسانی هستند که درس می‌خوانند، اما برای دشمن هیچ خطری ندارند. دشمن هیچ‌گاه نه آن‌ها را تهدید می‌کند و نه برای آنان برنامه‌ای دارد. خدا نکند دانشجوی ما و دانشگاه ما به جایی برسد که افراد بی‌ضرر برای دشمن یا حتی مفید برای دشمن تربیت کند.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



پادگست صوتی



تبیین آیه

۱. خضری، به مجنون گفتم زنده بمان، کتاب دوم، ص ۸۰.

2. <https://www.timesofisrael.com/head-of-irans-nuclear-weapons-program-said-assassinated-near-tehran/>

3. https://www.spiegel.de/international/world/sabotaging-iran-s-nuclear-program-mossad-behind-tehran-assassinations-says-source-a-777899.html?sara_ref=re-xx-cp-sh

آیه بیستم

صبر عجیب اُسرا

﴿أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ
يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾

سوره عنکبوت، آیه ۲

آیا مردم گمان کرده‌اند، همین که
بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها
می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟!



سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي
أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٨٥﴾ وَمَا كُنْتَ
تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ فَلَا
تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ
اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنزَلَتْ إِلَيْكَ وَأَدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
الْمُشْرِكِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٨﴾

سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْعَمَّ ﴿١﴾ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ
لَا يُفْتَنُونَ ﴿٢﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ
صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ﴿٣﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ
السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٤﴾ مَنْ كَانَ يَرْجُوا
لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٥﴾ وَمَنْ
جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

انسان بدون سختی کشیدن و بدون روبه‌رو شدن با چالش‌ها نمی‌تواند مؤمن باشد. برای دین باید ایستادگی و تلاش کرد. ما نیز باید خود را برای امتحان‌ها و آزمایش‌های الهی آماده کنیم.

خداوند نمی‌خواهد ما رنج بکشیم؛ بلکه خداوند می‌خواهد ما با رنج ارزش پیدا کنیم. نوک بیل صیقل یافته‌تر است، چون بیشتر به زمین خورده است. طلا وقتی داخل کوره می‌رود، عیار بیشتری پیدا می‌کند. خدا می‌خواهد ما عیار پیدا کنیم. آن نوع دینداری که گاهی معرفی می‌شود، با دینداری اسلامی و قرآنی سازگاری ندارد. دینداری‌ای که بر پایه راحت‌طلبی و هزینه ندادن باشد، فایده‌ای ندارد.

صبر عجیب اُسرا و آزادگان سرافراز جنگ

یکی از آزادگان دفاع مقدس تعریف می‌کند:

عکسی از امام خمینی علیه السلام همیشه در جیبم بود. به‌هنگام اسارت، یکی از عراقی‌ها این عکس را پیدا کرد و به فرمانده خود نشان داد. ما چهار نفر بودیم. فرمانده عراقی رو به ما کرد و گفت: به عکس خمینی توهین کنید!

ابتدا از نوجوان سیزده‌ساله بسیجی شروع کرد که گمان می‌رفت تحمل ضربات آن دژخیمان سیاه‌دل عراقی را نداشته باشد. وقتی به او گفتند به عکس امام توهین کند، او مدتی به عکس خیره شد؛ سپس ناگهان اشک در چشمانش حلقه زد و بغضش ترکید. شروع کرد به گریستن و به جای اهانت به تصویر مبارک حضرت امام علیه السلام، عکس را از فرمانده عراقی گرفت و بر آن بوسه زد. دژخیم عراقی چنان از این حرکت عصبانی شد که با لگد، آن بسیجی عاشق امام را بر زمین انداخت و به سربازان عراقی اشاره کرد تا او را بزنند.^۱

۱. رحمانیان، یوسف تباران، ص ۳۷.

این طور روی اصول ایستادند.

شهیده «ناهید فاتحی کرجو»، اهل سنندج، پدرش از اهل سنت بود و مادرش شیعه. نیروهای گروهک جنایتکار کومله او را گرفتند و گفتند به خمینی فحش بده. ایشان این کار را نکرد. موهای سرش را تراشیدند؛ ابروهایش را با تیغ زدند؛ مژه‌هایش را کردند و در شهر برای تحقیر، او را چرخاندند! گفتند فحش بده. گفت: فحش نمی‌دهم. تمام رگ‌های بدنش را زدند؛ میخ در سرش گذاشتند؛ آن قدر زدند تا به شهادت رسید؛ اما از اعتقادش دست برنداشت.^۱ شهدای ما همه این طور بودند.

ریشه شعار «جدایی دین از سیاست»

حضرت امام خمینی علیه السلام می‌فرمودند:

«از صدر اسلام تاکنون دو طریقه، دو خط بوده است: یک خط، خط اشخاص راحت طلب که تمام همّشان به این است که یک طعمه‌ای پیدا بکنند و بخورند و بخوابند؛ عبادت خدا را هم، آن‌هایی که مسلمان بودند، می‌کردند؛ اما مقدم بر هر چیزی در نظر آن‌ها راحت طلبی بود».^۲

همین افرادی که شعار جدایی دین از سیاست می‌دهند، ریشه در راحت طلبی دارد؛ چون دفاع از اسلام، انقلاب و نظام کار سختی است. اگر مرد است، از دین و انقلاب و خون بیش از دویست هزار شهید دفاع کند؛ اما چون حال دفاع ندارد، از کنار همه این‌ها بی‌تفاوت رد می‌شود!

آن‌ان که به مقامی رسیده‌اند، پای انقلاب ایستادند؛ زیرا آن‌ها مجاهد بودند و با راحت طلبی میانه‌ای نداشتند. یکی از برجسته‌ترین مصادیق گریز از راحت طلبی در تاریخ انقلاب اسلامی ایران، ایثار و فداکاری شهید «محمد علی جهان‌آرا» فرمانده سپاه خرمشهر است.

۱. ر.ک: انیسی، فاتح هشمیز، شرح زندگانی و خاطراتی درباره شهیده ناهید فاتحی کرجو، ص ۴۰-۴۱:

https://navideshahed.com/files/fa/news/1401/10/21/917575_225.pdf

۲. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۴۴.

جهان آرا از دوران نوجوانی مبارزه علیه رژیم پهلوی را آغاز کرد و به خاطر همین فعالیت‌ها مدتی زندانی شد. پس از پیروزی انقلاب نیز با وجود مسئولیت بالا، مانند یک نیروی عادی در سخت‌ترین شرایط حضور می‌یافت. نقل شده است که در زمان دفاع از خرمشهر، شبی نوبت نگهبانی او بود. با وجود ضعف جسمانی، برای انجام وظیفه به محل نگهبانی رفت. یکی از بسیجیان که از هویت او مطلع نبود، با او هم‌کلام شد و پرسید جهان آرا کیست؟ او را می‌شناسی؟ سید محمد جواب می‌دهد: او هم پاسداری است مثل تو. بسیجی می‌گوید: نه جهان آرا ۴۵ روز است که با تعداد کمی نیرو جلوی دشمن را گرفته است. سید محمد جواب می‌دهد: گفتم که او هم یک پاسدار معمولی است.

وقتی فردای آن شب، رزمنده برای گرفتن امضا به اتاق فرماندهی رفته بود، با تعجب می‌بیند همان نگهبان شب گذشته، خودش فرمانده سپاه خرمشهر است! این رفتار نشان‌دهنده روحیه جهادی و گریز از راحت‌طلبی او در طول مبارزه و فرماندهی دفاع از شهر بود.^۱ یکی از فتنه‌ها و آزمون‌های الهی در زندگی انسان، مسئله مال و دارایی است. ساده‌زیستی و دوری از راحت‌طلبی در بزرگان ما همه ریشه در این مسئله دارد که انسان بتواند در مقابل باطل، ابرقدرتان و زورگویان ایستادگی کند. حضرت امام خمینی ره می‌فرماید:

اگر بخواهید بی‌خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکند، خود را به ساده زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید.^۲



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



یادکست صوتی



تبیین آیه

1. <https://serajnet.org/post/detail/Fa/2-62-13-2-1-0>

۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۷۱



آیه بیست و یکم

یک رمز ساده

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾

سوره عنکبوت، آیه ۶۹

و کسانی را که برای ما مجاهدت کنند، مسلماً و
بی تردید به راه‌های خود راهنمایی می‌کنیم.



سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ

وَمَا هَذِهِ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ
 الْحَيَوةُ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٤﴾ فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعُوا اللَّهَ
 مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيْهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾
 لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾
 أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ
 حَوْلِهِمْ أَفَبَالِ بَاطِلٍ يُؤْمِنُونَ وَيَنْعِمُونَ اللَّهُ يَكْفُرُ عَنْ
 وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ
 أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا
 فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٦٩﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سُورَةُ الرُّومِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 أَلَمْ نَكُنْ مِنْ قَبْلِهِمْ خَلْقًا ﴿١﴾ عَلَيْنَا الرُّومُ ﴿٢﴾ فِي آدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ
 بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ ﴿٣﴾ فِي بَضْعِ سِنِينَ ۖ لِلَّهِ الْأَمْرُ
 مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَ ذِيقَعٍ ۖ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٤﴾
 يَنْصُرُ اللَّهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٥﴾

پیام آیه

آیه، رابطه مستقیم «جهاد» و «هدایت» را بیان می‌کند. هدایت الهی «اتَّهْدِيَنَّهُمْ» پاداشی است که خداوند آن را مشروط به «مجاهدت» (جَاهِدُوا) کرده است. این پیام، دقیقاً نقطه مقابل راحت طلبی است. هر کس در راه خدا قیام کند و اهل مبارزه باشد، خداوند راه‌های هدایت (اعم از هدایت معنوی، فکری یا حتی علمی و فنی) را بر او می‌گشاید.

«حز» میدان تهران

شهید «طیب حاج‌رضایی» که در گذشته از طرفداران سلطنت بود و در ماجراهای مرداد ۱۳۳۲ به نفع شاه نقش ایفا کرده بود، به محض این که تصمیم گرفت وارد معرکه مبارزه با طاغوت که مصداق "جَاهِدُوا" بود؛ شود، خداوند هدایت او را بر عهده گرفت و مصداق «اتَّهْدِيَنَّهُمْ» اتفاق افتاد و او عاقبت به خیر و رستگار شد.

مرحوم «طیب حاج‌رضایی» نه یک روحانی بود، نه یک انقلابی پنهان. او لات بزرگ و مشهور تهران بود؛ کسی که پیش از این برای تولد ولی عهد، چهارراه مولوی تا شوش را فرش می‌کرد و در کودتای ۲۸ مرداد، به سود شاه شعار داده و شخصاً از محمدرضا پهلوی تپانچه هدیه گرفته بود. سابقه زندان، تبعید و چاقوکشی داشت؛ اما زیر پوست این قلدر، ارادتی بی‌تزلزل به اهل بیت (علیهم‌السلام) و روحانیت موج می‌زد.

نقطه عطف این زندگی پرفراز و نشیب در شب عاشورای ۱۳۴۲ رقم خورد. طیب که بزرگ‌ترین دسته عزاداری تهران را می‌گرداند، تصمیمی جسورانه گرفت: نصب عکس‌های آیت‌الله خمینی (ره) بر سینه علامت تکیه. وقتی فرستاده دربار (رسول پرویزی) سراسیمه به میدان آمد و با لحنی تهدیدآمیز از او خواست تا عکس‌ها را بردارد، لوطی سابق با متانتی عجیب پاسخ داد: «عکس‌ها را برنمی‌دارم» و در مقابل تهدید به «بدجور شدن وضع»، فقط یک کلمه گفت که طنین انداز تاریخ شد: «بشود!».

این سرپیچی در روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به اوج رسید. رژیم انتظار داشت طیب قیام مردم را در میدان بارفروش‌ها سرکوب کند؛ اما او به جای این کار، میدان را تعطیل کرد و بدین ترتیب، خود به عصری کلیدی در گسترش اعتراضات علیه استبداد تبدیل شد. دستگیری او حتمی بود.

در زندان، بازی رژیم آغاز شد. طیب را زیر شکنجه‌های هولناک، از جمله دستبند قَپُونی (که استخوان‌ها را از فشار درهم می‌شکست)، قرار دادند. خواسته آن‌ها یک اعتراف ساده بود: «بگو از خمینی پول گرفته‌ای تا غائله را راه بیندازی و آزاد می‌شوی.» این اعتراف، می‌توانست تمام جنبش را با تهمت وابستگی مالی بی‌اعتبار کند. اما طیب که حالا به «حُرّ» کربلای انقلاب تبدیل شده بود، تمام آن رنج‌ها را به جان خرید و پوزخند نصیری، رئیس ساواک را با یک ناسزای لوطی‌منشانه پاسخ داد. او دلیل مقاومت خود را با جمله‌ای کوبنده بیان کرد که در تاریخ ماندگار شد:

«من عمرم را کرده‌ام؛ اما حاضر نیستم در پایان عمرم، به کسی که مرجع تقلید است و جانشین ولی عصر عجل الله تعالی فرجه تهمت بزنم. من به دستگاه امام حسین علیه السلام خیانت نمی‌کنم.»

سرانجام طیب حاج‌رضایی در بامداد ۱۱ آبان ۱۳۴۲ به جوخه اعدام سپرده شد. پایداری او، مهر تأیید قاطعی بر تحولش زد. امام خمینی ره شخصاً برای رد مظالم او وجه پرداخت کردند و دستور دادند ۱۵ هزار نفر از روحانیون برای او نماز وحشت بخوانند؛ احترامی بی‌سابقه که جایگاه او را تثبیت کرد.

او وصیت کرد که در حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام دفن شود؛ زیرا شرافت آن جا را هم سنگ کربلا می‌دانست. امام خمینی ره نیز پس از بازگشت به ایران، مستقیماً بر سر مزار این «حُرّ» تاریخ معاصر حاضر شدند. جمله حک شده زیر عکس طیب خلاصه‌ای از تمام زندگی اوست:

«به خدا من این سید را نمی‌شناسم؛ اما با بچه حضرت زهرا (ع) در نمی‌افتم».^۱

جهاد و مبارزه باعث هدایت طیب حاج‌رضایی و بسیاری از افراد در طول تاریخ شده است. هر کس اهل جهاد در راه خدا و برای رضای او باشد، خداوند راه‌های هدایت و پیشرفت را برای او باز خواهد کرد.

یک رمز ساده برای کاری بزرگ

شهید «طهرانی‌مقدم» که تمام عمرش را در حال جهاد با دشمنان خدا بود، هر جا به بن بست می‌رسید، با توسل به حضرت زهرا (ع) آن بن بست گشوده می‌شد. سردار شهید حاجی‌زاده می‌گوید:

یک روز، یک مسئولیت بسیار بزرگ و سنگین به دوش من افتاد. کاری بود که قرار بود برای اولین بار در کشور انجام شود؛ اما مشکل بزرگ ما این بود که نه فناوری‌اش را داشتیم، نه مقدمات و امکاناتش فراهم بود. واقعاً انجام آن به نظر ناممکن می‌رسید.

در آن روزها، شهید حسن طهرانی‌مقدم را دیدم. با او در مورد سختی کار صحبت کردم. او نگاهی به من انداخت و توصیه‌ای کرد که مسیر زندگی‌ام را عوض کرد. گفت: «می‌خواهی در این کار موفق شوی؟ کیست که نخواهد؟ پس کلیدش را خوب گوش کن: تمام نیروهایی که مسئول این کار هستند را جمع کن. دست‌های‌تان را در دست هم بگذارید و با هم عهد ببندید».

سپس دقیقاً گفت چه بگوییم:

«بگویید: خدایا، ما این کار را فقط برای رضای تو انجام می‌دهیم. هر ثواب و مهر موفقیتی که از این تلاش به دست آمد، آن را برای خودمان نمی‌خواهیم. می‌خواهیم آن را تقدیم کنیم به حضرت زهرا (ع). اگر این کار را بکنید، قطعاً موفق می‌شوید».

۱. به نقل از مرکز اسناد انقلاب اسلامی:



ما هم دقیقاً همین کار را کردیم.

بچه‌ها حسن طهرانی مقدم را خوب می‌شناختند و به حرفش ایمان داشتند. من پیغامش را به اعضای تیم رساندم و گفتم: دوستان! حاج حسن این را گفته است. اگر می‌خواهید موفق شویم، باید این عهد را ببندیم.» همه بدون چون و چرا قبول کردند. هیچ‌کس نگفت: حالا انجام می‌دهیم، ولی....

کار را با نیت کاملاً خالص شروع کردیم و خدا هم توفیقش را نصیب ما کرد. آن کار بزرگی که در ظاهر خیلی دشوار و حتی نشدنی به نظر می‌رسید، به لطف و یاری خدا و به برکت آن نیت پاک، به بهترین شکل ممکن به سرانجام رسید.^۱



1. <https://www.aparat.com/v/hhhkhx3>

آیه بیست و دوم

امان از اعتماد!

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ
فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾

سوره فاطر، آیه ۶

به یقین شیطان دشمن شماست؛
پس او را دشمن خود بگیرید.



سُورَةُ طٰهٍ

وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٤﴾
يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
وَلَا يَغُرَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿٥﴾ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ
عَدُوًّا لِمَا بَيْنَ يَدَيْكُمْ وَإِيَّكُمْ أُولُوا مَنْ أَوْلَى اللَّهُ الَّذِينَ
كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ
مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾ أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنْ
لَا يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدَى مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ
حَسْرَتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٨﴾ وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ
الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَمُنْقَلَبُهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَاهُ الْأَرْضَ
بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ ﴿٩﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا
إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ
يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ ﴿١٠﴾
وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا
وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ
وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١١﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

پیام آیه، یک فرمان قاطع است: شناخت شیطان (و متحدان دنیوی او) به عنوان «دشمن» و پرهیز مطلق از «اعتماد» به او. این آیه هشدار می‌دهد که تاریخ ثابت کرده که هر کس به دشمنش اعتماد کند، پشیمان خواهد شد.

یکی از ضربه‌هایی که همه انسان‌ها خورده‌اند، ضربه از جانب ابلیس و یاران اوست. هرگاه به شیطان یا به دشمن اعتماد کنیم، پشیمان خواهیم شد. در طول تاریخ، هیچ قومی پیدا نمی‌شود که به دشمنش اعتماد کرده باشد و پشیمان نشده باشد. موارد متعددی وجود دارد که هرگاه ملتی به دشمن خود اعتماد کرد، سرانجام پشیمان شد و از جانب این اعتماد لطمه خورد.

اعتماد مصدّق به آمریکا

مصدّق، انگلستان را دشمن می‌دانست؛ ولی نسبت به آمریکا بسیار خوش بین بود. وی همواره به کاخ سفید اعتماد داشت و از همان نخستین روزهای تأسیس جبهه ملی، هفته‌ای یک شب با «ویلز» مستشار سفارت آمریکا و دکتر «گرنی» و «ویشر» از اعضای سفارت دیدار می‌کرد؛ اما در نهایت آمریکایی‌ها با بدعهدی، نه تنها باعث سقوط وی شدند، بلکه غارت منابع ملی ایران را نیز آغاز کردند. مصدق در هفتم خرداد ۱۳۳۲، دو ماه و ۲۶ روز قبل از آن‌که با کودتای مشترک آمریکا و انگلیس سقوط کند، به «آیزنهاور» رئیس‌جمهور آمریکا نامه نوشت و از آمریکا درخواست وام کرد. او در بخشی از این نامه بالحنی آمیخته از خواهش نوشته بود:

«ملت ایران امیدوار است با مساعدت و همراهی دولت آمریکا، موانعی که در راه فروش نفت ایجاد شده است، برطرف شود. چنان‌چه رفع موانع مزبور برای آن دولت مقدور نیست، کمک‌های اقتصادی مؤثری فرمایند تا ایران بتواند از سایر منابع خود استفاده کند. در خاتمه، توجه موافق و اثربخش آن حضرت را به وضع خطرناک فعلی ایران جلب کرده و یقین دارم نکات این پیام را با اهمیتی که شایسته است، تلقی خواهند فرمود».

رئیس جمهور آمریکا پس از یک ماه تأخیر، درحالی که مصدق را یگانه امید غرب در ایران می خواند، به درخواست وی پاسخ منفی داد. این در حالی بود که «مک گی»، معاون وزارت خارجه، به نمایندگی از آمریکا قول پرداخت وامی ۱۲۰ میلیون دلاری را به مصدق داده بود. زمانی که مصدق بر اعتماد به آمریکا اصرار می کرد، آیت الله کاشانی کاملاً به بدعهدی آمریکا واقف بود و در مصاحبه با خبرنگار آمریکایی آژانس اینترنشنال به درستی اظهار کرده بود: «آمریکا تابه حال آن چه را به ایران وعده داده، انجام نداده است»^۱.

سرانجام مصدق به دلیل اعتماد به آمریکا، به جایی ختم شد که هیچ گاه تصور آن را نیز نمی کرد. آمریکا با یک کودتا، دولت او را سرنگون کرد.

اعتماد شاه به غرب

از بارزترین خودفروختگان عصر، بدون شک محمدرضا پهلوی است. وی در دوران حکومت خود، به تمام دول غربی بی نهایت خدمت کرد و سرانجام با نکبتی مثال زدنی از کشور گریخت و دست به دامان کشورهای غربی شد؛ ولی آن کشورها حتی اجازه ورود وی به کشورشان را نیز نمی دادند. محمدرضا پهلوی در بخش هایی از کتاب «پاسخ به تاریخ» که به قلم خود اوست، می نویسد:

«هنگامی که بریتانیا در ۱۹۶۸ قوایش را از شرق سوئز فراخواند، با شادمانی، بار حفاظت از خلیج فارس را به دوش گرفتم. برای ایفای وظایف جدیدمان، ایران می بایست به یک قدرت درجه اول نظامی تبدیل شود که قادر به حفظ پایگاه هایمان باشد. اعتماد داشتم به این که متحدان آمریکایی و بریتانیایی مان از این کوشش ها پشتیبانی می کنند. این اعتماد چقدر نابجا بود!»^۲.

ارتشبد «حسن طوفانیان» رئیس سازمان صنایع نظامی حکومت پهلوی در خاطرات خود می نویسد:

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی:

<https://irdc.ir/fa/news/313>

۲. محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ترجمه حسین ابوترابیان، ص ۴۱۸ - ۴۱۹.



«سالیوان، سفیر آمریکا به من گفت: اعلی حضرت تصمیم گرفتند از کشور بیرون بروند. خیلی ناراحت شدم. فوراً به محافظ و پیش خدمت گفتم: می خواهم بروم پیش شاه. رفتم پیش شاه و گفتم: تکلیف کردند به شما بروید؟ برای چه تکلیف کردند؟ یعنی چه؟ همین شکلی با او حرف زد. گفتم نمی توانند این ها تکلیف بکنند؛ نمی توانند. گفتم: اعلی حضرت! اگر می خواهید بروید، من باید با شما بیایم و نمی مانم. اعلی حضرت گفت: ببین. بمان این جا و برای ما روشن کن. ما که به انگلیس و آمریکا بد نکرده بودیم! چرا این ها این کار را با من کردند؟!»^۱

این حقارت تا آن جا ادامه داشت که حتی اجازه ورود شاه به آمریکا داده نشد. (اردشیر زاهدی) وزیر خارجه و داماد شاه در خاطراتش می نویسد:

«آقای هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه سابق آمریکا از افراد وفاداری بود که تقریباً هرروز به شاه در دو نوبت تلفن می زد. یک روز که من در کنار اعلی حضرت بودم و کیسینجر تلفن زد، شاه به او گفت: اکنون متوجه شده ام آمریکایی ها مردمی ناسپاس و نامرد هستند. من تمام عمرم را در خدمت به ایالات متحده آمریکا گذراندم و اکنون آمریکا حتی اجازه نمی دهد در یکی از بیمارستان های آن کشور بستری شوم!»^۲

شاه ایران در تیمارستان آمریکا!

حتی زمانی که آمریکایی ها اجازه ورود شاه به آمریکا را برای درمان دادند، او را در تیمارستان بستری کردند! فرح در این باره می گوید:

«ما از نیویورک رفتیم به تگزاس. اول ما را به یک جایی بردند که بیمارستان بود. بعد از مدتی من فهمیدم که این جا یک بیمارستان روانی است. توی یک اتاقی گذاشته بودند که پنجره نداشت و پشت پنجره آجر کشیده شده بود. من در اتاقی بودم که درب ها دستگیره نداشت و پنجره هم جلوی من میله بود. من آمدم پنجره را باز کنم که

۱. خاطرات ارتشبد حسن طوفانیان، ص ۸۳.

۲. ۲۵ سال در کنار پادشاه، خاطرات اردشیر زاهدی، ص ۳۸۰.

یک مقدار نفس بکشم، یک پرستار مرد آمد و گفت نه! آن موقع شروع کرده بودند جمهوری اسلامی که پادشاه را تحویل بدهید تا ما اسیرها را آزاد کنیم. به هر صورت ترجیح دادند که ما در آمریکا نمانیم. رفتیم به پاناما»^۱.

خیانت آمریکا فقط مربوط به ایران نیست و کشورهای دیگری مانند فرانسه^۲، انگلیس و چین به آمریکا اعتماد کردند و بابت این اعتماد خود، متضرر گردیدند.

اعتماد شوروی به آمریکا

شوروی و آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم، جهان را به دو بلوک شرق و غرب تقسیم کرده بودند. این دو ابرقدرت اساساً با یکدیگر متضاد و در نزاع بودند. این دوران که از آن تعبیر به «جنگ سرد» می‌شود، به دیگر کشورهای متحد این دو ابرقدرت نیز سرایت کرده بود.

با روی کار آمدن «میخائیل گورباچف»، آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی، تفکر غرب‌گرا به بدنه دولت شوروی رسوخ کرد. گورباچف معتقد بود تا زمانی که تنش‌های شوروی با کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا ادامه داشته باشد، رسیدن به اقتصادی موفق و شکوفا ناممکن است؛ به همین دلیل اولویت خود را تنش‌زدایی و برقراری رابطه و مذاکره با آمریکایی‌ها قرار داد. اما با هر مذاکره‌ای، آمریکا پیمانهای قبل را نادیده گرفته و درخواست جدید ارائه می‌داد.

حضرت امام خمینی ره دو سال قبل از فروپاشی شوروی در نامه‌ای به گورباچف، خطر فروپاشی را - به جهت اعتماد به دشمن و عدم اعتقاد به خدا - پیش‌بینی کرده بودند. چند سال پیش گورباچف در مصاحبه‌ای گفت:

«مخاطبِ پیام آیت‌الله خمینی از نظر من همهٔ اعصار در طول تاریخ بود. زمانی که من این پیام را دریافت کردم، احساس کردم شخصی که این پیام را نوشته، متفکر و دلسوز برای سرنوشت جهان است. من از مطالعه این پیام استنباط کردم که او کسی است که برای جهان نگران

1. <https://www.oral-history.ir/print.php?id=1287>

2. mshrgh.ir/1274140

و مایل است من انقلاب اسلامی را بیشتر بشناسم و درک کنم. اگر ما
پیش‌گویی‌های آیت‌الله خمینی را در آن پیام جدی می‌گرفتیم، امروز
قطعاً شاهد چنین وضعیتی نبودیم».^{۲۱}



محتوای خود را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی

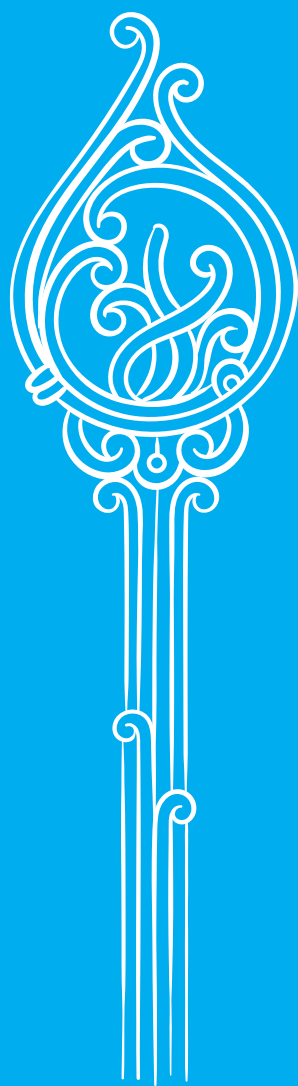


پادکست صوتی



تبیین آیه

۱. کرمی، نگاهی به پیام امام خمینی علیه السلام به گورباچف و واکنش‌ها و تحلیل‌های آن پس از سه دهه، ص ۱۵.
۲. جهت مطالعه بیشتر در آدرس زیر می‌توانید ۱۶ شاهد تاریخی از خیانت آمریکا حتی به هم‌پیمانانش را مطالعه نمائید: نشریه الکترونیکی مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ شماره ۲، شهریور ۹۵:



آیه بیست و سوم

نیم قرن بحران آفرینی

﴿وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾

سوره صافات، آیه ۱۷۳

و بی شک و بدون تردید، فقط لشکر ما پیروزند.



سُورَةُ الصَّافَّاتِ

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَنٌ مُبِينٌ ﴿١٥٦﴾
 فَأَتُوا بِكِتَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٥٧﴾ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ
 نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾ سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا
 يُصِفُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٠﴾ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾
 مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ﴿١٦٢﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ﴿١٦٣﴾ وَمَا مَنَّا إِلَّا
 لَهُ، وَمَقَامٌ مَعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ ﴿١٦٥﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ﴿١٦٦﴾
 وَإِنْ كَانُوا يَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾ لَو أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦٨﴾ لَكُنَّا
 عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٩﴾ فَكَفَرُوا بِهِ ۖ فَسُوفَ يَعْمَلُونَ ﴿١٧٠﴾ وَلَقَدْ
 سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿١٧٢﴾
 وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿١٧٣﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ ﴿١٧٤﴾ وَأَبْصَرَهُمْ
 فَسُوفَ يُبْصَرُونَ ﴿١٧٥﴾ أَفَبِعَدَابِنَا يُسْتَعْجَلُونَ ﴿١٧٦﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ
 فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ﴿١٧٧﴾ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ ﴿١٧٨﴾ وَأَبْصَرَ
 فَسُوفَ يُبْصَرُونَ ﴿١٧٩﴾ سُبْحَنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾
 وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٢﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سُورَةُ الصَّافَّاتِ

پیام آیه

این آیه، یکی از «وعددهای قطعی خدا» در قرآن است، مبنی بر پیروزی و غلبه نهایی جبهه مؤمنین (جُنْدَنَا). این یک امید نیست؛ بلکه یک خبر قطعی از آینده است که خداوند تضمین کرده است.

آیه «وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» یکی از جمله‌های مهم قرآن است که خبر پیروزی نهایی جبهه مؤمنین را نه به عنوان یک آرمان یا امید، بلکه یک قانون قطعی و وعده معتبر خداوند معرفی می‌کند. تأکید آیه بر آن است که این وعده، تخلف‌ناپذیر و مشروط به اصالت ایمان و حرکت زیر پرچم الهی و نصرت قرآن و اسلام است. پیام این وعده برای جامعه ایرانی و نسل انقلاب تربیتی است: امید نهایی و ضمانت در سخت‌ترین چالش‌ها.

پیروزی حتمی زیر پرچم قرآن

رهبر انقلاب در بیاناتشان بارها تأکید کرده‌اند که وعده نصرت و پیروزی، مشروط به حرکت ملت زیر سقف نظام اسلامی و پرچم قرآن است و تضمین قطعی پیروزی را از جانب خدا اعلام کرده‌اند:

«وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۱؛ خدای متعال نصرت را برای ملت ایران در ذیل نظام اسلامی و زیر چتر قرآن و اسلام تضمین کرده که ملت ایران حتماً پیروز خواهد شد.^۲

این تعبیر رهبری، دقیقاً مطابق اصل آیه شریفه است و پایه امید و حرکت در جامعه می‌شود.

نیم قرن بحران آفرینی دشمن و نیم قرن نصرت الهی

نگاهی مستند به چالش‌های نیم قرن اخیر میان اسلام و استکبار و نمونه‌های قطعی پیروزی را می‌توان بهترین مصادیق نصرت حقیقی الله دانست. بیایید نگاهی به چالش‌های این نیم قرن بین اسلام و استکبار بیندازیم و ببینیم که در این چالش‌ها چه کسی زیر چتر قرآن و اسلام پیروز شده است:

۱. حج، ۴۰.

۲. بیانات در دیدار مسئولان قوه قضائیه، ۱۴۰۴/۰۴/۲۵.

۱. پیروزی مقابل طاغوت

در جریان انقلاب اسلامی، ملت ایران با رهبری امام خمینی (ره) و تکیه بر ایمان خود، رژیم وابسته پهلوی را سرنگون و جمهوری اسلامی ایران را پایه‌گذاری کرد. این روند با وجود تمام فشارهای داخلی و خارجی از سوی استکبار جهانی و تهدیدها، با اتکا به همین وعده الهی محقق شد.

۲. تجزیه طلبی‌ها

پس از انقلاب، گروه‌هایی در مناطق مختلف ایران از جمله کردستان، آذربایجان، ترکمن صحرا و خوزستان با حمایت دولت‌های بیگانه به تجزیه طلبی روی آوردند؛ اما با همت نیروهای مردمی و محوریت سپاه و بسیج و اراده ملی، این فتنه‌ها به سرعت خاموش شد و وحدت ملی تثبیت گردید.

۳. تسخیر لانه جاسوسی

تسخیر سفارت آمریکا در تهران توسط دانشجویان انقلابی در سال ۱۳۵۸ نه تنها یک شکست برای استکبار جهانی بود، بلکه استقلال و اقتدار ملت ایران را رقم زد. این حرکت به عنوان «انقلاب دوم» شناخته شد و سند اصالت پیروزی جبهه مؤمنان بود.

۴. هشت سال جنگ تحمیلی

در جنگ هشت ساله، نیروهای ایرانی با ایمان و توکلی بی‌نظیر، در مقابل ارتش عراق و حمایت همه جانبه قدرت‌های شرقی و غربی ایستادگی کردند. داستان‌های بی‌شمار از سلحشوری، فداکاری و معجزات میدانی در خاطرات سردار سلیمانی و دیگر فرماندهان نقش آفرین در دفاع مقدس ثبت شده است. پیروزی‌های بزرگ، عملیات‌ها و دفاع از میهن سند تحقق وعده الهی است. نمونه‌هایی مانند عملیات‌های پیروز فتح‌المبین، کربلای ۵، والفجر ۸ و کربلای ۱ هر کدام جلوه‌هایی از تحقق وعده خداست.

۵. غائله مجاهدین خلق

در سال‌های ابتدایی انقلاب، غائله مجاهدین خلق و دیگر گروه‌های مسلح، با

ائتلاف نیروهای مردمی و سپاه سرکوب شد. سال‌ها بعد این اتحاد و ایمان باعث شد کشور از تهدید ترور و آشوب نجات یابد.

۶. جنگ نفتکش‌ها

در اواخر دوران جنگ تحمیلی، حملات گسترده به نفت‌کش‌های ایران توسط عراق و حمایت استکبار جهانی، با پاسخ هوشمندانه و تقویت قوای دریایی کشور، شکست خورد و اقتصاد کشور حفظ شد.

۷. جنگ اقتصادی و تحریم‌ها

«ریچارد نفیو»^۱، معمار تحریم‌های ایران در کتاب «هنر تحریم‌ها» بارها اعتراف کرده که تاب‌آوری و مقاومت ملت ایران، حتی شدیدترین سازوکارهای تحریمی را کم‌اثر کرده و هم‌چنان اقتصاد کشور سرپا مانده است. او می‌نویسد:

ضمن این‌که ظرفیت آمریکا نیز نامحدود نیست و تعداد تحریم‌های اعمال‌شده و اولویت‌های اعمال آنها که از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ وجود داشت، گاهی آن‌قدر زیاد بود که اعمال‌کنندگان و اجراکنندگان از پس اجرای همه آن‌ها برنمی‌آمدند. اگر دولت او باما می‌خواست در آسیب‌رساندن به اقتصاد ایران پیشرفت بیشتری داشته باشد، این آسیب‌رسانی می‌بایست با ابزارهایی اتفاق می‌افتاد که عملاً بر مردم ایران نیز تأثیر می‌گذاشت و به تبع آن بر اقتصاد جهانی تأثیرگذار می‌بود؛ چرا که ایران تأمین‌کننده روزانه یک میلیون بشکه نفت بود. ایران عملاً توانست حضور خود و کالاهای غیرنفتی‌اش در این بازارها را به صورت مستقیم بر اثر تحریم‌ها افزایش دهد؛ یعنی تحریم‌هایی که توانایی این کشور برای صادرات یک کالا (نفت) را محدود کرده بود، به توسعه توانایی ایران در کالاهای دیگر انجامید. پس این‌جا بالاتر از نشان دادن استقامت، ایران توانسته بود از طوفان تحریم‌ها نیز بگریزد.^۲

1. Richard Nephew.

۲. نفیو، هنر تحریم‌ها، نگاهی از درون میدان، ص ۹۱.

۸. پیروزی‌های منطقه‌ای (جنگ ۳۳ روزه لبنان، شکست داعش، جنگ ۱۲ روزه)

جنگ ۳۳ روزه حزب الله لبنان با اسرائیل نشان داد، مقاومت مؤمنانه باعث شکست ارتش رژیم صهیونیستی شد و آزادی جنوب لبنان محقق گردید. نابودی داعش به فرماندهی شهید حاج قاسم سلیمانی و هم‌پیمانان ایران، منطقه را از بحران نجات داد و پرچم خلافت تروریستی پایین آمد. جنگ ۱۲ روزه اخیر غزه باعث شد جبهه مقاومت بار دیگر طلسم شکست‌ناپذیری ارتش اسرائیل را بشکند و ملت فلسطین با وجود تلفات سنگین، پیروزی بزرگی در میدان دیپلماتیک و سیاسی رقم بزند. نامه تاریخی حاج قاسم سلیمانی به رهبر انقلاب پس از شکست داعش، اعلام پایان فتنه گروه تروریستی داعش و تحقق وعده الهی در میدان.

پایان فتنه داعش و نامه سردار سلیمانی به رهبر انقلاب

سردار سرلشکر پاسدار حاج قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی نامه‌ای به محضر رهبر انقلاب اسلامی، پایان سیطره شجره خبیثه داعش را اعلام و این پیروزی بزرگ را به حضرت آیت الله خامنه‌ای و جهان اسلام تبریک گفته است. بخشی از این نامه، به شرح زیر است:

در این حادثه، جنایات بسیار دردناکی که غیرقابل نمایش است رخ داد؛ از جمله: سربردن کودکان یا پوست‌کندن زنده زنده مردان در مقابل خانواده‌های خود؛ به اسارت گرفتن دختران و زن‌های بی‌گناه و تجاوز به آنان، سوزاندن زنده زنده افراد و ذبح دسته جمعی صدها جوان. مردم مسلمان این کشورها متحیر از این طوفان مسموم، بخشی گرفتار خنجرهای برنده جنایتکاران تکفیری گردیدند و میلیون‌ها نفر دیگر خانه و کاشانه خود را رها کرده و آواره شهرها و کشورهای دیگر شدند... آن‌چه پس از لطف خداوند سبحان و عنایت خاص رسول معظم اسلام ﷺ و اهل بیت گران قدرش علیهم السلام باعث شکست این توطئه سیاه و خطرناک گردید، رهبری خردمندانه و هدایت‌های حکیمانه حضرت مستطاب عالی بود... پیشانی شکر را

در مقابل پیشگاه خداوند قادر متعال به شکرانهٔ این پیروزی بزرگ بر زمین می‌سایم. ﴿وَمَا تَنْصُرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾.^۱

خاطره‌ای از دوران جنگ نفتکش‌ها

در سال‌های آخر جنگ تحمیلی، ایران تحت شدیدترین تهدیدات دریایی قرار داشت و نفتکش‌های کشورهای مورد هدف قرار گرفتند. یکی از کاپیتان‌ها روایت می‌کند: در پاییز سال ۱۳۶۶ با مخزن پر از نفت، با پرچم ایران وارد آب‌های خلیج فارس شدیم. هوا مه‌آلود بود و همگی نگران کمین گشتی‌های دشمن؛ اما دستور داشتیم مسیر را با پرچم ملی و ایمان به نصرت خدا طی کنیم. ناگهان موشکی به سمت کشتی شلیک شد، اما به طرز عجیبی اصابت نکرد. کسی گفت: «این همان وعده الهی است؛ جنرال الله پیروز است؛ حتی وقتی هیچ سپر دفاعی نداریم». نفتکش سالم به بندر رسید و سرود ملی در دل شب طنین انداخت.^۲

اعتراف دشمنان، از جمله آن چه «ریچارد نفیو» معروف به «معمار تحریم» در کتاب خود «هنر تحریم‌ها» آورده است و شهادت‌های رهبران مقاومت نظیر سید حسن نصرالله همگی نشان می‌دهد که زیر چتر قرآن و اسلام، جبههٔ مؤمنان حتی در نبود رهبران خود همواره پیروز است و وعده الهی هیچ‌گاه تخلف نکرده است.

اطمینان به آینده

مرور این چالش‌ها نشان می‌دهد که وعده قطعی ﴿وَإِنْ جُنْدَنَا لَهُمُ الْعَالَمُونَ﴾ نه تنها شعار، بلکه تجربهٔ مکرر نیم قرن اخیر ایران و جبهه مقاومت است. برای نسل امروز، این وعده امید فعالانه، منشور تربیتی و بسته‌ای از اصالت قدرت و نصرت الهی است که اطمینان کامل به آینده و مقاومت در دشوارترین بزنگاه‌ها را هدیه می‌کند.



محتوای خود را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی

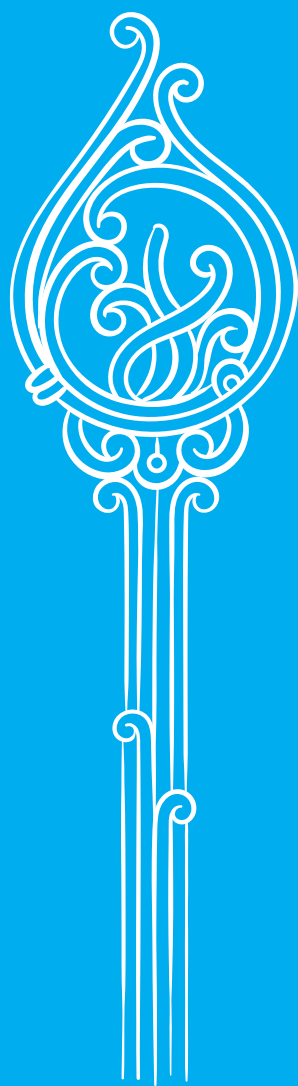


پادکست صوتی



تبیین آیه

- <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=38249>
- <https://www.aparat.com/v/g71v376>



آیه بیست و چهارم

از اروند تا امری

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ
اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ
أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا﴾

سوره فصلت، آیه ۳۰

بی تردید کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»،
سپس پای حرفشان ایستادند، فرشتگان بر آنان
فرود می آیند که: «نترسید و غمگین مباشید!»



إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ
 الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ
 الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلَىٰ وَكُفُّمُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا شِئْتُمْ أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ
 فِيهَا مَا تَدْعُونَ ﴿٣١﴾ نَزَّلًا مِنْ غُفُورٍ رَحِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ
 قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ
 الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ
 بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ
 وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا
 إِلَّا دُوحٌ عَظِيمٌ ﴿٣٥﴾ وَمَا يَنْزَعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ
 فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ
 اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ
 وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنْتُمْ
 إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِنْ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ
 رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿٣٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

اگر ما مقاومت داشته باشیم، خدای متعال ما را به صورت‌های مختلف یاری می‌کند. گاه این نصرت‌ها با آرامش و نیز بهشتی است که خداوند برای مؤمنان آماده کرده است، و گاه این نصرت و ارسال فرشتگان برای پیروزی در جنگ‌هاست؛ مانند آیه ۱۲۵ و ۱۲۶ آل عمران که خداوند مؤمنینی را که مقاومت کرده‌اند این‌گونه یاری می‌کند.

محاصره آمرلی، ایستادگی در برابر تروریسم

شهر «آمرلی» در استان صلاح‌الدین عراق، شهری شیعه‌نشین با جمعیتی حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر از ترکمان‌ها، در تابستان سال ۱۳۹۳ (ژوئن ۲۰۱۴) شاهد یکی از حماسی‌ترین مقاومت‌های تاریخ معاصر بود. این شهر کوچک که در ۲۴۰ کیلومتری شمال بغداد واقع شده، توانست ۸۱ روز در برابر محاصره کامل گروه تروریستی داعش ایستادگی کند.

وقتی داعش آمرلی را محاصره کرد، تمام راه‌های ورودی را بست و جریان آب، برق، غذا و دارو قطع شد. مردم برای رفع تشنگی مجبور به استفاده از آب‌های شور چاه‌ها شدند که همین امر باعث بیماری و مرگ بسیاری از کودکان و زنان شد. هلیکوپترهای ارتش عراق تنها چند نوبت موفق شدند از هوا کمک‌های غذایی و سلاح برسانند؛ اما این کمک‌ها به اندازه کافی نبود. داعش روزانه صدها موشک و خمپاره به سمت شهر شلیک می‌کرد و با استفاده از تانک‌ها و نفربرهای به غنیمت گرفته شده از ارتش عراق، بارها برای اشغال شهر حمله کرد. ۳۶ روستای اطراف آمرلی سقوط کرده بود و ساکنان آن‌ها با داعش بیعت کردند، اما مردم آمرلی تسلیم نشدند.

ساکنان آمرلی که به خوبی می‌دانستند تسلیم یا فرار به معنای قربانی شدن در کشتار وحشیانه داعش است، با تمام وجود مقاومت کردند. مردان شهر سلاح به دست گرفتند و زنان نیز دوشادوش مردان در دفاع از شهر شرکت کردند. شیرزنان آمرلی وقتی فرماندهان نیروهای داوطلب پیشنهاد دادند راهی امن برای خروج زنان و کودکان فراهم کنند، پاسخ دادند: «در قیامت چگونه جواب

خانم زینب (علیها السلام) را بدهیم؟!)) هیچ زنی حاضر نشد شهر را ترک کند. این ایستادگی به منطقه آمرلی لقب ((استالینگراد عراق)) را داد.

در ۹ شهریور ۱۳۹۳ (۳۰ آگوست ۲۰۱۴)، سرانجام محاصره آمرلی با عملیات مشترک ارتش عراق، نیروهای حشدالشعبی، پیشمرگه‌های کرد و با فرماندهی مستقیم سردار شهید قاسم سلیمانی شکسته شد. سردار سلیمانی در اوج محاصره و زمانی که شهر در محاصره کامل داعش بود، با یک بالگرد و در یک اقدام بسیار خطرناک از بالای سر نیروهای داعش گذشت و وارد شهر شد و با سازماندهی نیروها و طراحی یک عملیات دقیق، از سقوط شهر جلوگیری کرد. یکی از فرماندهان محلی نقل می‌کند:

وقتی از مقر فرماندهی در ارتفاعات «طوز خورماتو» با دوربین به آمرلی نگاه می‌کردند، سپهد سلیمانی گفت: «من آمرلی را نمی‌بینم، بلکه کربلای حسین (علیه السلام) را می‌بینم که اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) در محاصره قرار گرفته‌اند.» و وقتی دوربین را از چشمانش جدا کرد، صورتش خیس اشک بود.

در عملیات نهایی، در جنگی ۶ ساعته، ۶۲ تن از تروریست‌های داعش کشته و ۱۸ نفر دستگیر شدند. شکست حصر آمرلی اولین شکست بزرگ داعش در عراق و نقطه عطفی در مبارزه با این گروه تروریستی بود.^{۲۱}

عملیات والفجر ۸: عبور از ارونند خروشان در قلب زمستان

در ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ (۹ فوریه ۱۹۸۶)، یکی از باشکوه‌ترین و جسورانه‌ترین عملیات‌های تاریخ دفاع مقدس ایران آغاز شد. عملیات والفجر ۸ با هدف تصرف شبه جزیره فاو در جنوب عراق، عملیاتی بود که کارشناسان نظامی آن را غیرممکن می‌دانستند.

عبور از رودخانه ارونند یکی از دشوارترین چالش‌های نظامی بود. ارونند دارای جزر و مد شدید با اختلاف سطح حدود چهار متر بود. سرعت جریان آب گاهی به

1. <https://www.iribnews.ir/fa/news/3292723>

2. <https://www.aparat.com/v/kJH7K>

بیش از ۵۰ کیلومتر در ساعت می‌رسید. در هنگام جزر، نهرها کاملاً از آب خارج می‌شد و زمین باتلاقی و پر از گل و لای باقی می‌ماند.

سردار «حسین کارگر»، از فرماندهان بسیجی در این عملیات می‌گوید:

«غواصان می‌بایستی از قدرت بدنی بالایی برخوردار باشند تا

اسیر جریان آب نشوند. برای رسیدن به نقطه مقابل، می‌بایست ۳۰۰

الی ۴۰۰ متر آن طرف‌تر از هدف، خودشان را به آب می‌انداختند تا

بتوانند با تلاش زیاد، خودشان را به آن طرف رود برسانند».

میانگین سنی غواصانی که قرار بود ارونند را بشکافند، ۱۷ تا ۱۹ سال بود.

آن‌ها ماه‌ها در سرمای زمستان کنار رود بهمنشیر تمرین کردند. هنگامی که

به کنار آب سرد می‌رسیدند، تمام لباس‌های خود را درمی‌آوردند تا لباس‌های

اسفنجی و پلاستیکی غواصی را به تن کنند.

یکی از شاهکارهای این عملیات، فریب دادن ارتش عراق توسط سردار شهید

«علی هاشمی» بود. او برای جلب توجه نیروهای عراقی به منطقه هور، روزها

کامیون‌ها را از ستاد به سمت هور حرکت می‌داد و شبانه برمی‌گرداند. سنگرهای

زیادی در هور ساخت تا وانمود کند عملیات اصلی از آن‌جا خواهد بود. یکی از

فرماندهان عراقی بعداً اعتراف کرد:

«آن قدر تحرکات شما در هور زیاد شد که من مطمئن شدم

حمله از هور است. سه تیپ از نیروهایم را از فاو به هور منتقل کردم.

وقتی خبر دادند ایران به فاو حمله کرده، گفتم این فریب است! حمله

اصلی از هور است. ما تا سه روز منتظر حمله در هور بودیم، اما خبری

نشد. این اشتباه باعث شد فاو را از دست بدهیم».

زمان انجام عملیات، زمستان بود و هوا بسیار سرد. عملیات ساعت ۲۲ شب

با رمز «یا فاطمة الزهراء علیها السلام» آغاز شد. در این لحظه، معجزه‌ای رخ داد: تا عصر هوا

آفتابی و خوب بود، اما عصر ابرهای تیره آسمان را گرفت و باران شروع به باریدن

کرد. این باران باعث شد تا در ۲۴ ساعت اول هیچ هواپیمایی از سمت دشمن

نتواند پرواز کند و سروصداهای احتمالی در عبور از ارونند را پوشش داد.

یک روز قبل از عملیات، یک اتفاق وحشتناک رخ داد: یگان مهندسی اشتباهاً جاده را از بیرون نخلستان تا کنار ارونند احداث کرده بود؛ یعنی درست جلوی چشم عراقی‌ها. فرماندهان با دلی شکسته به خدا التماس کردند که عراقی‌ها جاده را نبینند. خوشبختانه دشمن هرگز متوجه آن نشد.

غواصان خط‌شکن در موج اول از معابر مختلف وارد عمل شدند. «جعفر طهماسبی» یکی از این غواصان می‌گوید:

شبانۀ از ارونند گذشتیم و با ایجاد ۴ معبر در موانع دشمن، خط اول را تسخیر کردیم». تقریباً در ساعت ۲:۳۰ پس از نیمه‌شب، تمام خط اول دشمن سقوط کرد.

یکی از خاطرات تکان‌دهنده این عملیات، فداکاری یکی از فرماندهان گروهانی از لشکر ثارالله است که خودش را روی سیم خاردار انداخت و به نیروهایش فرمان داد: «پا روی کمرم بگذارید و رد شوید».

صبح روز بعد، وقتی فرماندهان به منطقه رسیدند، همه شاد و خوشحال بودند و می‌گفتند: خدا فاو را آزاد کرد». عملیات والفجر ۸ که ۷۸ روز طول کشید، به یکی از موفق‌ترین عملیات‌های دفاع مقدس تبدیل شد و برای اولین بار منطقه‌ای از خاک عراق به تصرف نیروهای ایرانی درآمد.^۱

این دو ماجرا نمونه‌ای بارز استقامت، ایثار و هوشمندی در برابر دشمنان متجاوز است. آمرلی با ۸۱ روز مقاومت در سخت‌ترین شرایط، و عملیات والفجر ۸ با عبور از ارونند در قلب زمستان، هر دو نشان دادند که ایمان، اراده و هدایت الهی می‌تواند غیرممکن‌ها را ممکن کند.



محتوای خودت را بساز



شهادت‌آیه‌ها



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه

آیه بیست و پنجم

عشق فرامذهبی

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا
إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾

سوره شوری، آیه ۲۳

بگو: «مُزدی از شما [برای راهنمایی‌تان] نمی‌خواهم،
مگر مودّت و دوستی نزدیکانم.»



سُورَةُ الشُّورَى

ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ
 حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ
 افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِن يَشِإِ اللَّهُ يُخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ
 الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٢٤﴾
 وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ
 وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ
 شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾ * وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ
 وَلَٰكِن يُنْزِلُ بِقَدْرِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾ وَهُوَ
 الَّذِي يُنْزِلُ الْغَيْثَ مِّن بَعْدِ مَا قَطَرُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ ۖ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ
 ﴿٢٨﴾ وَمِن آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِن دَابَّةٍ
 وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذِ الشَّاءِ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ مِّن مُّصِيبَةٍ فَمَا
 كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ
 فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣١﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

دغدغه پیامبر ﷺ این است که مودّت خاندان ایشان در دل همه ما بماند. واقعیت این است که اهل بیت ﷺ همیشه مظهر وحدت بوده‌اند و خودشان بر این امر بسیار تأکید می‌کردند، پس نباید این عشق و علاقه به اهل بیت ما را به جایی برساند که خود اهل بیت راضی نباشند.

هیچ کار و سخنی از امیرالمؤمنین ﷺ نمی‌یابید که در آن نشانه‌ای از تفرقه باشد. نمونه‌اش نمازهایی است که حضرت علی ﷺ پشت سر خلفا می‌خواندند. یا توصیه امام صادق ﷺ به عیادت از مریض‌های آنان. این سیاست وحدت‌آفرین اهل بیت ﷺ اسلام را نیرومند کرد و باعث شد جلوی همه تفرقه‌هایی که دشمن مد نظرش بود، گرفته شود. برای همین، امروز هم مقام معظم رهبری موضوع وحدت را به عنوان یک اصل جلو می‌برند و محور این وحدت را اهل بیت ﷺ قرار می‌دهند.

خاطره وحدت شیعه و سنی در سفر به کشمیر (کارآمدی در ایجاد وحدت)

در سفر به کشمیر، آیت‌الله خامنه‌ای به ایراد سخنرانی و انجام مصاحبه مطبوعاتی در حسینیّه «بدگام» که در منطقه شیعه‌نشین «سیرینگر» در کشمیر قرار داشت، اقدام کردند. روز بعد نیز سخنرانی‌ای در حسینیّه همان منطقه ایراد فرمودند.

در همان روز (جمعه)، در نماز جمعه اهل تسنن در مسجد جامع سیرینگر شرکت کردند که ما از پیش، این برنامه را هماهنگ کرده بودیم. پس از نماز جمعه، مقام معظم رهبری حدود پانزده دقیقه سخنرانی کردند. ایشان در خلال سخنرانی، به طور مختصر به آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» اشاره نمودند و درباره وحدت مسلمین و اهمیت وحدت شیعه و سنی سخن گفتند.

اثرات این سخنرانی پانزده دقیقه‌ای در تاریخ کشمیر، بیش از نگارش ده‌ها کتاب و ماه‌ها سخنرانی بود. ما با چشم خود این اثرات را دیدیم. در تاریخ کشمیر، این نخستین بار بود که یک روحانی شیعه با شخصیتی جهانی به این کشور می‌آمد و در مسجد جامع اهل تسنن سخنرانی می‌کرد.

تا پیش از آن روز، میان شیعه و سنی درگیری و اختلاف شدیدی وجود داشت، اما پس از سخنرانی آقا، این امر رایج شد که شیعیان به راحتی وارد مساجد اهل تسنن می شدند و بدون هیچ ترسی، نماز را پشت سر امام جمعه اهل تسنن می خواندند.^۱

پیام آیه، معرفی «مزد رسالت» است که همان «مودّت اهل بیت (علیهم السلام)» **«الْمُودَّةُ فِي الْقُرْبَى»** می باشد. اما در نگاهی عمیق تر، این «مودّت» صرفاً یک پاداش نیست، بلکه «محور وحدت» برای امت اسلامی است.

تاریخ نشان می دهد که چگونه «مودّت اهل بیت (علیهم السلام)» در عمل، عامل وحدت شیعه و سنی بوده و هست.

۱. سیره تاریخی: خود ائمه (علیهم السلام) مانند امام علی (علیه السلام) (که پشت سر خلفا نماز خواندند) یا امام صادق (علیه السلام)، مظهر وحدت بودند.

۲. سیره معاصر: تلاش های وحدت آفرین رهبری در مناطقی مانند کشمیر.

۳. شهدای اهل سنت: مهم ترین حلقه وصل، وجود «شهدای اهل سنت» است.^۲ شهدای عالمی که ترور شدند، یا شهدای سنی که در دفاع مقدس یا در دفاع از حرم (که حرم اهل بیت است) شهید شدند^۳، ثابت می کند که «مودّت اهل بیت (علیهم السلام)» یک عشق فرامذهبی و نقطه اشتراک و وحدت عملی بین شیعه و سنی است.

گریه برای کودک

متن زیر، خاطره رهبرانقلاب درباره سیل ایران شهر در سال ۱۳۵۷ است؛ هنگامی که ایشان در آن منطقه در تبعید بودند.

... صبح روز بعد، به اتفاق آقای رحیمی و آقای راشد به بیرون شهر رفتیم تا خانه هایی را که سیل در دره شهر تخریب کرده بود، ببینیم. اتفاقاً همین خانه ها علت اصلی سیل در شهر بود؛ زیرا این شهر در طول تاریخ همواره در معرض باران بوده و آب باران از مسیر دره راه خود

1. <https://www.oral-history.ir/print.php?id=9835>

2. <https://navideshahed.com/fa/tags/9371/1>

<https://taghribnews.com/vdcdzf0skyt0nj6.2a2y.html>

3. mehrnews.com/xYGLW

را می‌گشوده و از شهر می‌گذشته و بنابراین شهر در گذر قرن‌ها سالم مانده است. به همین جهت هر ساخت و سازی در مسیر آن ممنوع بوده؛ زیرا موجب بسته شدن مسیر و سرازیر شدن آب به طرف شهر می‌گردیده است. اما عده‌ای که به دنبال زمین مجانی بودند، در این دژ خانه ساخته و در واقع دست به مخاطره زده بودند. هنوز هم برخی از این قبیل افراد در برخی شهرها چنین اقداماتی می‌کنند؛ اما توجه ندارند که از این راه نه تنها خود، بلکه همه شهر را به خطر می‌اندازند. به دره رفتیم و دیدیم خانه‌هایی که در آن جا ساخته بودند، همه خراب شده است. آن جا بودیم که دیدیم یک خانواده بلوچ (چند زن و یک مرد و چند کودک) از دور به طرف ما می‌آیند. بر دستان مرد، کودکی خوابیده بود و زنان گریه و زاری می‌کردند. وقتی نزدیک شدند، فهمیدیم کودک مرده است. این صحنه مرا عمیقاً تکان داد و با صدای بلند گریستم. من نسبت به کودکان و زنان حساسیت خاصی دارم. هیچ‌گاه نمی‌توانم کمترین آسیب و اهانتی را به یک کودک یا یک زن تحمل کنم. بارها به دوستانم گفته‌ام من برای قضاوت میان یک زن و مرد، مناسب نیستم؛ زیرا حتماً از زن جانب‌داری می‌کنم! و همین‌طور در مورد کودکان. من حتی طاقت این را هم ندارم که در فیلم ببینم کودکی دچار مصیبت می‌شود؛ لذا وقتی آن کودک را که در حادثه سیل جان داده بود دیدم، تحت تأثیر قرار گرفتم و عمیقاً گریستم. آن خانواده متوجه گریه و تأثر من شدند.

آقای راشد به من گفت: این‌ها وقتی دیدند شما بیش از خودشان متأثر شده‌اید، شگفت‌زده شدند. خبر گریه من [برای مصیبت این خانواده اهل سنت] میان بلوچ‌ها منتشر شد.^۱



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



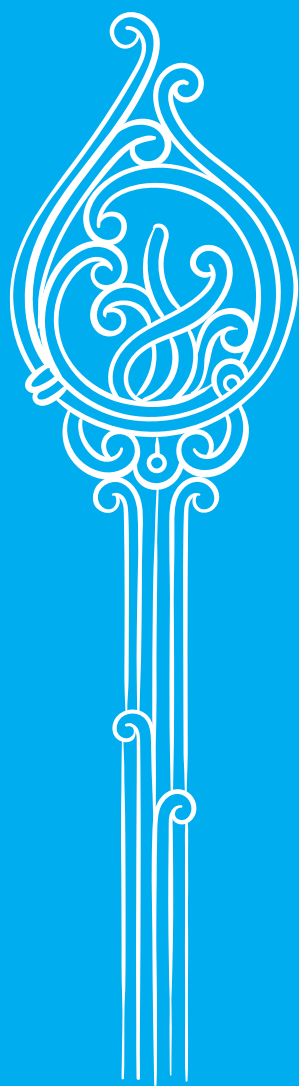
پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



آیه بیست و ششم

هزینه سازش

﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ
وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ﴾

سوره محمد، آیه ۳۵

پس هرگز [در نبرد با دشمن] سست نشوید و
[دشمنان را] به صلح [ذلت بار] دعوت نکنید؛
در حالی که شما برترید، و خدا با شماست.



سُورَةُ مُحَمَّدٍ

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَ هُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِمَتِهِمْ وَلَتَعْرِفَهُمْ فِي
لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ﴿٣١﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ
الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَنَّكُمْ أَخْبَارَكُمْ ﴿٣٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ
كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ
مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنَیْضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحِطُّ أَعْمَالَهُمْ
﴿٣٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ
وَلَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ
اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ﴿٣٥﴾ فَلَا تَهِنُوا
وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَن يَتِرَكُمْ
أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٦﴾ إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌّ وَلَهُوَ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا
يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلَكُمْ أَمْوَالَكُمْ ﴿٣٧﴾ إِنْ يَسْأَلْكُمْوهَا
فِي حِفْظِكُمْ تَبْخُلُوا وَيُخْرِجْ أَصْغَرَ كُمْ ﴿٣٨﴾ هَٰ أَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ
تُدْعُونَ لِتُبْخِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ
فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ
تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ ﴿٣٩﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

خداوند در این آیه خطاب به مؤمنان می‌فرماید: سست نشوید و در برابر دشمن تسلیم نگردید، چراکه شما پیروزید؛ زیرا خدا با شماست. این آیه یادآور می‌شود که در میدان نبرد نباید دچار ضعف یا سازش شد؛ چرا که تاریخ نشان داده است، دشمنان همواره در آستانه شکست، تلاش کرده‌اند شکست را به پیروزی بدل کنند. در ذیل چند مورد را مرور می‌کنیم:

سستی در جنگ صفین

یاران امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آستانه پیروزی کامل بودند، اما ناگهان دچار سستی شده و فریب درخواست صلح فریبکارانه (حیله قرآن بر سر نیزه) را خوردند. آنان با این اقدام، پیروزی حتمی را به شکست تبدیل کردند؛ واقعه‌ای که مصداق دقیق عمل نکردن به این آیه بود.

مقاومت و سازش؛ عبرتی از یاران مختار

سپاهیان مختار تا زمانی که با عزم راسخ می‌جنگیدند، پیروز قاطع بودند. یاران مختار در مقابل لشکر عظیم عبیدالله بن زیاد مقاومت کردند و با دادن کمتر از ۱۰۰۰ شهید، پیروز شدند. اما همین لشکر در مقابل سپاه مصعب بن زبیر شکست خورد و تسلیم شد، و در این نبرد بیش از ۷۰۰۰ نفر از آنان کشته شدند.

هزینه سازش بیشتر است یا ایستادگی؟

در طول مقاومت ۴۲ روزه عراق در برابر آمریکا (از ۱۹ آوریل تا ۳۰ مارس ۲۰۰۳)، شمار کشته‌های عراقی بین ۱۱ تا ۱۵ هزار نفر برآورد شد؛ یعنی به طور میانگین ۳۶۵ نفر در روز. اما در پنج سال نخست اشغال عراق (۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸)، شمار کشته‌ها به حدود یک میلیون نفر رسید، معادل ۵۴۸ کشته در روز.

این نشان می‌دهد عراق تا زمانی که مقاومت می‌کرد، تلفات روزانه اندکی داشت؛ اما پس از تسلیم و پذیرش صلح و سلطه کامل آمریکا بر این کشور، تلفات روزانه آنان در دوران صلح چندین برابر شد که ثابت می‌کند هزینه تسلیم و سازش بسیار بیشتر از مقاومت و چالش بود.^۱

1. <https://www.reuters.com/article/world/middle-east/iraq-conflict-has-killed-a-million-says-survey-idUSL30488579/>

اصل ثابت در نبردها

این را تجربه بارها ثابت کرده است؛ هر وقت در برابر سختی‌ها و مشکلات ایستادگی و مقاومت کنیم، دشمن ناچار به عقب نشینی می‌شود.

برکت‌آفرین

در دی‌ماه ۱۳۹۹، مجموعه «کوواکس» اعلام کرد که برای ارسال واکسن کرونا به کشورها آماده است و ایران نیز برای دریافت ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار دوز پیش‌پرداخت انجام داد. اما واکسن‌ها به ایران ارسال نشد.

دو ماه بعد، سازمان ملل اعلام کرد که به دلیل تحریم‌ها، روند ارسال واکسن به ایران با تأخیر انجام می‌شود. حتی شرکت‌های اروپایی نیز اظهار داشتند از ترس تحریم‌های آمریکا، نمی‌توانند واکسن بفروشند.

اما در ۲۴ خرداد ۱۴۰۰، با پایان موفقیت‌آمیز مرحله انسانی واکسن برکت و آغاز تولید داخلی آن، تنها سه روز بعد، وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد مانعی برای ارسال واکسن به ایران وجود ندارد. به این ترتیب، تولید واکسن برکت، بر واردات نیز «برکت» آورد.

در سراسر تاریخ، کسانی که راه مقاومت را برگزیدند، سربلند و عزیز شدند؛ و آنان که به سازش تن دادند، ذلیل و فراموش شده‌اند. در جنگ تحمیلی دوازده‌روزه نیز دشمن گمان می‌کرد ایران به سرعت تسلیم می‌شود و برای نابودی این سرزمین خود را مهیا کرده بود، اما مقاومت مردم و نیروهای مسلح مؤمن، دشمن را ناچار ساخت که تقاضای آتش‌بس دهد.



محتوای خود را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه

آیه بیست و هفتم

برای من ذره‌ای اهمیت نداشت

﴿لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ
وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾

سوره حدید، آیه ۲۳

[بدانید حوادث، پیش از وقوع، در کتاب تقدیر الهی
ثبت شده‌اند] تا بر آنچه از دستتان رفته، تأسف
نخورید، و به آنچه به شما داده است، مغرورانه
شادمان نگردید.



سُورَةُ الْحَٰزِنِ

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۖ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّٰدِقُونَ وَالشُّهَدَآءُ
عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا
بِعَٰيَتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١٩﴾ أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيٰوةُ
الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ
وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ
مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا ۚ وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ
مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ ۚ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمَتَعٌ الْغُرُورِ ﴿٢٠﴾
سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَآءِ
وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۚ ذَٰلِكَ فَضْلُ
اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ ۚ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢١﴾ مَا أَصَابَ
مِن مُّصِيبَةٍ فِی الْأَرْضِ وَلَا فِی أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِی كِتَابٍ مِّن
قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٢٢﴾ لِّكَيْلَا
تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا ءَاتَكُمْ ۚ وَاللَّهُ
لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ
النَّاسَ بِالْبُخْلِ ۖ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٤﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

افراد باایمان چون کار را برای خدا و رضای خدا انجام می دهند، نه از شکست مأیوس می شوند و نه از پیروزی مغرور، و آنان نه از داشتن یک مسئولیت مهم مغرور می شوند و نه به خاطر از دست دادن آن خشمگین می گردند.

مسئولیت بگیرد یا نگیرد، رأی بیاورد یا نیاورد

هنگامی که امام خمینی علیه السلام در راه بازگشت به ایران در هواپیما بودند، خبرنگار از ایشان می پرسد: چه حسی دارید؟ ایشان می فرمایند: «هیچ احساسی ندارم!»^۱

در آخرین لحظات عمر شریف امام خمینی علیه السلام یکی از بستگان به ایشان گفته بود که چیزی نیست و حال شما خوب خواهد شد. امام در پاسخ فرموده بودند: نه آمدنش چیزی هست و نه رفتنش چیزی هست و نه مرگش چیزی هست. هیچ کدام از این ها چیزی نیست.^۲

سر سوزنی پست و مقام برایش مهم نبود

آیت الله حائری شیرازی نقل می کند:

به آیت الله خامنه ای گفتم: دوره ریاست جمهوری تمام می شود؛ یعنی خرداد انتخابات است؛ شما بعد از ریاست جمهوری می خواهید چه کار کنید؟ گفت: می آیم قم، آخوندی می کنم. یک دفعه مثل کسی که چیزی به یادش بیاید، گفت: مگر این که امام من را نهد. گفت بعد از ریاست جمهوری اگر امام به من بگوید مسئول عقیدتی - سیاسی ژاندارمری یکی از روستاهای سیستان و بلوچستان بشوید، من تردید نمی کنم.^۳

1. <http://tarikhirani.ir/fa/news/5728>

۲. سبزیان، زندگی به سبک روح الله علیه السلام، ص ۱۱۵.

۳. به نقل از پایگاه نشر آثار و اندیشه های حضرت آیت الله حائری شیرازی:

<http://www.haerishirazi.com/?p=1159>

و البته تنها کسی که در مجلس خبرگان پشت تریبون رفت و مخالفت کرد با رهبری، خود ایشان بودند.

من به زندگی روستایی ام وابسته ترم تا پست و مقام!

آمده بود برای درمان دست مجروحش. تزریق را که شروع کردم، گفتم: حاجی، شایعه ها رو شنیدی؟ می گن اگه ایران قاسم سلیمانی رو تحویل بده، فلان می شه و بهمان؛ نظرت چیه؟
گفت: من سرباز ساده جمهوری اسلامی ام. نظام هر تصمیمی بگیره، تابعم.

گفتم: اگه یه روزی از این جایگاه و مقامی که دارید، کنار برید، چی؟ همان طور که داشت آستین پیراهنش را پایین می داد، نگاهم کرد و گفت: دکتر، من به روستای پدری و چوپانی وابسته ترم تا این پست و مقامی که شما می گی!

قبر ساده!

شخصی چند دقیقه یک نفس حرف زده بود و حاجی فقط گوش داده بود. خلاصه حرفش این بود که: حاجی! شما این قدر زحمت می کشید؛ اما قدرتون رو نمی دونن... وقتی ساکت شد، حاجی در جواب گفت: شما چرا ناراحتی؟! من یه سربازم. نهایتش می گن برو جای دیگه نgebانی بده، من هم می گم چشم. این که ناراحتی نداره!
او یک عمر، خودش را سرباز می دانست؛ سرباز ولایت، سرباز مردم، سرباز سپاه، سرباز نظام و سرباز این مرزوبوم. دلش می خواست با همین نام هم در تاریخ بماند. توی وصیت نامه اش نوشته بود:

همسرم! من جای قبرم را در حرم شهدای کرمان مشخص کرده ام.
محمود می داند. قبر من ساده باشد؛ مثل دوستان شهیدم. بر آن کلمه «سرباز، قاسم سلیمانی» بنویسید، نه عبارت های عنوان دار.^۲

۱. طهماسبی و دیگران، سلیمانی عزیز، ج ۲، ص ۱۸۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۳۰.

برای من ذره‌ای اهمیت نداشت

آیت‌الله رئیسی معاون اول قوه قضائیه بود و مدتی بعد به سمت دادستان کل منصوب شد. از جهت جایگاه، معاونت بالاتر از دادستانی است. حاج آقا تعریف می‌کرد: روزهای اولی که توی دادستانی بودم، هر کس پیشم می‌آمد، ابراز همدردی می‌کرد و می‌گفت: عیبی ندارد؛ ناراحت نباشید! مثلاً می‌خواستند به خاطر پایین آمدن رتبه مسئولیت‌م دلداری بدهند؛ درحالی‌که برای من ذره‌ای اهمیت نداشت. من با جان و دل رفته بودم کارم را انجام بدهم.^۱

این حقایق تاریخی به وضوح نشان می‌دهد که در مکتب این افراد، «مسئولیت» نه یک «غنیمت» (بِمَا آتَاكُم) که باعث غرور شود، و نه یک «ملک شخصی» (مَا فَاتَكُم) که از دست دادنش موجب تأسف گردد، بلکه صرفاً یک «وظیفه» بوده است و وظیفه، یعنی «سنگینی مسئولیت»، نه «لذت قدرت». نگاه مبتنی بر وظیفه، پست و مقام را یک «بار امانت» سنگین می‌بیند، نه یک «فرصت» برای لذت و غرور. وقتی حاج قاسم می‌گوید به چوپانی وابسته‌تر است، یعنی «قدرت» برای او لذت بخش و مایه «فرح» (شادی مغرورانه) نیست، بلکه یک «سربازی» پر زحمت است.

کسی که مقام را «وظیفه» می‌بیند، از آن فرار می‌کند (مانند مخالفت خود آیت‌الله خامنه‌ای در مجلس خبرگان)، مگر آن‌که آن وظیفه برایش «تکلیف» شود.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



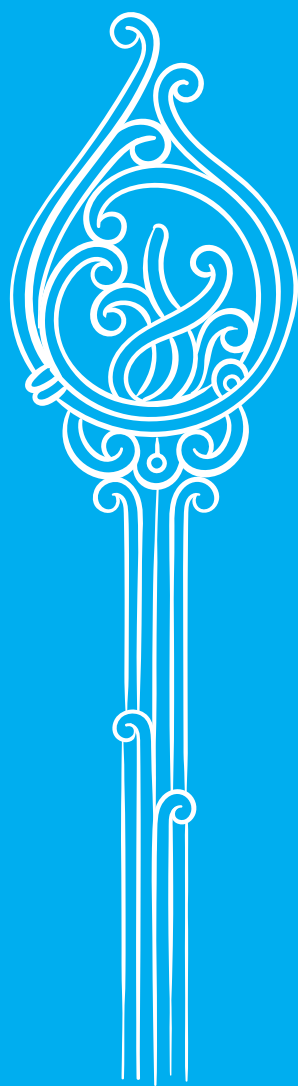
پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



آیه بیست و هشتم

دست الهی

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ
يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ
يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾

سوره طلاق، آیه ۲-۳

و هرکس تقوای الهی پیشه کند، خدا راه نجات [از
مشکلات] را پیش پایش می‌گذارد، و به او از جایی که
فکرش را نمی‌کند، روزی می‌دهد، و هرکس به خدا
توکل کند، او برایش کافی است.



سُورَةُ الطَّلَافِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ
وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ
يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ
فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ﴿١﴾
فَإِذَا بَلَغَ أَجْلُهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ
وَأَشْهِدُوا ذَوْيَ عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعَظُ
بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ
مَخْرَجًا ﴿٢﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
فَهُوَ حَسْبُهُ وَإِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ
قَدْرًا ﴿٣﴾ وَالَّتِي يَدِيسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِّسَائِكُمْ إِنْ
أَرْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَالَّتِي لَمْ يَحْضَنْ وَأُولَتْ
الْأَحْمَالِ أَجْلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ
يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ﴿٤﴾ ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَى كُمْ
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا ﴿٥﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

تقوا و توکل کامل بر خداوند، شاه‌کلید غلبه بر تنگناها و بن‌بست‌های زندگی است. خداوند وعده داده است که هر کس در شرایط سخت، خط‌قرمزهای الهی را رعایت کند و توکلش تنها بر او باشد، او را کفایت کرده، از جایی که گمان نمی‌برد، راه‌حل و روزی‌اش را می‌رساند. این سنت تخلف‌ناپذیر الهی است؛ از نجات موسی از نیل و ابراهیم از آتش، تا الهام پیروزی به رزمندگان در دفاع مقدس. رمز پیروزی، توکل است، نه تسلیم شدن.

دست‌الهی در کشف کودتای نوژه

ماجرای لو رفتن کودتای «نوژه» در ۱۳۵۹ از رویدادهای حساس پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. این کودتا که با نام «عملیات نقاب» نیز شناخته می‌شود، طرحی بود برای سرنگونی جمهوری اسلامی تازه‌تأسیس به رهبری نیروهایی از ارتش سابق و وابستگان نظام پیشین.

بر اساس روایت‌های تاریخی، بخش مهمی از نقشه کودتا از طریق لو رفتن گفت‌وگویی در یک تاکسی فاش شد.

یکی از افسران یا افراد درگیر، در مسیر رفتن به پایگاه نوژه (پایگاه سوم شکاری همدان)، در یک تاکسی درباره طرح و محل تجمع نیروها صحبت می‌کند و راننده که از محتوای گفت‌وگو مشکوک می‌شود، موضوع را به نیروهای انقلابی گزارش می‌دهد. همین هشدار باعث شتاب گرفتن عملیات شناسایی شد و نیروهای امنیتی پیش از اجرای طرح، کودتاگران را بازداشت کردند و در نتیجه، عملیات قبل از آغاز رسمی خنثی شد. ماجرای لو رفتن در تاکسی بعدها به عنوان یکی از نمونه‌های معروف «اتفاقات تصادفی اما سرنوشت‌ساز» در تاریخ سیاسی ایران شناخته شد.

حضرت امام علیه السلام در تاریخ ۲۰ تیر ۱۳۵۹ و بعد از کشف کودتای نوژه ماجرای دیگری که همزمان با ماجرای قبل اتفاق افتاده را نقل می‌کنند که نصرت الهی را به همه نشان می‌دهد:

همین امروز هم یکی از علمای جماران آمد و قصه‌ای را نقل کرد که از آن قصه هم من فهمیدم که عنایت خدا با ماست. ایشان فرمودند که یک خانه‌ای را ظاهراً در شمیرانات، این آقایانی که در کمیته بودند و پاسدارها و این‌ها، به عنوان این که شنیده بودند این جا قمارخانه است، رفته بودند به عنوان این که در این قمارخانه را ببندند. وقتی هم رفتند، دیدند که بله، بساط قمار و مشروبات و این‌ها هم هست. یکی از پاسدارها رفته است پشت آن جا که برود ببیند آن جا چه خبر است، یک سگی همچو حمله کرده به او که او را وادار کرده که برود در زیرزمین. وقتی رفته در زیر زمین [دیده] یک مقدار زیادی اسلحه و امثال ذلک زیاد [هست]، که شاید بعد در رادیو و این‌ها اطلاع بدهند به ملت. گفتم به آن آقا، با هدایت سگ این واقع شده! این سگ مأمور است. همه عالم مأمورند. آن روز باد و شن مأمور [اشاره به واقعه طبس] بود، امروز هم در این قصه سگ مأمور بوده است که آقا را، این پاسبان را ملزم کند که برود کشف بکند.^۱

به روشنی ثابت می‌شود که هر کس تقوا داشته باشد، این گونه از راهی که تصور نمی‌شود، خدا او را یاری خواهد کرد. گاه یاری خدا به این صورت است که وقتی جبهه حق در بن بست قطعی قرار بگیرد، با عنایتی همه قفل‌ها باز می‌شود. در عملیات خیبر، لحظاتی فرا رسید که نیروهای ایرانی در جزیرهٔ مجنون کاملاً در محاصره دشمن قرار گرفتند و تعداد آن‌ها بسیار کم بود. با وجود کمبود نیرو و تجهیزات، دشمن موفق نشد جزیره را تصرف کند. شهید «مهدی زین الدین» فرمانده لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب (علیه السلام) در مصاحبه‌ای بیان می‌کند که این موفقیت، نتیجه رعب و وحشتی بود که خداوند در دل دشمنان انداخت و امدادهای غیبی و حضور ملائکه نقش کلیدی داشت. حتی نیروهای خودی متوجه شلیک آرپی چی از مناطقی شدند که در واقع نیرویی حضور نداشت و این نشانه‌ای از یاری غیبی الهی بود. شهید زین الدین در پایان تأکید می‌کند:

حفظ جزیره مجنون نه به تعداد نیرو، بلکه به اراده الهی وابسته بود. یقیناً ملائکة الله و امدادهای غیبی خداوند ما را در آن جا نگه داشته و از آن لحظه در آن روز یقین حاصل کردیم که خداوند اراده کرده تا جزیره مجنون را حفظ کند. چه نیروی زیاد و چه کم به کار ببریم، تأثیری ندارد؛ چون نیرویی است که بنابر حفظ جزیره گرفته و قلب ما قوت گرفت، و این ایمان باعث مقاومت تا شب شد و دشمن نتوانست حمله مؤثری انجام دهد.

این روایت، نمونه‌ای از تأثیر توکل، ایمان و امدادهای آسمانی در موفقیت‌های رزمندگان اسلام است.^۱



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی

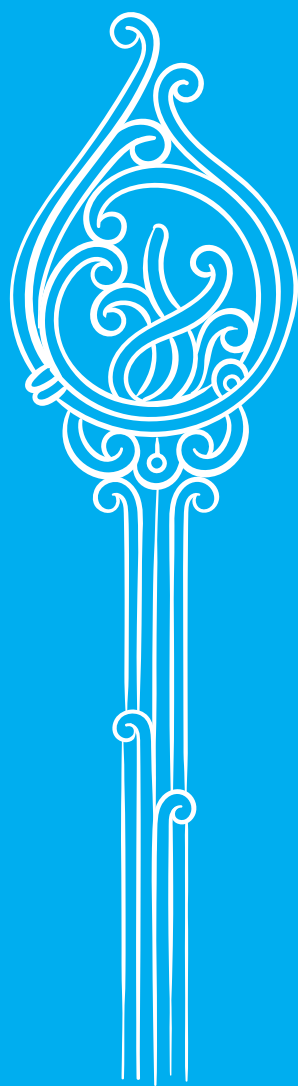


یادکست صوتی



تبیین آیه

1. <https://farsnews.ir/Culture/1627418100000455162>



آیه بیست و نهم

انیس خلوت‌ها

﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾

سوره مزمل، آیه ۲۰

هرچه قدر برایتان میسر است، قرآن بخوانید.



سُورَةُ الزُّمَرِ

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنُصْفَهُ، وَثُلُثَهُ، وَطَائِفَةٌ
مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّنْ نَّحْصُوهُ فَتَابَ
عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَّرْضَىٰ
وَأَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ
يَقْلِبُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا
الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تَقَدَّمُوا لِيَ أَنفُسِكُمْ مِن خَيْرٍ مِّثْلُوه
عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٠﴾

سُورَةُ الْمَدَّثَرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمَدَّثَرُ ﴿١﴾ قَرَأْنِذِرٌ ﴿٢﴾ وَرَبِّكَ فَكَبِّرُ ﴿٣﴾ وَيَا بَاكَ فَطَهِّرُ ﴿٤﴾
وَالرَّجْزَ فَاهْجُرُ ﴿٥﴾ وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْبِرُ ﴿٦﴾ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرُ ﴿٧﴾ فَإِذَا نُقِرَ
فِي النَّاقُورِ ﴿٨﴾ فَذَلِكَ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿٩﴾ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴿١٠﴾
ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ﴿١١﴾ وَجَعَلْتُ لَهُ مَا لَمْ مَدُّودًا ﴿١٢﴾ وَبَيْنَ
شُهُودًا ﴿١٣﴾ وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ﴿١٤﴾ ثُمَّ يَطْمَعُ أَن يَزِيدَ ﴿١٥﴾ كَلَّا إِنَّهُ
كَانَ لَا يَتَنَبَّأُ عِندَنَا ﴿١٦﴾ سَاءَ رُفْقَهُ، وَصَعُودًا ﴿١٧﴾ إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

این آیه چنین پیامی دارد: که هر قدر که توانستید، قرآن بخوانید. این تأکید بر اُنس تدریجی و آسان با قرآن است. هدف مهم نه کمیت محض، بلکه استمرار و ارتباط روزانه با کتاب آسمانی است. هر انسان در فراز و نشیب‌های زندگی می‌تواند بخشی از قرآن را به اندازه توان خود، مونس و راهنمای خود سازد. این فرمان الهی، حلقه اتصال تک‌انسان‌ها به معارف عمیق قرآن را ایجاد می‌کند؛ چه کودک باشیم، چه مبارز، چه دانش‌آموخته و چه خسته زندان. هر کس می‌تواند با قرآن به آرامش، امید و معرفت برسد و این واقعیت در داستان‌های زندگی رهبر انقلاب جلوه دارد.

قرآن، آرامش شب‌های زندان

در روزهای مبارزه و حبس، قرآن یار و آرام‌بخش رهبر انقلاب بود. نقل شده است: زمانی که ایشان در زندان نظامی مشهود بودند، همه وسایلشان را گرفتند؛ اما با درخواست مصرّانه اجازه دادند قرآن در کنار ایشان باشد. در سلول‌های تاریک، شب‌ها قرآن می‌خواندند و با آیات آرام‌بخش آن، هم‌سلولی‌ها را تسلّی می‌دادند؛ حتی برای روحانی مقاومتی چون موسوی قوچانی، تلاوت آیات رهبر، تنها راه تسکین دردهایش بود. ایشان با تأمل در آیات ویژه، زخمش را مرهم می‌نهاد.^۱

جلسات تفسیر قرآن در مشهد؛ جدالی با محیط‌های سخت

در دوران پیش از انقلاب، رهبر انقلاب در مشهد جلسات تفسیر قرآن برگزار می‌کردند. بسیاری از جوانان با وجود فضای خانواده‌های مخالف و محیط ارتجاعی خانواده، با عشق به قرآن و تفسیر، در جلسات ایشان حاضر می‌شدند. حتی یک بار پدر مخالف یکی از شاگردان، به منزل آمد تا علت حضور فرزندش را بپرسد؛ اما تأثیر معنوی و کشش قرآن، خانواده را نیز نرم کرد. این خاطرات نشان می‌دهد که حتی جدال با محیط سخت، با نور قرآن ممکن است.^۲

۱. گزارشی درباره فعالیت‌های قرآنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/others-report?id=23184>

2. <https://www.khabaronline.ir/news/1422589>

تفسیر و تدبر؛ محور جلسات عمومی

در مسجد «کرامت» و دیگر مساجد مشهد، رهبر انقلاب پس از سخنرانی، صندلی ویژه‌ای برای قاری قرآن می‌گذاشت و تأکید داشت «حرف من، مقدمه برای تلاوت قرآن است.» آیاتی را که خود پیش‌تر تفسیر کرده بود، انتخاب می‌کردند تا همه بفهمند: اصلی جامعه قرآن است و زندگی بدون ارتباط و تدبر با قرآن معنا ندارد.^۱ آیه «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» پیام استمرار و آسان‌گیری در تلاوت و انس با قرآن است. رهبر انقلاب این پیام را، هم در سختی‌ها (زندان و فشار محیط)، هم در نشاط کودکی، هم در جلسات مبارزاتی و عمومی، به صورت عملی آموخت و آموزش داد. خاطرات واقعی نشان می‌دهد که قرآن نه تنها کتابی برای کسب معرفت، بلکه یار شب‌های تنهایی، عامل تربیت روح و محور تحول اجتماعی و فرهنگی است. این حکایت‌ها نه روایتی صرف، بلکه مدارک مستند از زندگی شخصی و اجتماعی رهبر انقلاب است. این‌ها بستری برای تدبر عمیق‌تر در قرآن و فهم پیام آیه هستند.^۲

قرآن، انیس خلوت‌ها

انس آیت‌الله رئیسی با قرآن بسیار عجیب بود:

خلوتی اگر گیر می‌آوردند، مشغول دعا و قرآن خواندن می‌شدند؛ دقیقاً همان موقع‌هایی که وقت خوبی برای استراحت کردن بود. مسیرهای طولانی داخل هواپیما از آن جمله بود. آخرین سفر استانی، موقع برگشت، ما دیرتر از حاج آقا به فرودگاه نوشهر رسیدیم. وارد هواپیما که شدیم، ایشان دقایقی بود رسیده بودند. قرآن در مقابلشان باز بود و مشغول قرائت کلام وحی بودند.^۳

پیروزی قطعی، با توکل به خدا

سردار شهید «حسین سلامی»، فرمانده کل سپاه، فردی بود که در هر جلسه مهم نظامی، آیه‌ای از قرآن را به عنوان راهنما انتخاب می‌کرد. دوستانش روایت می‌کنند: شب قبل از عملیات، سردار سلامی کنار نیروها سوره حشر و فتح را با صدای بلند و حال اشک آلود تلاوت کرد و گفت: «اگر به خدا توکل کنیم، پیروزی قطعی است».

ایشان همیشه مصحفی جیبی به همراه داشتند که هدیه‌ی مقام معظم رهبری بود و حتی با حفظ بودن قرآن، رسمشان این بود که هر روز چند صفحه از روی همان مصحف تلاوت کند. شب شهادت، این مصحف همراهشان بود و آخرین جمله‌شان این بود: «خدایا! قلبم را با نور قرآن آرام کن».^۱

این روایت‌ها، جلوه‌هایی از تأثیر واقعی قرآن بر زندگی، اخلاق و شهادت‌طلبی شهدای جنگ ۱۲ روزه ایران است.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه

1. <https://www.hawzahnews.com/news/1281472>



آیه سیام

همراه همیشگی سختی‌ها

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ
مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾

سوره شرح، آیات ۵ و ۶

پس بی‌تردید همراه سختی، آسانی است.
[آری] بی‌تردید همراه سختی، آسانی است.



سُورَةُ الشُّرَحِّ

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ۖ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۚ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝
إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ۖ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ۝

سُورَةُ التِّينِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ ۝ وَطُورِ سِينِينَ ۝ وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ۝
لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۝ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ۝
إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۝
فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدَ بِالْدِينِ ۝ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ۝

سُورَةُ الْجَنَّاثِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝ خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝ اقْرَأْ
وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۝ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝ عَلَّمَ الْإِنسَانَ
مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝ كَلَّا إِنَّ الْإِنسَانَ لِيَطْغَىٰ ۝ أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَىٰ ۝
إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ۝ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ ۝ عَبْدًا
إِذَا صَلَّىٰ ۝ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ۝ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ۝



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

پیام آیه

این تنها یک آیه برای تسکین دل‌های شکسته نیست؛ این یک «قانون بنیادی» در هندسهٔ نصرت الهی و فلسفه مقاومت است. این آیه، بیانیه‌ای است که استراتژی پیروزی را در دل تاریک‌ترین لحظات آشکار می‌کند. خداوند نمی‌فرماید «بَعْدَ الْعُسْرِ» (پس از سختی)، بلکه می‌فرماید «مَعَ الْعُسْرِ» (همراه با سختی). این «همراهی» کلیدواژهٔ فتح است. این بدان معناست که گشایش، در رحم همان سختی، در بطن همان فشار، و در قلب همان محاصره در حال تولد است. هیچ فشاری بی‌پایان نیست و هیچ «عُسْر»ی بدون «یُسْر» همراهش به میدان نمی‌آید.

سختی‌ها پایان‌پذیرند

یکی از تصوراتی که ممکن است برخی افراد، در موقعیت‌های ناخوشایند داشته باشند، «پایان‌ناپذیری سختی‌ها» است. این پدیدهٔ روانی، ابتدا سختی را برای زمان آینده هم که دیگر آن سختی وجود ندارد، تثبیت می‌کند و سپس، همه فشار آن را در زمان حال بر فرد وارد می‌سازد. این حالت، دو کارکرد منفی روانی دارد: یکی «تعمیم بخشیدن ناخوشایندی به آینده» و دیگری «جمع کردن اندوه در زمان حال». در حالت اول، برخلاف واقع، ذهن انسان سختی را به زمانی که فرا نرسیده یا سختی در آن زمان وجود نخواهد داشت، گسترش می‌دهد که به گسترش فشار روانی منتهی می‌شود؛ سپس همین فشار روانی گسترش یافته، بر زمان حال نیز وارد می‌شود؛ به گونه‌ای که گویا مصیبتی به بزرگی همه عمر، هم‌اکنون بر فرد وارد شده است.

این در حالی است که «پایان‌پذیری»، یکی از اصول مسلم و قطعی سختی‌هاست. ممکن است هم‌اکنون، به یک سختی مبتلا باشید، اما تجربه زندگی نشان می‌دهد که سختی‌های فراوانی آمده و رفته‌اند و هیچ‌یک باقی نمانده‌اند. مطمئن باشید که این یکی نیز باقی نخواهد ماند. درست است که سختی‌ها گاهی به سرعت از بین نمی‌روند، ولی با این حال پایان‌پذیرند. بازنگشتن وضعیت به قبل از وجود مشکل را نباید به پایان‌ناپذیری آن تفسیر کرد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ لِلْمَحْنِ غَايَاتٍ وَلِلْغَايَاتِ نِهَايَاتٍ، فَاصْبِرُوا لَهَا حَتَّى تَبْلُغَ نِهَايَاتُهَا؛ فَالْتَحَرُّكُ لَهَا قَبْلَ انْقِصَائِهَا، زِيَادَةٌ لَهَا»^۱.

همانا برای سختی‌ها اهدافی است و برای آن اهداف، پایانی است. پس بر آن‌ها بردبار باشید تا به پایان برسند؛ زیرا حرکت در برابر آن‌ها پیش از پایان یافتنشان، افزاینده آن‌هاست.

روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روبه‌روی دیواری نشسته بودند که سوراخی در آن بود. به سوراخ دیوار اشاره کرد و خطاب به یاران خود فرمود: «لَوْ جَاءَ الْعُسْرُ فَدَخَلَ هَذَا الْجُحْرُ، لَجَاءَ الْيُسْرُ، حَتَّى دَخَلَ عَلَيْهِ فَأَخْرَجَهُ»^۲؛ اگر سختی بیاید و داخل این سوراخ شود، قطعاً راحتی می‌آید تا این که وارد می‌شود و سختی را بیرون می‌کند.

بر اساس همین اصل است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لِكُلِّ ضَيْقٍ مَخْرَجٌ»^۳؛ برای هر تنگنایی، راه خروجی است. هم‌چنین است قول خداوند در قرآن کریم که فرموده است: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^۴.

یکی از اتفاقاتی که در طول قرن‌ها بشر انتظارش را می‌کشید، محقق شد. مردم در برابر ظلم ستمگر و جائری سر بلند کردند و همه سختی‌های مبارزه را به جان خریدند؛ اما این موفقیت ارزان به دست نیامد.

تاریخ گواهی می‌دهد که انقلاب اسلامی انفجاری ناگهانی نبود؛ بلکه واکنشی ایمانی به اوج «عُسْر» و تاریکی دوران پهلوی بود. سال‌هایی که در آن، عزت ملی زیر پای قانون کاپیتولاسیون له می‌شد و خفقان حاکم بر جامعه، نفس کشیدن را هم دشوار کرده بود. در آن دوران، فاصله طبقاتی بیداد می‌کرد^۵ و زندان‌ها پر

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۷۹.

۲. نهج الفصاحة، ص ۶۴۷.

۳. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱۱۰۹۳؛ لیشی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۰۱.

۴. انشراح، ۶.

۵. فیلمی دیده نشده از وضعیت ایران پیش از انقلاب که در سال ۱۳۵۷ از تلویزیون شوروی پخش شد. فقر و فلاکتی که در محله‌های تهران موج می‌زند؛ در حالی است که شاه روزانه ۶ میلیون بشکه نفت می‌فروخت، هیچ تحریمی وجود نداشت و روابط با آمریکا و اروپا در بالاترین سطح بود و جمعیت ایران فقط ۳۵ میلیون نفر بود.

بود از جوانانی که جرمشان تنها اندیشیدن بود. اما طبق سنت الهی، دقیقاً در دل همین فشارها و سختی‌های طاقت‌فرسا، روح بیداری در کالبد جامعه دمیده شد؛ گویی آن شدتِ ظلم، لازمهٔ بیدار شدنِ پتانسیل عظیم ملتی بود که باید برای یک تغییر بزرگ آماده می‌شد.

این پیروزی و گشایش برای امت مسلمان، از دل شب‌های تاریک سلول‌های انفرادی و درد شکنجه‌های طاقت‌فرسا زاده شد؛ جایی که مردان و زنان، زیر دست مأموران ساواک، خُرد می‌شدند.

در روزهای سیاه اعتصاب غذا در نوروز ۱۳۵۷، با بدن‌هایی که تاب نیاوردند و لبانی که حتی آب را رد کردند، زندانیان با نگاهی به چشمان ظلم ایستادند. پشت در زندان، مادران، شب‌عید را بر خود حرام کرده بودند، در خیابان بست می‌نشستند و تهدید شاه را به جان می‌خریدند تا امیدی به نجات فرزندان بی‌رمق خود داشته باشند. این مقاومتِ مظلوم، عملی‌ترین تفسیر آیهٔ قرآن بود: گشایش، نه در فرار از سختی، بلکه در آغوش کشیدن رنج و بی‌هراس ایستادن در برابر ظلم، حتی اگر بهایش شکستن جسم عزیزترین کسانت باشد؛ و بالاخره پیروزی‌ها از راه رسید و رژیم سفاک پهلوی از بین رفت.^۱

رنج پیروزی

در تاریک‌ترین روزهای زندان کمیته مشترک ضد خرابکاری، آیت‌الله خامنه‌ای را به سلولی انفرادی بردند. پاهایش را بستند و شکنجه‌گران با تازیانه‌های خیس، به نوبت آن قدر کف پایش را زدند که بی‌هوش شد. شرط پایان این شکنجه بی‌رحمانه، بیزاری جستن از امام خمینی ره شد.

۱. در آستانه نوروز ۱۳۵۷، همزمان با اوج‌گیری مبارزات مردم، تمام زندانیان سیاسی زندان قصر در اعتراض به کشتار مردم به دست ارتش شاهنشاهی دست به اعتصاب غذا زدند. در این اعتصاب غذا، زندانیان خواستار بهبود وضع غذا و خوراک، کاهش محدودیت ملاقات با افراد خانواده و دوستان، ارجاع پرونده‌های تجدیدنظر خود از دادگاه نظامی به دادگاه‌های عادی شدند. اعتصاب‌کنندگان با نوشتن نامه‌ای به کمیسیون ایرانی طرفداران حقوق بشر که «هدایت‌الله متین‌دفتری» در رأسش بود، اعتصاب غذای خودشان را شروع کردند.

و نهضت اسلامی بود؛ اما او ایستادگی را بر آسایش جسم ترجیح داد و در برابر ظلم سر خم نکرد. این دوران با ۵۲ روز زندان انفرادی و رنج‌های جسمی و روانی همراه شد. ایشان بعدها می‌فرمودند: «یک روز بازجویی، برابر با یک سال انفرادی است».^۱

امروز، برکت و ماندگاری انقلاب اسلامی، همان وعده خدا است که پس از آن سختی‌ها پدیدار شد. این حرکت پربرکت، ملتی را که روزی برای کوچک‌ترین تصمیماتش محتاج بیگانگان بود، به قلهٔ استقلال و خودباوری رساند تا دیگر هیچ قدرتی نتواند اراده‌اش را بر آن‌ها تحمیل کند. انقلاب اسلامی ثابت کرد که اگر ملتی بر سر آرمان‌هایش بایستد، خداوند از دل سخت‌ترین شرایط، راهی به سوی عزت و اقتدار می‌گشاید؛ حقیقتی که نشان می‌دهد آن رنج‌های دیروز، سرمایهٔ امنیت و اقتدار امروز شده است.

این جوهرهٔ استقامت، تنها به سرنگونی طاغوت محدود نشد؛ بلکه در سال‌های دفاع مقدس نیز به عنوان یک فرمول الهی، بارها آزموده شد و سربلند بیرون آمد. روایات پیش‌رو، اسنادی تاریخی‌اند که نشان می‌دهند چگونه همان روحیهٔ ایستادگی، در سخت‌ترین لحظات نبرد و اسارت نیز بن‌بست‌ها را شکست و وعدهٔ «گشایش» را محقق ساخت:

عملیات کربلای ۵؛ سخت‌ترین نبرد و فرجام پیروزی

عملیات «کربلای ۵» که در ۱۹ دی ۱۳۶۵ آغاز شد، یکی از پیچیده‌ترین، سخت‌ترین و پرتلفات‌ترین نبردهای دوران جنگ است. در این عملیات، رزمندگان ایرانی باید از استحکامات پنج ضلعی در منطقهٔ شلمچه عبور می‌کردند که دشمن با تمام قدرت، آن را مستحکم کرده بود.

شرایط این عملیات به قدری سخت بود که «حمدانی» از فرماندهان عراقی می‌گوید: «بیش از ۵ هزار توپ و تانک در این منطقه بر روی هم آتش ریختند. شما نمی‌توانستید ده متر جا پیدا کنید که بمباران نشده باشد». رزمندگان ایرانی زیر آتش سنگین توپخانه و بمباران شیمیایی قرار داشتند. انتقال مهمات، غذا و مجروحان به هیچ عنوان مقدور نبود و همه چیز توسط افراد حمل می‌شد.

1. <https://farsi.khamenei.ir/memory-content?id=35645>

عملیات ۴۵ روز به طول انجامید و در این مدت، دشمن بیش از ۱۰۰ یگان به منطقه آورد. اما رزمندگان ایرانی با صبر و مقاومت، سرانجام توانستند شلمچه را آزاد کنند. پس از ۴۵ روز نبرد خونین، شلمچه و ۱۴ کیلومتر از جاده بصره آزاد شد. دژ اسطوره‌ای که توسط کارشناسان نظامی شرق و غرب ساخته شده بود، شکست. در این عملیات، ۴۰ هزار نفر از نیروهای عراقی کشته یا زخمی و ۲۷۰ نفر اسیر شدند. نیروهای ایرانی در ۱۰ کیلومتری بصره مستقر شدند. این پیروزی، پس از آن همه سختی و رنج، نمودی از «یُسر» در کنار «عُسر» بود.^۱

آزادسازی خرمشهر: پس از ۱۹ ماه اسارت شهر

خرمشهر پس از ۳۵ روز مقاومت در ۴ آبان ۱۳۵۹ به دست نیروهای عراقی افتاد. این شهر ۱۹ ماه در اشغال دشمن باقی ماند و در این مدت، سختی‌های فراوانی بر مردم ایران رفت: جدایی بخشی از خاک میهن، آوارگی مردم خوزستان و تبلیغات گسترده دشمن مبنی بر این که خرمشهر را برای ابد تصرف کرده است. اما در عملیات «بیت المقدس»، که در چهار مرحله انجام شد، رزمندگان ایرانی با مقاومت و ایثار، سرانجام در ۳ خرداد ۱۳۶۱ خرمشهر را آزاد کردند. در این عملیات، حدود ۱۹۵۰۰ نیروی عراقی اسیر شدند.

پیروزی در خرمشهر نه تنها پایان ۱۹ ماه اشغال بود، بلکه نقطه عطفی در دفاع مقدس شناخته می‌شود. خرمشهر که به «خونین شهر» و نماد مقاومت بدل شده بود، حالا نماد پیروزی شد. این پیروزی، پس از سال‌ها سختی و مقاومت، تجلی واقعی «همانا با سختی آسانی است» بود.^۲



محتوای خود را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه

1. <https://navideshahed.com/001ey2>

2. https://d-mag.ir/p15576/#_ftn25

<https://www.oral-history.ir/?page=post&id=3433>